



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

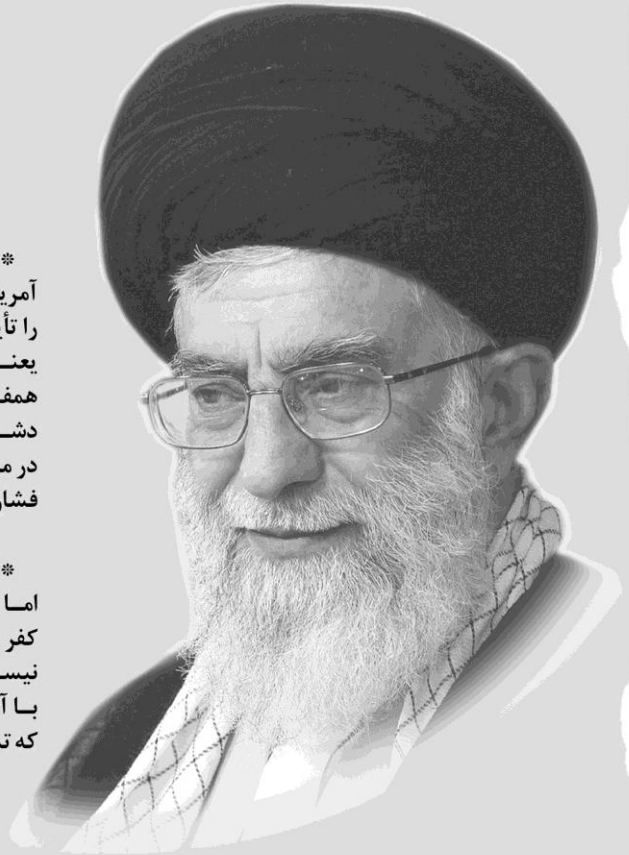
«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بَيْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَانِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»



رهنمود ولایت

* امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده آمریکا است؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می کند. آمریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضع گیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار آمریکا و همکاران و همفکران اوست.

* در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عرووی و ثقای الهی امکان پذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با آمریکا بشتابند، دعوت نمی کنیم؛ ما دعوت می کنیم که تسلیم آمریکا نشوند.



صاحب امتیاز:

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه

مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

سر دبیر: محمود مهدی پور

هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا، سید جواد حسینی، محمدغلامرضائی،

محمد مهدی ماندگاری، علی مختاری، حسین ملانوری، محمود مهدی پور، ابو الفضل هادی منش

دبیر مقالات: محمدعلی قربانی

امور اجرایی: مجید خلیلی

امور مشترکین: سید مجتبی محمودی

ویراستار: سید جمال الدین نصیری

تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه



نشانی: قم، ۴۵ متری صدوق، ۲۰ متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ، دفتر مجله مبلغان.

نمبر: ۳۲۹۱۴۴۶۶

تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸

- مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان آن است.
- حجم مقالات از ۱۲ صفحه دست‌نویس فراتر نرود.
- مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می‌شود.
- نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

رهنمود ولایت

سرمقاله

۳ * سخنی با دولت یازدهم محمد حسن نبوی

قرآن کریم

۸ * پرتوی از آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی استان قم

تاریخ و سیره

۱۴ * آفاق دعوت رسول اعظم ﷺ (۲) حسین تربتی

۲۱ * مبارزات حوزه‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قدرت الله عفتی

۲۹ * التقاط و تحجر، دو آفت انقلاب اسلامی غلامرضا گلی زواره

۳۵ * تفاوت حکم نماز در سفر و حضر محمداسماعیل نوری

اخلاق

۴۳ * رمز و راز بلاها و ابتلاها (۳) علی مختاری

روشها

۵۰ * راه و رسم تبلیغ جواد محدثی

فرهنگ

۵۴ * تکثیر نسل در فرهنگ اسلامی (۱) سید جواد حسینی

۶۰ * تغایر دین و جامعه در زمینه ازدواج و خانواده (۱) علی کریمی

۶۸ * دشمنان فرهنگی امامان شیعه (۱) سید محمد امام (جزایری)

۷۹ * زبیده خاتون بنت الجواد علیها السلام، نگین شهر نراق علی محمد مظفری

سیاست و اجتماع

۸۴ * خط امامت و طوفانهای بنی عباس (۲) عبدالله اصفهانی

رهنمودها و خبرها

۹۱ * سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام

۹۶ * خبرها و هشدارها

اسوده‌های تبلیغی

۱۰۰ * معلم اخلاق، حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی علیه السلام محمدتقی ادهم نژاد

معرفی کتاب

۱۱۳ * مجمع البحرين و مطلع النیرین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

کلشن احکام

۱۲۵ * احکام مراسم عروسی سید جعفر ربانی

اشعار

۱۳۱ * همراه با شاعران ولایی گردآورنده: احمد رمضان

گوناگون

۱۳۵ * پرسشنامه

۱۳۸ * اطلاعیه پذیرش حوزه‌های علمیه سفیران هدایت



محمدحسن نبوی

کمی تعدیل شوند و برای مردم امید واری ایجاد کنند، اما از آنجا که تعرّض به مرز ارزشها احساس گردید، بنا را بر این گذاشتیم که در حدّ توان، تذکراتی را بیان و به تکلیف دینی خود پردازیم، زیرا در مورد ارزشهای دینی با کسی تعارف نمی‌کنیم:

۱. اولین حرکت که نشان دهنده جهتگیریهای کلان مدیریتی دولت‌ها است، تعیین وزراء می‌باشد؛ در این حرکت (معرفی وزراء به مجلس) بحثهای مفصلی در صحن علنی و در حواشی مجلس مطرح گردید که از جمله آنها حسّاسیّت درباره ارتباط افراد معرفی شده با فتنه سال ۸۸

بازدهم با شعارهای زیبای «اعتدال و تدبیر و امید» در انتخابات به پیروزی دست یافت؛ شعارهای جدید برای بعضی این ذهنیّت را ایجاد کرد که شاید خطبازی و جناح‌گرایی، جای خود را به عقل و منطق داده و این گروه جدید، خردمندان از دلسوزان نظام با هر سلیقه و هر گرایش‌ی برای پیش برد اهداف کشور استفاده کنند در همین مدت کوتاه نگرانی‌های زیادی به وجود آمد، که برای رعایت حال افراد جدید، سعی کردیم دعوای جناحی را به خودشان واگذاریم و گفتیم شاید پس از شعف پیروزی،

بعدی دولت ادامه یافت
به گونه ای که گویا
مدال پیروزی به
طرفدارن «فتنه» اهداء
می‌گردد.

از سوی نیروهای
جناح مقابل خیلی سر
سخت و با سرعت حذف
می‌گشتند و از سوی دیگر
تواضع در مقابل دشمنان
ملّت آغاز گردید؛
دشمنانی که خون صدها
هزار شهید انقلاب
بوسیله آنان بر زمین
ریخته شده بود.

در این رویکرد کاملاً
جدید، به جای اعتماد
به توانمندی‌های داخلی،
به دستهای دشمنان چشم
دوخته شد، تا شاید گره
از کار آنان باز کند
مناسب است در موضوع
«رفتار با دوستان و
دشمنان»، خط و مشی
اساسی و کلان را از
آیات قرآنی جویا و از
معارف قرآن بهره
گیریم؛ گرچه در این
باره آیات و روایات
فراوانند، لیکن از باب
نمونه به دو آیه و یک
روایت اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال در
قرآن مجید می‌فرماید:
[مَجُّمٌ مِّنْ دُونِ رَسُولِ اللَّهِ
وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى

بود که وزرای معرفی
شده تا چه اندازه
طرفداری از فتنه‌گران
داشته اند و در نهایت
اگر فرد معرفی شده،
جزء باند اصلی فتنه
نبود، با رأفت مورد
پذیرش قرار می‌گرفت.
در اینجا بایسته و
شایسته آن بود که
کسانی به عنوان

مسئولین کلیدی نظام
انتخاب شوند که در
کوران حوادث و خطرات
نظام، مردانه و با
ایمان از نظام و خون
شهداء دفاع کرده و
بد خواهان را منکوب
کرده باشند و در این
معرکه لازم بود برای
کسانی که در دوران
بروز فتنه سیاست، سکوت
کرده و یا رویه «یکی
به نعل و یکی به میخ»
را پیشه کرده بودند،
جایگاهی نباشد.

در این حرکت آغازین
و مبنای (معرفی
وزراء) هیچ جایگاهی
برای مدیران شایسته
جناح مقابل در نظر
گرفته نشد.

۲. از تعیین وزراء
به راحتی می‌شد فهمید
که بناست کشور به دست
چه کسانی بیفتد؛ از
اینرو انتصاب افراد
مسئله دار در بخشه ای

الْكَفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ؛^۱
 «محمد- پیامبر خدا، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربان.»
 در آیه دیگر می‌خوانیم:

[لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ]؛^۲
 «نباید مؤمنان، کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند او را با خدا رابطه‌ای نیست. مگر اینکه از آنها بیمناک باشید. و خدا شما را از خودش می‌ترساند که بازگشت به سوی اوست»
 امید آنکه به جای دوستی با دشمنان کمی با خودمان مهربان باشیم. و بجای امید بستن به دشمن، سخن امام صادق% را سرلوحه زندگی قرار دهیم؛ که آن حضرت در توصیف «شیعه واقعی»

می‌فرماید: «شَيْعَتُنَا... لَا يُجَاوِزُونَ لَنَا عَدْوًا وَ لَا يَسْأَلُونَ لَنَا مَبْغِضًا وَ

لَوْ مَاتُوا جُوعًا؛^۳
 شیعیان ما... با دشمن ما همسایگی نکنند و از بد خواه ما گدایی نکنند، گر چه از گرسنگی بمیرند.»

۳. رئیس جمهور محترم در گزارش صد روزه فعالیت‌های دولت (که چندان شباهتی به گزارش نداشت) مطالبی مطرح کردند که احساس می‌شد آنها را به عنوان فتح‌الشیتهای افتخار آمیز خود قلمداد می‌کنند؛ از جمله آنها، آزاد سازی فیلمهای ممنوع شده بود! شاید ایشان احساس کردند این فیلمها خیلی ارزشی و فرهنگ ساز بوده که ممنوع شده و برای دفاع از ارزشها سعی نموده اند که این فیلمها را آزاد کنند، در حالیکه همه می‌دانند این برداشت بیشتر به طنزی مضحک می‌ماند تا حقیقت. پس اگر این حرکت در راستای دفاع از ارزشها و اعتقادات مردم نیست (که همه می‌دانند نیست) از چه روی رئیس جمهور محترم به آن افتخار میکنند.
 ۴. ایشان از سریع

۳. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۰۳.

۱. فتح/ ۲۹.
 ۲. آل عمران / ۲۸.

زرد برای این دولت
نگران کننده نیست و من
به امثال آقای جنتی به
عنوان مدافع حقوق
هنرمندان و آزادی
افتخار می کنم «،
نمی‌توان گذشت.
بد نیست بدانیم
برخی از نزدیکان رئیس
جمهور هم به انحاء
مختلف مجلس و
نمایندگان را تهدید
می‌کنند، که اینگونه
تهدید مجلس و بی
اعتنای به نگرانی‌های
نمایندگان، عجیب بنظر
نمی‌رسد؟! اگر این رویه
بی‌اعتنای به مجلس، که
تنها مرجع قانون‌گذاری
نظام است، ادامه یابد،
به کجا خواهیم رسید!
۶. رئیس جمهور
محترم در فراز دیگری
از سخنان خود فرمودند
«ما با همه ت وان
می‌خواهیم افراطیون را
به انزوا برانیم»
این مطلب در حالی
 مطرح می‌شود که عده ای
از مجموعه ایشان به
طرفداران فرقه های
خائن، همانان که از
سوی ی از نظام اسلامی
باچ می‌گیرند و از سوی
دیگر توسط اجانب به‌طور
گسترده حمایت می‌شوند،
امتیاز داده و با
قولهای مساعد سعی در

القلم کردن ممنوع
القلمها یاد کرده و به
آن می‌بالند؛ مطلبی که
در مورد فیلمها گفته
شد دقیقاً در مورد
قلمها هم صادق است ،
گرچه بد نبود ایشان از
ممنوع القلمها که به
آزاد سازی آنان
پرداخته بودند ، نام
می‌بردند تا مردم
بدانند آیا چنین
افرادی وجود خارجی
دارند یا نه و یا
اینکه اگر فردی هم
یافتند، معلوم شود، چه
کسی است؟!
۵. رئیس جمهور در
تبلیغات انتخاب اتی و
در ابتدای ریاست
جمهوری، درباره اهمّیّت
قانون و مجلس سخنان
زیادی ایراد و دولت
سابق را به شدت در این
مورد مقصر نشان دادند،
گرچه در مواردی هم
انتقاد ایشان وارد
بود ، اما هنوز چند
ماهی از ورود به کاخ
ریاست جمهوری نگذشته ،
به جمع اصحاب هنر رفته
و مطالبی بیان فرمودند
که در بخشهای ی قابل
تأمّل است؛ از اتهامات
ایشان نسبت به نظام
اسلامی و تعاریف جعلی
می‌گذریم، لکن این جمله
که فرمودند «خیلی کارت

آشتی کردن با آنان دارند!

دوستان و همکاران ایشان با دلجویی از فتنه گران و اعطای ریاست های ریز و درشت به آنان مدال افتخار می دهند.

شعار ایشان «آشتی و وحدت در بین آحاد ملت» است.

سؤال این است که رئیس جمهور چه کسانی را تصمیم گرفته اند به انزوا برانند؟ آیا همانان نیستند که هشت سال در برابر دشمن با تمام وجود ایستاده ، صدها هزار شهید و معلول تقدیم انقلاب کردند؟

آیا همانان نیستند که در کوران حوادث انقلاب برای دفاع از نظام با همه هستی ، پا در میدان نهاده و در برابر دشمنان ، هزاران سختی و مشکل را تحمل و با خون دل جمهوری اسلامی را بر پا کردند تا عده ای ریاست های آن را بر عهده گیرند؟

آیا همانان نیستند که در فتنه سال ۸۸ در برابر توطئه هماهنگ خائنان داخل و همه کشورهای خونخوار ایستادند؟

۷. در کلمات رئیس محترم جمهور و عده ای از مسئولین جدید، مطالبی در نقد دولت نهم و دهم مطرح می شود که از باب نمونه به چند مورد از سخنان رئیس جمهور محترم اشاره می کنم:

* «عمده مشکلات اقتصادی ب خاطر بی تدبیری بود».

* «در سال ۹۱ ما تورم بالای ۴۰ درصد و رشد اقتصادی منفی داشته ایم».

* «درآمد دولتهای نهم و دهم ، بی سابقه بوده است».

* «دولتی که پولدارترین دولت بوده ، بدکارترین دولت نیز بوده است».

* «فقط ۳۲ درصد تعة دات سفرهای استانی دولت قبل انجام شده است».

* «بخش بزرگی از تورم ما ، از مسکن مهر نشأت می گیرد».

* «آیا از مردم اجازه گرفته شده است که از جیب فقرا بگیریم و برای عده ای مسکن درست کنیم؟».

* «روابط دولت با دنیا در گذشته در حد بسیار پایینی بود».

می‌شود، آیا در دولتهای
آینده، همین نوع قضاوت
درمورد دولت اعتدال
انجام نخواهد شد؟
ه. آیا در کلمات
بسیاری از مسئولین
جدید، کینه جویی و
انتقامجیری احساس
نمی‌شود؟ که اگر چنین
احساس شود، برای
محبوبیت آنان مضر و در
بین مردم با فرهنگ
ایران، بزرگوارانه
تلقی نمی‌شود.
در پایان در مفهوم
روایت مولای متقیان
امام علی% تأمل می‌کنیم
که آن حضرت فرمودند:
«أَقْبُ بَحْ أَفْعَ الِ
الْمُقْتِ دِرِ الْإِنْتِقِ ام؛
زشتترین رفتار فردی که
به قدرت رسیده، انتقام
گیری است.»

**در پاسخ به این سخنان،
باید گفت:**
گرچه ما دولت نهم و
دهم را به هیچ وجه دور
از کاستی و اشتباه
نمی‌دانیم و در زمان
همان دولت هم از باب
نقد مطالبی را نوشتیم
اما:
الف. اگر هر دولتی
که بر آریکه قدرت
می‌نشیند، دولتهای قبل
را بی‌کفایت نشان دهد،
مردم را به این نتیجه
نمی‌رساند که در نظام
جمهوری اسلامی هیچ
خدمتی اتفاق نیفتاده و
همگی ناتوان و ضعیف
بوده‌اند، در حالیکه
خلاف حقیقت بودن آن بر
هر فرد منصفی واضح
است؛

ب. در این صورت آیا
سخنان مسئولین ما
همانند سخنان ضد انقلاب
نخواهد بود؟ آیا همصدا
همگی بر طبل نفی
کارای نظام اسلامی
نمی‌کوبند؟

ج. آیا این گونه
رفتارها با سخنان رئیس
جمهور در مورد اعتدال
و آشتی ملی منافات
ندارد؟

د. اگر رویه تخریب
این‌گونه باز شود، که
در این دولت بسیار
گسترده‌تر از قبل انجام

۱. غرر الحکم و درر الکلم،
تمیمی آمدی، انتشارات دفتر
تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش،
ص ۳۴۶.



م:

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم

اشاره

در ادامه سلسله

مباحث مربوط به تفسیر سوره مبارکه حمد - که در شماره های گذشته ماهنامه مبلغان ارائه شد - به [مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ] میپردازیم.

روایات مربوط به آیه

۱. از امام رضا% در

تفسیر آیه [مَالِكِ يَوْمِ

الدِّينِ] چنین نقل شده

است: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

اِقْرَارٌ لَهُ بِالْبَعْثِ وَ

الْحِسَابِ وَ الْمُجَازَاةِ وَ

اِجَابٌ مُلْكِ الْاٰخِرَةِ لَهُ

كَاِجَابِ مُلْكِ الدُّنْيَا؛^۱

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، اقرار

به برانگیختن در روز

قیامت و حساب و روز

جزا است و تأییدی بر

اینکه او فرمانروای آخرت است، همان گونه که فرمانروای دنیا است.»

۲. امام صادق% ضمن

تفسیر سوره حمد،

درباره این آیه چنین

نقل شده است: «مَالِكِ

يَوْمِ الدِّينِ قَالَ جِبْرَائِيلُ

مَا قَالَهَا مُسْلِمٌ قَطُّ اِلَّا

صَدَّقَهُ اللهُ وَ اَهْلَ سَمَاوَاتِهِ؛

جبرائیل میگوید: هیچ

مسلمانی مالک یوم

الدین را نمیگوید، مگر

اینکه خدا و اهل

آسمانهایش او را تأیید

و تصدیق میکنند.»

۳. در روایتی دیگر،

حضرت ارائه تفسیر قرآن

به قرآن، درباره تفسیر

[مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ] چنین

میفرماید: «مَالِكِ يَوْمِ

الدِّينِ قَالَ يَوْمُ الْحِسَابِ

وَ التَّدْوِيلِ عَلَيَّ ذَلِكَ قَوْلُهُ

[وَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا

۱. تفسیر برهان، سید هاشم

بحرانی، نشر بنیاد بعثت،

تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج

۱، ص ۱۱۷.

يَوْمُ الدِّينِ؛ ۱ مالک يوم الدين؛ منظور از "يوم الدين" روز حساب و قیامت است و دلیل این مطلب قول خدا است که می‌فرماید: انسانها در روز قیامت هنگام مبعوث شدن می‌گویند: وای بر ما! امروز يوم الدين و روز حسابرسی است»
حکایتی مربوط به آیه
۱. ابو طلحه از

صحابه پیامبر اکرم - نقل می‌کند: با حضرت در بعضی از جنگها بودیم؛ چون کار سخت شد و جنگ شدت گرفت، حضرت سر

برداشت و عرض کرد: **«يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»**
ابو طلحه می‌گوید:

می‌دیدیم که سرهای مشرکین از تن جدا می‌شد و کسی را در حال ضربت زدن نمی‌دیدیم. پس از اندکی کافران پای به فرار گذاشتند. پس از جنگ از حضرت پرسیدم: جریان این سرها که از تن جدا می‌شد، چه بود؟ حضرت فرمود: فرشتگان بودند که ضربت می‌زدند و شما آنها را مشاهده نمی‌کردید.» در روایت است که: هر گاه که کار

بر بنده مسلمانی سخت شود، اگر بر این کلمات شریفه مواظبت نماید، آن کار بر او آسان

۱. صافات / ۲۰.

گردد. ۲.
۲. در احوالات امام سجاد% نقل شده است: هر گاه ایشان به آیه **[مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ]** می‌رسید، آنقدر آن را تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان به جان آفرین تسلیم کند. ۳.
نکته تفسیری

چرا مالک يوم الدين؟ یعنی او با وجود بخشندگی، کاستی ندارد و مالک است؛ هم در این دنیا و هم تا ابد **[يَوْمِ الدِّينِ]**.
نکات فقهی و احکام

الف) خواندن حمد و سوره بر اساس قرائتهای مشهور جایز است. به عنوان مثال: می‌توان هم **[مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ]** و هم **«مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ»** خواند. چنانچه راوی گوید: زیاد شنیدم که امام صادق% **«مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ»** تلاوت می‌نمود. مالک از ملک است و ملک از مُلک. مهم اینجاست که اگر کلمه‌ای بر اساس يك قرائت خوانده شود، نمی‌توان بر اساس قرائت دیگر همان کلمه را تکرار کرد.

۲. تفسیر روح الجنان، ابو الفتوح رازی، نشر دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۵۰.
۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، مدرسه امام علی%، قم، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۴۰.

مالك حقيقي چيزهايي كه در اختيار داريم، نيستيم؛ بلكه عرف و به تبع آن شرع، ما را به اعتبار اينكه چيزي در ملكيت و اختيار ما است، مالك مي دانند. اين ملكيتهاي اعتباري همچنان كه به دست آمده اند، از دست مي روند. و قابل اعتماد و تكيه كردن نيستند. چه بسيار افرادي كه داراييهاي دنيوي و اعتباري بسيار زيادي داشتند كه مردم به حال آنها غبطه مي خوردند؛ ولي در زمان حيات خويش آنها را از دست داده، به خاك مذلت و سياهي افتاده اند يا اينكه پس از مرگ، حسرت آنها بر دل صاحبان دنياپرست و زراندوز باقي مانده است.

پس اولاً به اين ملكيتهاي اعتباري تكيه و اعتماد نكنيم؛ بلكه به خداي متعال و فضل او اعتماد باشد. ثانياً حلال را با حرام مخلوط نكنيم. نه حرام كسب كنيم و نه از اداي واجبات شرعي مانند خمس و زكات شانه خالي نماييم. ثالثاً سعي كنيم با استفاده صحيح از اموال و هزينه كردن در راه خدمت به مردم و دين خدا، براي روز قيامت ذخيره عظيم معنوي ته يه كنيم.

(ب) مهم ترين اسباب ملكيت و دارا شدن چيزي عبارت اند از: ۱. خريد و فروش؛ ۲. هديه دادن؛ ۳. بخشش؛ ۴. اباحه و حلال كردن؛ ۵. حيازت و جمع آوري؛ ۶. تحجير و سنگچيني؛ ۷. آباد كردن زمين باير بدون صاحب.

اگر چيزي مالك مشخصي نداشته باشد و شخصي آن را جمع آوري يا تصرف كند، آن چيز مال آن شخص مي شود. مانند ماهيان دريا يا رودخانه يا ميوه هاي جنگل و مانند آنها كه به اين عمل «حيازت» مي گويند.

اگر كسي زمين بي صاحبي را سنگچيني و علامتگذاري كند، به اين عنوان كه ملك من است، آن زمين مال او ميشود. به اين عمل تحجير و سنگچيني مي گويند.

نکته اخلاقي

مالكيت بر دو قسم است: ۱. مالكيت حقيقي؛ ۲. مالكيت اعتباري. مالكيت حقيقي، مالكيت خداي متعال نسبت به تمامي عالم هستي است و مالكيت انسان و ساير موجودات زنده نسبت به اعضاي بدن خود، مالكيت اعتباري. مانند مالكيت انسان نسبت به آنچه در اختيار دارد و در ملك او است. ما در واقع

البته در این باره باید مواظب باشیم در دام اسراف و گزافروزی نیافتیم.

نکته اعتقادی

اعتقاد به روز رستاخیز و اینکه در آن دادگاه بزرگ عدل الهی همه چیز بسیار دقیق مورد محاسبه قرار می‌گیرد، اثر فوق العاده نیرومندی در کنترل انسان در برابر اعمال نادرست و ناشایست دارد و یکی از عوامل کنترل انسان در برابر هواهای نفسانی و فحشا و منکرات است
با خدا باش و پادشاهی کن

بی‌خدا باش و هر چه خواهی کن

هر که به خدا و روز رستاخیز اعتقادی نداشته و فقط از قوانین عمومی و اجتماعی بهرآسد، بالطبع در اثر غلبه هواهای نفسانی، راه‌های گریز از قوانین را جستجو می‌کند و اعمال ناشایست خود را ادامه می‌دهد؛ اما انسان معتقد به خدا و روز قیامت، می‌داند هر عمل ریز و درشتی که انجام بدهد، از چشمان تیزبین مأموران الهی مخفی نمی‌ماند، لذا در رفتارهای خودی دقت بیشتری می‌کند و حدود الهی را بیشتر رعایت

می‌نماید.
پرسش و پاسخ درباره آیه
همان گونه که می‌دانیم، از حرکت وضعی زمین به دور خود و نسبت آن با ماه و خورشید، روز و شب پدید می‌آیند. در روز رستاخیز و قیامت که تمامی نظام عالم هستی - بر اساس آیات و روایات - به هم می‌ریزد، و روز و شب در آن تحقق نمی‌یابد، پس چگونه اصطلاح «یوم» بر روز قیامت می‌تواند درست باشد؟

پاسخ: اصطلاح روز قیامت به معنای روز در مقابل شب نمی‌باشد؛ بلکه روز در اینجا به معنی روزگار است که در اصطلاح فارسی و عربی رایج می‌باشد. به عنوان مثال: در عربی می‌گویند: «یوم لك و یوم عليك؛ روزی به نفع توست و روزی به ضرر تو.» کلیم کاشانی چنین می‌سراید:

**بد نامی حیات دو روزی نبود پیش
آن هم کلیم با تو بگویم
چه سان گذشت
یک روز صرف بستن دل شد
به این و آن
روز دگر به کندن دل زین
و آن گذشت
مثالها و مطالب جذاب در
سایه آیه**

۱. استاد بزرگوار،

مرحوم آیت الله مجتهدی
تهرانی (می‌فرمودند :
«در ابتدای طلبگی ما،
به جای نوشتن ناممان
روی کتابهای درسی، در
صفحه اول کتاب چنین
می‌نوشتیم : «كَيْفَ أَقُولُ
هَذِهِ مِلْكِي وَ لِلَّهِ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ چگونه
بگویم این کتاب مال من
است، در حالی که
مالکیت آسمانها و زمین
برای خدا است»

۲. در امور تربیتی
باید هم تشویق باشد و
هم تهدید و تنبیه .
سعدی می‌گوید:
درشتی و نرمی به هم در
به است
چو فاصد^۱ که جراح و
مرهم نه است

در اینجا نیز خدای
متعال این نکته تربیتی
را رعایت کرده و
بلافاصله پس از آیه
[الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ] آیه
[مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ] را
آورده است که : [الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ] برای تشویق
انسانها جهت مایوس
نشدن از رحمت الهی است
و [مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ]
برای تذکر و تنبیه تا
از رحمانیت و رحیمیت
خدای متعال کج فهمی و
سوء استفاده نکنند و
مواظب اعمال و رفتار
خود باشند؛ چرا که در
روز قیامت پاسخگوی

اعمال خود خواهند بود
۳. در حدیثی از
امام سجاد % می‌خوانیم:
«هنگامی که به آیه
[مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ]
می‌رسید، آن قدر آن را
تکرار می‌کرد که نزدیک
بود روح از بدنش پرواز
کند . «كَانَ عَلِيٌّ بَنَ
الْحُسَيْنِ إِذَا قَرَأَ مَالِكِ
يَوْمِ الدِّينِ يُكْرِّرُهَا حَتَّى
يَكَادُ أَنْ يَمُوتَ»^۲

پیامبر - فرمودند :
«خدا می‌فرماید : موقعی
که بنده من بگوید :
«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»،
خدای مهربان می‌فرماید:
من شما را گواه
می‌گیرم . همان طور که
بنده ام اعتراف کرد: من
مالک روز جزا هستم،
روز قیامت حساب او را
سهل خواهم گرفت. حسنات
او را قبول و گناهانش
را عفو می‌نمایم.^۳

۴. کسانی که بدون
حساب وارد بهشت
می‌شوند:
الف) صابران:
امام سجاد %
می‌فرماید : «إِذَا كَانَ
يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ
أَيْنَ الصَّابِرُونَ؟ فَيَقُومُ
عَتَقَ مِنَ النَّاسِ فَيَقُ ال
لَهُمْ أَذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ
بِغَيْرِ حِسَابٍ ! قَالَ :

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱.

۳. تفسیر آسان، محمد جواد

نجفی خمینی، انتشارات

اسلامیه، تهران، چاپ اول،

۱۳۹۸ ق، ج ۱، ص ۴۷.

۱. فاصد به معنای رگزن است

مَا أَفْقَرْتُكُمْ هَوَاناً بِكُمْ
وَ لَكِنْ أَدَخَرْتُ هَذَا لَكُمْ
لِهَذَا الْيَوْمِ ثُمَّ يَقُولُ
لَهُمْ انظُرُوا وَ تَصَفَّحُوا
وُجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ أَتَى
إِلَيْكُمْ مَعْرُوفاً فَخَدُوا
بِيَدِهِ وَ أَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ؛^۲

چون روز رستاخیز فرا
رسد خدای گرامی و بزرگ
نداگری را دستور دهد
که ندا برآورد
تهیدستان کجایند؟ پس
گروهی از مردم به پا
خیزند و دستور داده
شود که به بهشت در
آیند. آن هنگام که به
در بهشت رسند دربانان
بهشت به آنان گویند:
چرا پیش از حسابرسی
آمده اید؟ آنان گویند:
آیا چیزی به ما
داده اید که ما را به
آن حسابرسی می کنید؟
خدای گرامی و بزرگ
فرماید: بندگانم راست
می گویند. من شما را
برای خوار نمودن،
تهیدست نگرداندم بلکه
این تهیدستی را برای
امروزتان ذخیره نمودم،
سپس به آنان فرماید:
در میان مردم جستجو
کنید و هر که به شما
نیکی نموده دستش را
بگیرید و به بهشت
ببرید.»

فَتَلَقَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ
فَيَقُولُونَ أَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ
أَعْمَالُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ كُنَّا
نُصْبِرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ
نُصْبِرُ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ
فَيَقُولُونَ نِعَمَ أَجْرُ
الْعَامِلِينَ؛^۱ هنگامی که

روز قیامت فرا رسید
آواز دهنده ای فریاد
می زند : کجایند
شکیبایان؟ عده ای از
مردم می ایستند. به
آنها گفته می شود: همگی
بدون حسابرسی به بهشت
روید. فرشتگان به
ایشان گویند: عمل شما
چه بوده است؟ می گویند:
در راه اطاعت خدا صبر
کردیم و از نافرمانی
او شکیبایی ورزیدیم.
فرشتگان می گویند:
[بهشت] بهترین اجر این
عمل است.»
(ب) تهیدستان صبور:

امام صادق %
می فرماید: «إِذَا كَانَ
يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ مُنَادِيًا يُنَادِي أَيْنَ
الْفُقَرَاءِ فَيَقُومُ عُنُقُ مِنَ
النَّاسِ فَيُؤَمَّرُ بِهِمْ إِلَى
الْجَنَّةِ فَيَأْتُونَ بَابَ
الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ [فَيَقُولُ]
لَهُمْ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ قَبْلَ
الْحِسَابِ فَيَقُولُونَ
أَعْطَيْتُمُونَا شَيْئاً
فَتِحَّاسِبُوا عَلَيْهِ فَيَقُولُ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقُوا عِبَادِي

۲. ثواب الأعمال و عقاب
الأعمال، ابن بابویه، نشر
دار الشریف، قم، ۱۴۰۶ ق،
ص ۴۲۱.

۱. الفقه المنصوب الى الامام
الرضا%، مؤسسه آل البيت،
مشهد، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۶۸.

ج) دوستی کنندگان برای خدا:

امام سجاد می‌فرماید: «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ قَامَ مُنَادٍ يُنَادِي بِصَوْتٍ يَسْمَعُ النَّاسُ فَيَقُولُ إِنَّ الْمُتَخَابِئِينَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ عُنُقَ مِنَ النَّاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛

آنگاه که خدای عز و جل آدمیان را از اولین تا آخرین نفر جمع کند، آواز دهنده‌ای برخیزد و با صدایی که همگان بشنوند، بانگ برآورد: کجایند آنان که برای خدا دوستی می‌ورزند؟ پس گروهی از مردم برخیزند و به آنان گفته شود: بدو ن حسابرسی وارد بهشت شوید.»

راه‌کار به دست آمده از آیه

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» در بردارنده چند نکته کلیدی در ارتباط با تربیت معنوی انسان بر اساس اصول کلی اسلامی است؛ اولاً: اشاره به یکی از اصول دین اسلام می‌کند - که وجود روز قیامت و رستاخیر، که بدون این اعتقاد، مسلمانی معنا ندارد. این اعتقاد نقش

بازدارندگی مهمی در اعمال و رفتار انسان و جلوگیری از پیروی هوای نفس دارد.

ثانیاً: مالک و صاحب چنین روزی خدای متعال است، پس احکام الهی در آن جاری می‌شود. هیچ عملی از چشمان تیزبین مأموران الهی به دور نمی‌ماند، و همچون این نجات در چنین روز با اهمیتی، در پرتو توجه کامل به دستورات خدای متعال صورت می‌پذیرد.

فعالیت قرآنی در منزل

۱. مالکیت حقیقی و اعتباری را در چیزهایی که انسان مدعی آن است، بررسی کنید. در چه مواردی انسان مالک حقیقی است و در چه مواردی مالک اعتباری؟
۲. به نظر شما آیا انسان آفریده شده است که در روز قیامت به خدای متعال حساب پس بدهد و یا اینکه روز قیامت آفریده شده است که در آن به حساب انسان رسیدگی شود؟
۳. از آیات قرآن استفاده می‌شود که ایمان به الله يك عقیده عمومی، حتی برای مشرکان عصر جاهلی بوده است؛^۲ اما آنها معاد را رد می‌کردند.^۳ چرا؟

۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲. لقمان / ۲۵.

۳. سبأ / ۸.



حسین تربتی

اختیار دنیای جدید
شود، طوری در حل مسائل
و مشکلات دنیا توفیق
خواهد یافت که صلح و
سعادت آرزوی بشر تأمین
خواهد شد.»

آمارها نیز حکایت
از آن دارد که
طرفداران حضرت محمد- و
مسلمانان روز به روز
در حال فزونی است. بعد
از جمعیت مسیحی ت که
طبق آمار غربیها بیش
از مسلمانها است،
مسلمانها بیش ترین
جمعیت جهان را تشکیل
می دهند . تعداد
مسلمانان جهان با ۲۰۰
میلیون افزایش و رشد
در سالهای اخیر به ۱/۵

در شماره گذشته
موضوع «آفاق دعوت رسول
اعظم-» ارائه گردید و
در آن به مباحثی
همچون: نفوذ و تأثیر
در گستره مکان، نفوذ و
تأثیر در گستره زمان،
نمونه ای از تأثیر
انقلاب پیامبر - و...
پرداخته شد؛ اکنون
ادامه آن را پی
می گیریم.

پیشبینی این است که
گسترده تأثیرگذاری
آیین محمد- و رهبری او
اروپا را زیر بال
خواهد گرفت
«برناردش او» می گوید :
«چنین پیشبینی می کنم و
از هم اکنون آثار آن
پدیدار شده است که
ایمان محمد مورد قبول
اروپای فردا خواهد
بود، و به عقیده من

۱. به نقل از مجموعه آثار،
شهید مطهری(، انتشارات صدرا،
قم، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش، ج ۱۶،
ص ۲۸.

مردم لجوج و متعصب و جاهل عرب صدر اسلام در جلوي اين موج مقدس صف کشيدند و يکي پس از ديگري در هم شکست . تاريخ اسلام، مخصوصاً در دويست ساله اول پر است، از امواج مخالف مذهبي، نژادي و سياسي که هيچ کدام تاب مقاومت نياورده، نيست و نابود شده اند و اکنون جز نامي از آنها در تاريخ نيست و تنها در اين قرن استعمارگران غربي - که به هر ريسمان پوسيده اي عليه اسلام دست مي‌يازند - در صدد بهره‌برداري از آنها افتاده‌اند.^۳

البته امروزه نيز جلوگيري از نفوذ پيامبر اکرم- به شدت تمام ادامه دارد؛ از طريق سايتهاي مبتذل، فيلمهاي زننده عليه دين و حضرت، قرآن سوزي، نوشتن کتابها توسط مُزدوراني چون سلمان رشدي و... تمامي اينها نه تنها مانع توسعه نفوذ آن حضرت نشده است؛ بلکه مردم جهان را بيش تر متوجه آن حضرت و مک تب او نموده است.

چراغي را که ايزد

۳. مجموعه آثار، شهيد مطهري، ج ۱۶، ص ۳۴.

ميليارد رسیده است که ۲۱٪ مردم جهان را تشکيل مي‌دهند.^۱ حتي در قلب اروپا هر روز بر طرفداران حضرت م حمد - افزوده مي‌شود. به اين آمار توجه شود: «۱۴ هزار از سفيد پوستان انگليس که در ميان آنها فرزندان شخصيتهاي کشوري نيز ديده مي‌شوند، به دين مبين اسلام مشرف شده‌اند.»^۲

اين در حالي است که از همان آغاز بعثت و رهبري پيامبر اکرم - همگان تلاش کردند با تهمتها، جنگه‌ها و امثال آن مانع نفوذ آن حضرت شوند و در طول تاريخ نيز دشمنان دين اسلام تلاش وافر نموده اند که جلوي نفوذ و محبوبيت پيامبر اکرم - را بگيرند؛ ولي موفق نشدند. استاد مطهري (درباره ايجاد موانع مي‌فرمايد: «موج اسلامي در طول تاريخ چهارده قرني با امواج مخالف سهمگين نژادي، مذهبي، سياسي و فرهنگي روبه‌رو شده است. بگذريم از سذها و ديوارهايي که

۱. آمارها پرده برمي‌دارند، اصغر جدائي، انتشارات نورالسجاد، قم، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۸۲.
 ۲. همان، ص ۲۱۵.

برفروزد

هر آن کس پف کند ریشش بسوزد

و لازم است اضافه کنیم که نقش پیامبر اکرم - و دعوت‌های او، در پیشرفتهای علوم بشری، حتی در پیشرفت اروپاییها نقش برجسته و حیاتی بوده است «ژول لابوم اندیشمند فرانسوی می‌نویسد: «دانش و علم برای جهانیان از مسلمانان به دست آمد و مسلمین علوم را از قرآنی که دریای دانش است [و از رهبری آن محمد-] گرفتند و نهرها از آن برای بشریت در جهان ساری و جاری ساختند.»

و «دینورت» مستشرق می‌گوید: «واجب است اعتراف کنیم علوم طبیعی و فلکی و فلسفه و ریاضیات که در اروپا رواج گرفت، عموماً از برکت تعلیمات قرآنی است و ما مدیون مسلمانانیم؛ بلکه اروپا از این جهت شهری از اسلام است»^۲

ج) نفوذ در روحها و دلها نفوذ و تأثیرگذاری

پیامبر اکرم- بر روح و روان، دل و قلب بشر، مخصوصاً پیروانش کم‌سابقه؛ بلکه بی‌سابقه و بی‌نظیر است.

جاذبه پیامبر اکرم- حقیقتی است که بر گونه قرون و اعصار می‌درخشد و تا عمق و ژرفای دلها و جانها پیش رفته است، آنچنان که در زمان خود پیامبر و حتی بعد از رحلتش وقتی به یاد او می‌افتند و سجایای اخلاقی اش را می‌شنوند، اشک می‌ریزند و به یاد مصائب و گرفتاریهای او اشک می‌ریزند و حتی دشمنان را تحت تأثیر قرار داده است. قبل از بیان نمونه هایی از نفوذ عمیق پیامبر اکرم - در روح و جان پیروانش به این داستان «بو علی سینا» توجه شود:

«معروف است که یکی از شاگردان بوعلی سینا به استادش می‌گفت: اگر تو با این فهم و هوش خارق العاده مدعی نبوت شوی، مردم به تو ایمان می‌آورند. بو علی سکوت می‌کرد، تا در سفری در فصل زمستان که با هم بودند، سحرگاه بو علی از خواب بیدار شد و شاگرد را بیدار کرد و گفت: تشنه‌ام، قدری آب

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۷۵.
۲. همان، ص ۱۷۶.

انسانهای مهذب، اقطاب و مشایخ عرفان ار باب تسلیم می سازند، نه مؤمن مجاهد فعال^۱ در پیامبر- هم خاصیت فلاسفه است و هم ویژگی رهبر انقلابی و هم خاصیت پیر طریقت و هم مکتب عقل، اندیشه و سازندگی. حال به بیان نمونه هایی از نفوذ عمیق پیامبر اکرم - در پیروانش می پردازیم:

۱. اعتراف دشمن:

گروهی از قرشیان در نزد ابوطالب گرد آمدند، و گفتند: ای ابوطالب! پسر برادرت [محمد -] «... وَ سَبَّ آلِهَتِنَا وَ أَفْسَدَ شَبَانَنَا»^۲ به خدایان ما (بتها) ناسزا می گوید و جوانان ما را فاسد کرده است!! (و به سوی خود جذب نموده).^۳ این نشان می دهد که پیامبر اکرم - آنچنان بر قلب افراد خصوصاً جوانها نفوذ کرده بود که فریاد مشرکین نیز بلند شده بود.

بیاور! شاگرد تعلل کرد و شروع کرد به عذر تراشیدن. هر چه بو علی اصرار کرد، شاگرد حاضر نشد در آن زمستان سرد بستر گرم خود را ترک کند. در همین وقت فریاد مؤذن از بالای مأذنه بلند شد که: «الله اکبر، اشهد أن لا اله الا الله، أشهد أن محمداً رسول الله» بو علی فرصت را مناسب دید که جواب آن خواسته شاگرد را بدهد، پس گفت: تو که مدعی بودی اگر من ادعای پیغمبری کنم، مردم به من ایمان خواهند آورد، اکنون ببین فرمان حضوری من به تو که سالها شاگرد من بوده ای و از درس من بهره برده ای آنقدر نفوذ ندارد که لحظه ای بستر گرم خود را ترک کنی و آبی به من بدهی؛ اما این مرد مؤذن پس از چهارصد سال فرمان پیغمبر را اطاعت کرده، از بستر گرم خارج شده و رفته بر روی این بلندی و به وحدانیت خدا و رسالت او گواهی می دهد. ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا! آری، فیلسوفان شاگرد می سازند، نه پیرو و رهبران اجتماعی پیروان متعصب می سازند، نه

۱. مجموعه آثار، شهید

مطهری (ج ۱۶، ص ۲۱۷، با تغییرات)

۲. بحار الأنوار، علامه

مجلسی، دار احیاء التراث

العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج

۱۸، ص ۱۸۰، و ۴۱۴، وج ۱۹، ص

۲. سرگذشت «زید» و «خَبیب»:

سه نفر از سپاه تبلیغ اسلام به نامهای «زید دثنه»، «خَبیب عَدی» و «طارق» اسیر کفار قبایل اطراف مدینه شدند. در نیمه راه «طارق» از تسلیم شدن خود اظهار ندامت و پیشیم‌انی کرد، دست از بند رها ساخت و شمشیر به دست گرفت و به طرف دشمن حمله کرد و سرانجام به شهادت رسید.

ولی دو اسیر دیگر به مقامات رسمی کفار مکه تحویل داده شدند و در برابر آن، دو اسیری که از قبیلۀ اسیرکنندگان بودند، آزاد شدند.

«زید» را «صفوان بن امیّه» که پدرش را در جنگ «بدر» کشته شده بود خرید تا انتقام پدر خود را با کشتن یک مُبَلِّغِ اسلامی بگیرد. قرار شد در یک اجتماع با عظمت زید بدار آویخته شود. چوبه دار، در «تنعیم» نصب شد. قریش و یاران آنها در روز مخصوصی در آنجا گرد آمدند و محکوم را در کنار چوبه دار نگه داشته بودند.

«ابوسفیان» فرعون مکه رو به زید کرد و

گفت: تو را به خدایی که به او ایمان داری سوگند می‌دهم آیا می‌خواهی که محمد - به جای تو کشته شود و تو آزاد شده به خانه خود برگردی؟

زید با کمال شجاعت گفت: «من هرگز راضی نمی‌شوم که خاری در پای پیامبر - فرو رود؛ اگر چه به قیمت آزادی من تمام شود.» پاسخ زید، حال ابو سفیان را دگرگون ساخت و از کثرت علاقه یاران محمد - به آن حضرت فوق العاده تعجب کرد و گفت: «در طول عمر خود یاران هیچ کس را مثل اصحاب محمد نیافتم که تا این حد فداکار و علاقمند باشند.»

چیزی نگذشت که زید بالای چوبه دار رفت و جان را در راه تبلیغ اسلام فدا کرد. نفر دوم «خَبیب» مدتها بازداشت بود. سرانجام شورایی مکه او را نیز به اعدام محکوم کردند و بنا شد در تنعیم به دار آویخته شود. در کنار چوبه دار از مقامات رسمی مکه اجازه گرفت که دو رکعت نماز بخواند. آنگاه دو رکعت نماز با کمال اختصار خوانده و رو به سران

پیامبر اکرم - و کسانی که در مسیر او بوده‌اند؟

۳. جوان اهل معرفت

پیامبر اکرم- حتی بر نوجوانان نیز تأثیر و نفوذ داشت و قلب آنها را اسیر محبت خود کرده بود. به این نمونه توجه کنید:

«نوجوانی که به سن

بلوغ نرسیده بود، به

پیامبر- سلام کرد و از

شادمانی به پیامبر

لبخند زد. پیامبر -

فرمود: «**أَتَجِبْنِي يَا**

فَتَى؟ ای جوان! آیا

مرا دوست داری؟» عرض

کرد: بله. به خدا

سوگند ای پیامبر خدا!

حضرت فرمود: «**مِثْلُ**

عَيْنِكَ؟؛ مانند دو

چشم است»؟ عرض کرد:

بیش تر. فرمود: «**مِثْلُ**

أَبِيكَ؟؛ مانند پدرت؟ عرض

کرد: بیشتر. فرمود:

«**مِثْلُ أُمَّكَ؟**؛ مانند

مادرت؟» عرض کرد:

بیش تر. فرمود: «**مِثْلُ**

نَفْسِكَ؟؛ به اندازه

خودت؟» عرض کرد: به

خدا سوگند، بیش تر ای

پیامبر خدا! فرمود:

«**أَمْثَلُ رَبِّكَ؟**؛ مانند

پروردگارت؟» عرض کرد

خدا، خدا، خدا! ای

پیامبر! این دوستی از

آن تو یا هیچ کس دیگر

نیست. همانا تو را به

قریش کرد و گفت: اگر

نبود که گمان کنید من

از مرگ ترس و واهمه

دارم، بیش از این و

طولانی تر نماز

میخواندم. سپس رو به

آسمان کرد و گفت:

«خداوندا! ما به

مأموریتی که از جانب

پیامبر - داشتیم عمل

کردیم.» فرمان اعدام

او صادر شد. او بر سر

دار می‌گفت: خدایا! تو

می‌بینی یک دوست در

اطراف من نیست که سلامم

را به پیامبر -

برساند، خداوندا! تو

سلام مرا به او برسان.

گویا احساسات و ارادت

زیاد او به پیامبر

«عقبه» را ناراحت ساخت

و برخاست و با ضربتی

او را به شهادت

رساند.»^۱

به راستی در دنیا

پیروانی پیدا میشود که

تا این حد رهبر و

پیامبر او بر روح و

قلبش نفوذ کرده باشد و

در پای دار نیز به یاد

پیشوای خویش باشد، جز

۱. المغازی (تاریخ جنگهای

پیامبر-)، واقدی، مرکز نشر

دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶ ش، ج

۱، ص ۳۵۹؛ و سیره ابن هشام،

ابن هشام، دار احیاء التراث

العربی، بیروت، ج ۲، ص ۱۷۰،

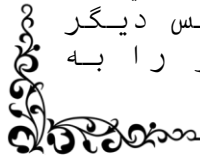
به نقل از فروغ ابدیت، جعفر

سبحانی، دار التبلیغ اسلامی،

تهران، ۱۳۵۱ ش، ج ۲، ص ۵۰۱؛

بحار الانوار، علامه مجلسی، ج

۲، ص ۱۵۳، و ج ۱۸، ص ۱۳۳.



خاطر دوستي خداوند
دوست مي دارم.

پيامبر - به
اطرافيانش رو كرد و
فرمود: «هَكَذَا كُونُوا
أَحِبُّوا اللَّهَ لِإِحْسَانِهِ إِلَيْكُمْ
وَ أَنْعَامِهِ عَلَيْكُمْ وَ
أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ؛ اين
چنين باشيد، خداوند را
به خاطر احسان و
نعمتهايش بر شما دوست
بداريد و مرا به خاطر
دوستي با خداوند دوست
بداريد.»^۱

به راستي اين
داستان ژرفاي عميق
تأثيرگذاري و تعليمات
پيامبر اکرم - را بر
جان و عقل يك نوجوان
نشان مي دهد كه در سرحد
عشق به حضرت ارادت
دارد، و مرز آن را به
خوبي مي شناسد كه محبتي
بالتر از محبت خداوند
نيست.

۴. ابوذر و ارادت به

پيامبر اکرم

در گرمای تابستان
پيامبر اکرم - متوجه
تهدیداتي از طرف
روميهما شد و براي شركت
در جنگ تبوك اعلان بسیج
عمومي كرد.

نه گرما، نه
خشكسالي و نه كارشكني
منافقان مانع شركت

مسلمانان نشد. حدود سي
هزار نفر بسیج شدند و
راه صحرا را در پيش
گرفتند. آفتاب داغ
حجاز بر سرشان آتش
مي باريد و مركب و
آذوقه نيز به قدر كافي
نبود. بعضي از سست
ايمانها در بين راه
پشيمان شدند، ناگهان
مردي به ن ام «كعب بن
مالك» برگشت و راه
مدينه را در پيش گرفت.
اصحاب عرض كردند: يا
رسول الله! كعب برگشت.
حضرت فرمود: رهائش
كنيد! اگر در او خيري
باشد، خداوند به زودي
به شما برمي گرداند، و
اگر نباشد، خداوند شما
را از شر او آسوده
كرده است.

طولي نكشيد كه
«مرارة بن ربيع» و
«هلال بن اميه» نيز
برگشتند و پيامبر -

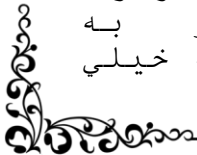
همان جملات را در مورد
آن دو تكرر فرمودند
در اين بين شتر
ابوذر از رفتن باز
ماند. او هر چه تلاش
كرد كه خود را به
قافله برساند، ميسر
نشد. ناگهان اصحاب
متوجه شدند كه ابوذر
نيز عقب كشيده است.
عرض كردند: «يا رسول
الله! ابوذر هم برگشت.»
باز هم رسول اکرم - با

۱. ارشاد القلوب، الحسن بن
محمد الديلمي، انتشارات
رضي، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق،
ص ۱۶۱.

مشکی که همراه داشت ریخت و با سایر بارهایی که داشت به دوش کشید. با جگری سوزان پستیها و بلندیهای زمین را زیر پا گذاشت تا از دور چشمش به سیاهی مسلمین افتاد. قلبش از خوشحالی طپید و به سرعت خود افزود. از آن طرف نیز یکی از سپاهیان اسلام از دور چشمش به یک سیاهی افتاد که به سوی آنها پیش می آید. به رسول اکرم - عرض کرد: «یا رسول الله! مثل اینکه مردی از دور به طرف ما می آید. رسول اکرم - فرمود: چه خوب است که ابوذر باشد. سیاهی نزدیکتر رسید مردی فریاد کرد: به خدا خودش است. ابوذری است. رسول اکرم - فرمود: «خداوند ابوذر را بیامرزد، تنها زیست میکند، تنها می میرد و تنها محشور می شود. رسول اکرم - ابوذر را استقبال کرد، اثاث را از پشت او گرفت و به زمین گذاشت. ابوذر از خستگی و تشنگی بیحال به زمین افتاد. رسول اکرم - فرمود: آب حاضر کنید و به ابوذر بدهید که خیلی

خونسردی فرمود: «رهايش كنيد! اگر در او خيري باشد، خدا او را به شما ملحق مي سازد، و اگر نه خدا شما را از شر او آسوده کرده است.»

ابوذر هر چه کوشش کرد و به شترش فشار آورد که او را به قافله برساند، ممکن نشد. از شتر پیاده شد و بارها را به دوش گرفت و پیاده به راه افتاد. آفتاب به شدت بر سر ابوذر می تابید. از تشنگی له له می زد. خودش را از یاد برده و هدفی جز رسیدن به پیغمبر - و ملحق شدن به یارن نمی شناخت. همان طور که می رفت، در گوشه ای از آسمان ابری دید. و چنین می نمود که در آن سمت بارانی آمده است. راه خود را به آن طرف کج کرد. به سنگی برخورد کرد که مقدار کمی آب باران در آن جمع شده بود. اندکی از آن چشید و از آشامیدن کامل آن صرف نظر کرد؛ زیرا به خاطرش رسید بهتر است این آب را با خود ببرم و به پیغمبر - برسانم، نکند آن حضرت تشنه باشد و آبی نداشته باشد که بیاشامد. آبها را در



تشنه است . ابوذر عرض کرد: آب همراه من هست فرمود : آب همراه داشتی و نیاشامیدی؟! عرض کرد : آری، پدر و مادرم به قربانت ! به سنگی برخوردم دیدم آب سرد و گوارایی است . اندکی چشیدم . با خود گفتم از آن نمی آشامم تا حبیبم رسول خدا- از آن بیاشامد.»^۱
به راستی کجا می‌توان چنین دل‌باخته‌هایی پیدا کرد؟ این همان تأثیر عمیق و نفوذ ژرف پیامبر - در قلب و جان یاران خویش است.
از آنچه گفته شد به خوبی تأثیرگذاری دین اسلام و نفوذ رهبری آنها در سه بُعد زمان، مکان و روح و جان افراد مشخص می‌شود.

۱. ابوذر غفاری، عبد الحمید جوده السخار، ترجمه : علی شریعتی، کتابخانه دانشگاه باقر العلوم %، بی‌نا، مشهد، ۱۳۴۸ ش، به نقل از داستان راستان، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۲۵۳ - ۲۵۴ (با تلخیص و تغییر).



مبارزات حوزه‌ها

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

قدرت الله عفتی

سید سید علی حسینی و مردم، این نهضت را به انحراف کشاند و در ادامه همان سیاست، «رضاخان قزاق» را به حاکمیت رساند تا به وسیله او اسلام را از سیاست (مانند ترکیه) جدا سازد؛ اما در همین زمان (۱۳۰۱ش) **آیت الله حائری یزدی!** با دعوت علمای بزرگ قم، مانند **آیت الله بافقی!** و حمایت آنها، حوزه علمیه قم را تأسیس نمود تا با تربیت علمای بزرگ، سرعت سیر کشور به سوی تباهی را کند کند.^۱ بعد از ارتحال ایشان، **آیت الله بروجردی!**

۵
علمای بزرگ شیعه مرزبانانی هستند که هرگاه حاکمان از فرامین الهی تخطی کرده‌اند، با نصیحت و تذکر آنها را هدایت نموده‌اند، که البته گاهی این نصیحتها به برخوردها تبدیل شده است که نمونه بارز آن "جنبش تنباکو" می‌باشد. این جنبش ابتدا با نصیحت و تذکر شروع شد؛ ولی به قیام علیه استبداد و استعمار تبدیل گردید و سرانجام نیز به پیروزی رسید. استعمار انگلیس در این جنبش، کانون قدرت مسلمانان را شناسایی کرد و در صدد حذف آن برآمد، تا مانند نهضت مشروطه که با طرح

۱. مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، سید محمد حسن منظور الاعداد، شیرازه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، ص ۳۱۹.

روحانیون و دسته بندیها یی در روحانیت می‌شدند. دو ضربه سنگین بر پیکر روحانیت و انقلابیون آنها را به چند گروه تقسیم نمود. ۱. اولین ضربه در نهضت مشروطه بر آنها وارد شد. نهضت مشروطه را روحانیت ایجاد کرد؛ ولی دست های پنهان استعمار آن را به انحراف برد. انگلیس **شیخ فضل الله نوری!** رهبر مشروطه مشروعه را با دست خود ایرانیان اعدام کرد. همین شکست سنگین عده زیادی از روحانیون را به انزوا برد و این عده در هر مسئله ای به تقيه تمسک می‌کردند. ۲. ضربه دوم به روحانیت در نهضت ملی نفت وارد شد؛ زمانی که مصدق با حمایت **آیت الله کاشانی** و ایستادگی دلیرانه مردم به نخست وزیر رسید؛ ولی ناگهان مسیر حرکت نهضت را تغییر داد، تا جای که مجلس را منحل نمود و از آیت الله کاشانی نیز جدا شد. لذا کار انقلاب با کودتای آمریکایی‌ها (همان آمریکا یی که

مسیر ایشان در تربیت علمای بزرگ را ادامه داد و علاوه بر آن، علمای بزرگ و مدیران برجسته حوزه اش را در شهرستانها و حتی خارج از ایران مستقر می‌نمود و اغلب در آنجا حوزه نی‌ز تأسیس می‌فرمود. در واقع ایشان با این روش در سراسر جه ان علمای بزرگی را مستقر نمود که در پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی نقش عمده ای را داشتند.

بعد از ارتحال **آیت الله بروجردی!** از سوی

حوزه علمیه قم چند تن از مجتهدین به عنوان مرجع تقلید معرفی شدن د، از جمله **امام خمینی!** که حوزه علمیه را در همان مسیر اصلی هدایت می‌کردند و در مواقع حساس به دولت حاکم تذکر می‌دادند و نصیحت می‌کردند.^۱

گاهی این نصیحت‌ها و تذکرها به جنبش، قیام و یا نهضت تبدیل می‌شد و گاهی نیز دشمنان این قیامها و یا نهضتها را به انحراف می‌بردند و موجب شکست روحانیت و متعاقب آن، انزوای

۱. روزنامه کیهان، فروردین، ۱۳۴۰ ش، ص ۱ و ۱۵. ۲۱

نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یک مرتبه متدی ن شده ، به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن همه زجر و آوارگی و تبعید کشیده اند ، تهمت می‌زنند ... تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور صاحب الزمان (عج) را مفید و راه‌گشاه می‌دانستند ... دیروز حجتیه ایها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند ، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند ! ولایتیهای دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت) را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده‌اند.»^۱

۱. صحیفه امام، امام

مصدق به آنها تکیه می‌کرد) به شکست انجامید. با این شکست عده ای از انقلابیون نهضت ملی نفت به انزوا رفتند که از جمله آنها **شیخ محمود حلبی**، مؤسس انجمن حجتیه بود. با این نگاه، روحانیت بعد از ارتحال **آیت الله بروجردی** به چهار گروه تقسیم شدند:

الف) انجمن حجتیه : روحانیونی که دین را از سیاست جدا می‌دانستند؛ یعنی شاه و حکومتش را قبول داشتند، و تنها مبارزه آنها با «بهائیت» بود. اینان نه تنها در برابر ظلمهای رژیم پهلوی هیچ اقدامی نمی‌کردند ؛ بلکه هر اقدامی علیه دولت را منع و در اقدامات مانع تراشی می‌کردند و می‌گفتند: باید ظلم و ستم زیاد شود و عالم‌گیر گردد تا صاحب الزمان (عج) ظهور کند. اینها معتقد بودند که هر قیام اصلاحی موجب عقب افتادن ظهور حضرت می‌شود، پس باید جلوی آن گرفته شود . **امام خمینی** ! درباره این گروه می‌فرمود: «روحانی

(ب) مقدس نماها :
روحانیونی که فقط
افتخارات گذشتگان را
برمی‌شمرند و خود هیچ
کاری جز اعتراض با
زبان دلسوزانه
نمی‌کردند، و در هر
مسئله درگیرانه‌ای به
تقیّه تمسک می‌مودند و
حتی جلوی اقدامات
دیگران را با مقدسه‌آبی
و عوام‌فریبی با زبان
دلسوزی می‌گرفتند. **امام
خمینی!** درباره اینها
می‌فرمود: «در جلسه
مذاکره سیاسی که با
آقایان بروجردی، حجت،
خوانساری و صدر
داشتیم، گفتم که قبل
از هر کاری تکلیف این
مقدس نماها را روشن
کنید! با وجود آنها
مثل این است که دشمن
به شما حمله کرده و یک
نفر هم محکم دستهای
شما را گرفته باشد...
آنها شما را در جامعه
ضایع می‌کنند. شما باید
قبل از هر چیزی فکری
برای آنها بکنید.»^۱
و نیز می‌فرمود:
«اینها همان

مقدس‌نماهایی هستند که
کوزه‌ای که آقا مصطفی
در آن آب خورده بود را
آب می‌کشیدند؛ چون پدرش
فلسفه می‌گفت.»^۲
همانهایی که در
هنگام اوج انقلاب که
مردم در خیابانها شهید
می‌دادند، علیه انقلاب و
انقلابیون اقدام
می‌کردند و در زمانی که
مردم در جبهه جنگ
بودند، جبهه رفتن را
به تهلکه افتادن
می‌دانستند؛ اما بعد از
انقلاب و پس از جنگ از
امام! انقلابی‌تر شدند.

(ج) علمای

مشروطه‌خواه: روحانیونی
که حکومت پادشاهی را
در حد مشروطه قبول
داشتند و در هر موردی
که حکومت از قانون
مشروطه و شریعت اسلام
ب‌ه‌طور جدی تجاوز
می‌کرد، تذکر می‌دادند و
نصیحت می‌کردند تا
حکومت در تصمیمش تجدید
نظر کند. تمام تلاش
اینان برای عمل به
قانون مشروطه خلاصه
می‌شد، لذا هرگاه حکومت
وعدّه تجدید نظر می‌داد،
آنها می‌پذیرفتند و
ساکت می‌شدند. بر همین

خمینی!، مؤسسه تنظیم و نشر
آثار امام، تهران، چاپ دوم،
۱۳۷۹ش، ج ۱۲، ص ۲۱۸.
۱. ولایت فقیه (حکومت اسلامی)،
امام خمینی!، مؤسسه تنظیم و
نشر آثار امام، تهران، چاپ
دهم، ۱۳۷۹ش، ص ۱۴۳.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۹.

تاخت و دست به هر اقدامی زد. **امام خمینی** می‌فرمود: «آنها خیال کردند آیت الله بروجردی! فوت کرد، اسلام هم فوت کرد. اشتباه می‌کنند. بد خیال می‌کنند.»^۱

رژیم پهلوی با همین خیال از سال ۴۱ تا ۴۳ به سه اقدام تشنج‌آفرین دست زد که به سه قیام تبدیل شد:

رژیم پهلوی سال ۱۳۴۱ش، در زمان تعطیلی مجلس شورای ملی و مجلس سنا، لایحه انجمن‌های ایالتی - ولایتی را در هیئت دولت به تصویب رساند. در این لایحه، شرط مسلمان بودن کاندیدا و قسم خوردن به قرآن حذف شده بود که موجب اعتراض علما قرار گرفت.

مراجع تقلید قم طی تلگرافهایی به این لایحه اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند.^۲ از جمله مراجع معترض، **امام خمینی** بود که با تلگرافهایی به شاه و نخست وزیر (علم)

اساس بود که در قضیه انجمن ایالتی - ولایتی، بعد از وعده نخست وزیر وقت (علم) ساکت شدند و اصرار امام خمینی! برای لغو آن به طور رسمی در هیئت دولت را سخت گیرانه و اضافی می‌دانستند و حتی علیه امام موضع می‌گرفتند.

(د) روحانیون مبارز:

علمای مبارزی که به نصیحت و تذکر اکتفا نمی‌کردند؛ بلکه ایستادگی می‌نمودند تا مطلب مورد نظر کاملاً تحقق یابد. مانند ایستادگی **امام خمینی!** در قضیه انجمن‌های ایالتی - ولایتی. این عده در این قضیه رهبر زیرک و زمان شناس خود را شن اخته، به گردش حلقه زدند.

فروردین ۱۳۴۰ش **آیت الله بروجردی!** و اسفند همین سال **آیت الله کاشانی!** رحلت نمودند و با رحلت ایشان، شاه خیال می‌کرد که دیگر کسی نمی‌تواند مانع کارش شود. بنابراین، تمام طرحهای بر زمین مانده‌ای را که در زمان آن ان نتوانسته بود عمل کند، در دستور کارش قرار داد و به راحتی به روحانیون

۱. همان، ج ۱، ص ۲۷۴.
 ۲. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش، ج ۳ و ۴، ص ۱۷۴ - ۱۹۴.

خواستار لغو آن شد^۱ و با ایستادگی و اصرار مراجع، نخست وزیر طی مصاحبه ای این لایحه را ملغی اعلام کرد. اکثر علما به همین اندازه قانع شدند و دست از اعتراض و اعتصاب کشیدند و مشغول درس و بحث شدند؛ ولی امام! می فرمود: «باید در هیئت دولت این لایحه لغو شود و رسماً به تصویب هیئت دولت برسد.»^۲

علمای مشروطه خواه نظر ایشان را تندروی می دانستند؛ اما مردم ایشان را حمایت کردند و ایشان نیز ایستادگی می نمود؛ چون می دانست لایحه ای که در هیئت دولت تصویب شده، با مصاحبه ای ملغی نمی شود؛ بلکه باید به طور رسمی با تصویب هیئت دولت ملغی شود.

در این قیام توجه مردم به مراجع تقلید قم بیشتر شد و امام خمینی! نیز به عنوان مرجع تقلیدی سیاسی شناخته شد.

هنوز مسئله انجمن های ایالتی -

ولایتی تمام نشده بود که "محمدرضا شاه" در دی ۱۳۴۱ش اصول شش گانه اصلاحات ارضی را مطرح کرد. اکثر گروه ها، احزاب و سازمانهای مخالف رژیم پهلوی با این طرح وی موافقت و از آن حمایت کردند؛ ولی عده ای نسبت به ماهیت پشت پرده آن اطلاع رسانی و افشاگری می کردند. شاه با طرح فرماندوم «انقلاب سفید شاه و ملت» در مقابل مخالفینش ایستاد و در بهمن همین سال فرماندومی فرمایشی برگذار کرد و سرانجام اصلاحات ارضی را اجرا نمود.

بعضی از علما و از جمله امام خمینی! از مخالفینی بودند که افشاگری می نمودند.^۳ در پی آن، به دستور نخست وزیر (علم) ساواک به فیضیه و مردم قم حمله کرد. **امام خمینی!** در دو پیام جداگانه این حمله را محکوم نمود و خواستار عزل علم از نخست وزیری شد^۴؛ ولی رژیم پهلوی نپ ذیرفت و

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۳ -

۱۳۷.

۴. همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۸ -

۷۹.

۲. همان، ص ۸۰ - ۸۱.

مشکل می‌شود. نمی‌توانی زندگی کنی. ملت نمی‌گذارد زندگی کنی»^۳ این سخنان تهدید ی جدی علیه شاه بود و در پی آن شاه تصمیم به حذف مخالفینش گرفت. بنابراین، در صبح ۱۵ خرداد، امام خمینی! را دستگیر و زندانی کرد که از اینجا قیام ۱۵ خرداد شکل گرفت. رژیم پهلوی با کشتار مردم، قیام را سرکوب و مخالفین را به طور وسیع دستگیر کرد و به ظاهر مسئله را به نفع خود خاتمه داد. بعد از این قیام، روحانیونی که تا حد مشروط با مبارزین همراهی می‌کردند، از مبارزین و قیام فاصله گرفتند و حتی برخی از آنان در مقابل قیام موضع گرفتند. بعضی از روحانیونی که خود را مبارز می‌دانستند، با دیدن اولین شهید، از ترس به خود لرزیدند و گریه کردند و جواب خون شهیدان را از حاج آقا روح الله (امام خمینی!) می‌خواستند. جالب این است که این عده در زمان جنگ نیز همین

فشار بر روحانیت را زیادتر کرد. در مقابل آن، امام خمینی! عید نوروز ۱۳۴۲ش را عزای عمومی اعلام فرمود.^۱ دوم فروردین این سال با شهادت امام جعفر صادق% مصادف بود. **آیت الله گلپایگانی!** در مدرسه فیضیه مراسم عزاداری برپا نموده بود که ساواک به فیضیه حمله کرد و فاجعه آفرید. امام خمینی! در این روز مردم را به صبر و استقامت دعوت کرده، پیامهای تسلیتی ب رای علما فرستاد و افشاکری لازم را به عمل آورد.^۲ از سوی دیگر، شاه در هر سخنرانی خود به روحانیون حمله می‌کرد و آنها را مرتجع می‌خواند و هر نسبتی را به آنها می‌داد. امام خمینی! در عصر روز عاشورا (۱۳ خرداد ۱۳۴۲ش) در پاسخ به اقدامات رژیم پهلوی، سخنرانی تندی ایراد نمود که در آن، خطاب به شاه فرمود: «خدا کند مرادت علما نباشد؛ والا تکلیف ما مشکل می‌شود و تکلیف تو

۱. همان، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۶۶ - ۲۴۲.

۳. همان، ص ۲۴۶.

نکرده^۲ و بر موضع خود ایستاده است. این استقبال و اعلام موضع ب ه طور علنی نشان می دهد که رژیم پهلوی مخالفینی جدی داشت؛ ولی با تکیه بر تجربه حذف مخالفینش، به این اقدامات بی اعتنا بود، لذا در همین سال لایحه کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی اتباع آمریکا در ایران) را به تصویب مجلس رساند.

علما تلگرافهای اعتراضی نوشتند. امام خمینی! ایستادگی محکمتری نشان داد و به آمریکا و شاه حمل تندی نمود^۳. رژیم پهلوی با توجه به تجربه قیام ۱۵ خرداد، امام خمینی! را دستگیر و به ترکیه تبعید کرد و متعاقب آن تمام علمای مبارز پیرو ایشان را دستگیر کرده، زندانی و یا تبعید نمود.

بعد از این قیام، مقدس نماها، انجمن حجتیه ایها و حتی روحانیون مبارز مشروطه خواه در مقابل پیروان امام! ایستادند

شعار را می دادند و عده ای نیز به تکیه تکیه می کردند و می گفتند: «ما مکلف به جهاد نیستیم.» خلاصه آن قدر بر مبارزین سخت گرفتند که امام! فرمود: «اولین و مهم ترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود، که اگر تنها این بود، مقابله را آسان می نمود؛ بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجّر بود؛ گلوله زخم زبان، نفاق و دو رویی که هزار بار بیشتر از باروت و سرب جگر و جان را می سوخت و می درید... آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌ما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگری نخورده است»^۱

امام خمینی! در فروردین ۱۳۴۳ش آزاد شد و در میان استقبال گرم مردم و روحانیون به قم باز گشت و به طور علنی اعلام کرد که هرگز با رژیم پهلوی تفاهمی

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۱.
۳. همان، ص ۴۰۹ - ۴۱۵.

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.

فقیه» را تدوین نمود . ایشان بحث "ولایت فقیه" را از علم فقه به علم کلام برد^۲ که حاصل آن ، وجوب کسب زمینة اجرای احکام الهی (حکومت اسلامی) است . با این اندیشه مبارزه با استبداد و استعمار به مبارزة اسلام و کفر تبدیل شد . علما و مردم مسلمان در میدان مبارزه قرار گرفتند . هر چند که در زمان اوج انقلاب بعضی از مقدسین و انجمن حجتیه ای علیه انقلاب حرکت می کردند ؛ ولی اکثریت روحانیت همراه با مردم برای دفاع از اسلام ایستادند . احزاب و سازمانهای مخالف رژیم پهلوی ، هر کدام به مصلحتی با مردم هماهنگ شدند تا این که انقلاب به پیروزی رسید . بعد از پیروزی انقلاب ، احزاب و سازمانهای مختلف در فضای باز به وجود آمدند که به طور گسترده فعالیت می کردند تا این که دست به ترور

و در هر کاری برایشان مانع تراشی می کردند و گاهی جلسات آنها را به زد و خورد می کشاندند تا آن را تعطیل کنند^۱ . اما انقلابیون تبعیدی در شهرهای مختلف ، تبلیغ چهره به چهره و عمیق را شروع کردند ، همچنین با روحانیون مستقر در همان شهرها ، شبکه زیر زمینی و مخفی مبارزات را تشکیل دادند . روحانیون زندانی با احزاب و گروه های مخالف رژیم پهلوی هم بند شده بودند و با تبادل افکار ، از اندیشه هم دیگر مطلع شدند . همین امر موجب شناسایی انقلابیون نسبت به یکدیگر شد که در هنگام انقلاب ، اثرات خوبی در ایجاد وحدت در بین گروه های مبارز داشت امام خمینی ! در ترکیه (تبعیدگاه) کتاب «تحریر الوسيله» را نوشت و در ادامه تبعیدش در نجف اشرف ، ضمن تربیت شاگردان مبارز ، کتاب «ولایت

۲. بنیان مرصوص؛ امام خمینی در بیان و بنان حضرت آیت الله چوادی املی، عبدالله چوادی املی، گردآوری و تنظیم : محمد امین شاه جویی، آسراء، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴۲.

۱. خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی، محمدرضا احمدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۳۴.

زدند و متعاقب آن
مخالفین براندازی نظام
حذف گردیدند.
روحانیون نیز به
شکل‌های مختلفی با
انقلاب برخورد می‌کردند؛
ولی اکثراً با نظام
موافق بودند و با آن
کار می‌کردند و در مسیر
حرکت نظام جم هوری
اسلامی، عده زیادی از
روحانیون به علل مختلف
از کار اجرایی کنار
رفتند؛ ولی عده‌ای باقی
ماندند که دو جناح
«جامع‌ة روحانیت» و
«مجمع روحانیون مبارز»
را تشکیل دادند.
روحانیون جناح‌های
مخالف در زمان حیات
امام خمینی
نمی‌توانستند اقدامی
جدی داشته باشند، لذا
در صف موافقین قرار
گرفتند. هر چند
مخالفتهایی جزئی
داشتند؛ ولی بعد از
ارتحال ایشان، فعالیت
آنها بیشتر شد.

التقاط وتحجر



دو آفت انقلاب اسلامی

غلامرضا گلی زواره

شیفتگی به کسب قدرت و پیروی از اوهام و تخیلات بیهوده، تمام توان خود را برای انحراف افکار عمومی، تبلیغ بر ضد دیانت و احکام اسلامی، آهانت به نیروهای متدین و علمای متعهد شیعه، تضعیف نهادهای انقلابی مطرح کردن اتهامات واهی درباره نظام نوپای اسلامی، به کار گرفتند این گونه توطئه ها در آن برهه حساس و سرنوشت ساز آسیب هایی به وجود آورد؛ ولی با هوشیاری رهبر کبیر انقلاب و همت مردم مسلمان و انقلابی، حیات آنان خاتمه یافت .
عده ای به لانه های خویش خزیدند و گروهی با فراری ذلیلانه طرح براندازی نظام اسلامی را در خارج کشور پی گرفتند.

و آرمانهای امت مسلمان ایران در دوران مبارزات خود با استبداد به شمار میرفت و یکی از ارکان سه گانه شعار معروف «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» بود؛ اما فضای باز سیاسی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به اندازه ای بود که در فاصله ای اندک، ده ها حزب و گروه سیاسی اعلام موجودیت کردند و با فعالیت های فرهنگی و اجتماعی به نشر و گسترش افکار و ایده های خود پرداختند، در همین ایام چندین نشریه فرصت انتشار یافت؛ اما به جای تنویر اندیشه ها، ایجاد روح امید در مردم و اطلاع رسانی درست و مفید و ترویج ارزشهای اسلامی و بومی، هر کدام به لحاظ وابستگی به پایگاه های

صحنه آمدند و نقشه آنان را ناکام کردند و دشمن را مأیوس ساختند حرکت مزبور یک نوع افراط‌گری و بهره‌گیری فریبکارانه از واژه‌های ظاهر پسند همچون ملی‌گرایی، دموکراسی، آزادی و حق انتخاب مردم بود؛ در حالی که آنان دنبال منافع حزبی و گروهی خود بودند و در عین حال آب به آسیاب دشمن هم می‌ریختند. آنها با این روش خود مشکلات فراوانی برای مردم به وجود آوردند و در مسیر توسعه و ترقی کشور و نیز اجرای عدالت اختلال ایجاد کردند. این مسأله استکبار را امیدوار ساخت و حمایت آنها را جذب کرد. پشتیبانی استکبار از آنان، بر همسویی منافع زورگویان بین‌المللی با گروه‌های مذکور صحه نهاد؛ در حالی که امام خمینی(فرموده‌اند: «آن روزی که امریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت.»)

در مقابل این یورش فرهنگی، رفتار تفریط‌گونه دیگری هم وجود دارد که آفتهای آن نیز می‌تواند برای بوستان انقلاب اسلامی خطرآفرین باشد. این

در عصر دولت اصلاحات ملی‌گرایان، روشنفکران غرب‌زده و برخی عناصری که رژیم استبدادی را پشتیبانی فرهنگی و فکری می‌کردند همچون قارچهای سمی آشکار شدند و از طریق صدها نشریه به همراه کتابهایی تأمل‌برانگیز و سخنرانیهای گوناگون در تریبونهای عمومی، شبیخون فرهنگی را آغاز کردند، ت فاله های استبداد و وابستگان گروهکها و فرقه های منحرف جهت براندازی نظام، علیه ارزشها و مبانی فکری نظام اسلامی مشغول کار شدند.

یورش به مقدسات، رواج ابتذال و تخریب هنجارهای جامعه باعث برافروخته شدن احساسات مذهبی مردم شد، علما و مراجع تقلید و در رأس همه، مقام معظم رهبری چون سدای استوار در برابر این سیلاب مخرب ایستادند و سرانجام قوه قضائیه برخی از این نشریات را توقیف کرد. رفته رفته عناصری که به ظاهر با یکدیگر در فکر و مرام اختلاف داشتند به هم پیوستند و برای ضربه زدن، غائله هیجدهم تیر ۱۳۷۸ را به وجود آوردند، حرکتی که امریکا برای حمایت از آن بیانیه صادر کرده بود؛ اما در بیست و سوم تیر یعنی تنها پنج روز بعد از این آشوب، مردم به

۱. صحیفه نور، روح الله الموسوی الخمینی، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ج ۸، ص ۱۷۹.

مشکل، همان سطحی‌گرایی، قشری‌گرایی و واپس‌گرایی است. افرادی یا گروه‌هایی در جامعه هستند که به برداشتهای محدود و ناقص بشری صبغه تقدس و جاودانگی بخشیده اند و عادات فکری و عاطفی و هیجانهای زودگذر خویش را بر حکمت، منطق، حقیقت و معرفت ترجیح داده‌اند.

تحجر و جمود، بزرگترین مانع استقرار نظامی است که باید نمونه‌ای عالی و سازنده برای جهان اسلام و حتی بشریت باشد و بر منطقی‌نیرومندتر و قانع‌کننده تر از منطق مکتبها و نحله های رقیبان تکیه کند. احتمال دارد برخی از این اشخاص، نیت خیری هم داشته باشند و احساس تکلیف شرعی، آنان را به اقدامی وادارد؛ ولی رفتارشان با تفکر اسلام ناب محمدی- و اندیشه‌ای که امام و انقلاب اسلامی مروج آن است هم خوانی ندارد؛ نگرانی حضرت امام خمینی! از این جریان و تاثیر منفی آن بر روند انقلاب و کارشکنی فکری و ذهنی آنان بر سر راه پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی امری حیاتی و تعیین‌کننده برای آینده انقلاب اسلامی است. شخصیت‌هایی چون شهید

دکتر مفتح، آیت الله مطهری، شهیددکتر بهشتی و شهید دکتر محمدجواد باهنر که پرورشافتگان مکتب امام خمینی(و از بازوان پرتوان نهضت اسلامی بودند، ضمن این که با استبداد رژیم پهلوی، اندیشه های الحادی و التقاطی و اعوان و انصار استکبار می‌جنگیدند. از دست این مقدس مآبها هم دل پرخونی داشتند و درباره آنان هش دار می‌دادند.

آیت الله محی الدین حائری شیرازی خاطر نشان می‌فرماید که رشد این وضع به تمایلات نفسانی آدمی باز می‌گردد؛ زیرا گرایشهای فردی، گروهی و ملی فرد را در یکی از مراحل سیر و سلوک از حرکت و پویایی باز می‌دارد و در منزلگاه ویرانگر تحجر توقف می‌کند.

ولی می‌افزاید اینها افرادی انعطاف ناپذیرند، می‌خواهند در تمامی ابعاد و جنبه‌ها رویه خود را حفظ کنند و به کار ببندند، غافل از آنکه همین وضع موجب گمراهی و خودخواهی آنان می‌شود. راه درست، همان حد وسط است و «صراط مستقیم» که شبانه روز در سوره حمد تکرار می‌شود. شیطان گاهی آدمی را از راه افراط فریب می‌دهد و در مواقعی از طریق

علمای صادق و دین به دنیا فروشان مزدور را برای آنان شخص سازند.^۳

یکی دیگر از نمونه‌های انجماد فکری و ارتجاع در اندیشه، این است که افراد یا گروه‌هایی شخصیت‌های برجسته و فراجناحی و تأثیرگذار را در عرصه‌های بین‌المللی، منتسب به تشکیلات خویش تلقی می‌کنند و بخشی از دیدگاه‌ها و بیاناتشان را برگزیده، برای رسیدن به مطامع خویش مطرح می‌سازند و از سکویی که با تخیلات و اوهام خویش ساخته‌اند، تهاجم به مقدسات و ارزشهایی را که آن بزرگواران مبانی اساسی فکری و مبارزاتی خود قرار داده‌اند، مورد تهاجم قرار می‌دهند. در واقع اینان را می‌توان «واقفیه عصر انقلاب» نامید که حقایق را به طور کامل قبول ندارند و به ظاهر بر بخشی از اصول تکیه کرده، بخشی دیگر را منکرند و می‌خواهند مطابق امیال و هواهای نفسانی خویش پیش روند. قرآن کریم دربارهٔ چنین افرادی می‌گوید: **إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ**؛ آنان غیر از گمان و آنچه هوای نفس

تفریط.^۱

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای > فرموده‌اند:

«کج فهمیها و نفهمیها، از دو طرف خطر ایجاد می‌کند: یکی از ناحیهٔ هدایت‌های غلط و بد دلانه و متکی بر تفکرات ناسالم و مشوب به اغراض و دیگر ری تحجرها، ک نفهمیها، دیرفهمیها، در لحظه لازم در جایگاه لازم قرار نگرفت‌ها، اینها خیلی ضربه می زند...»

این از جمله دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته بینی و دنیاطلبی جمعی همواره در خدمت غرض ورزی و حسابگریهای خبثت‌الود جمعی دیگر قرار گیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می‌افتاد ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه‌گر اسلام، گردد و این همان مصیبتی است که امام راحل بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده‌اند و جای آن است که هوشمندان امت، عامه مردم را با آن آشنا ساخته مرز میان

۱. نک: تحجرگرایی (مجموعه سخنان آیت‌الله حائری شیرازی) دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۷۳.

۲. حدیث ولایت (رهنمودهای مقام معظم رهبری)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۶، ص ۷۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۱۵۰.

۴. اسری/ ۸۵.

اقتضا می کند پیروی نمی‌کنند. آفت بزرگ دیگر این است که افراد یک حزب و تشکل سیاسی آن چنان دچار تعصب های درون گروهی هستند که استقلال فکری خود را از دست می‌دهند و مجذوب اقوال رئیس قوم خود می‌شوند. گاهی اصرار ورزیدن بر چنین گفته ها و موضع گیریها، انسجام جامعه را تهدید می‌کند و امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد. قرآن از زبان چنین اشخاصی گفته است: **[إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا]**؛ «ای پروردگار ما ، از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه کردند.» حضرت علی% با تأکید فراوان هشدار داده اند: **«إِلَّا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكِبْرَائِكُمْ**؛ آگاه باشید، برحذر باشید، اجتناب کنید از اطاعت (کورکورانته) رؤسا و بزرگانتان» تلاشهای بسیار ارزشمندی برای رفع فقر و محرومیت و بر طرف کردن کمبودها صورت می‌گیرد و اهتمام دست اندرکاران و برنامه ریزان در این راستا درخور ارج است؛ اما باید شرایطی به

وجود آورد که به همان اندازه که مردم درباره معاش خود فکر می‌کنند و در این باره مراقبتهای لازم را به عمل می‌آورند، درباره غذای فکری و روحی خود نیز چاره اندیشی کنند. حضرت علی % می‌فرمایند: «چرا مردم اگر در شب تاریکی بر سر سفره ای قرار گیرند تا چراغی روشن نکنند دست به سوی غذا دراز نمی‌کنند؛ اما اگر بر سر سفره ای که فکر آنان را تغذیه می کند بنشینند در پی آن نیستند که چراغ خود را بر افروزند تا با دیده بصیرت مشاهده کنند، این خوردنی روحی و معنوی چگونه است.» حضرت امام حسن مجتبی% هم فرموده اند: **«عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ...»**؛ درشگفتم از کسی که درباره مأكولات خود فکر می‌کند؛ اما درباره معقولات، اندیشه نمی‌کند.» همان گونه که برخی غذاها تقویت کننده، نشاط آور و تأمین کننده انرژی آدمی هستند و بعضی زیان آور، تعلیماتی که انسان فرا می‌گیرد، کتابها، مقالات و نشریاتی که می‌خواند،

۳. کلمة الامام حسن، سید حسن شیرازی، دارالصادق، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸ ق، ص ۵۰ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۸.

۱. احزاب/ ۶۷.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، خطبه ۱۹.

می‌خواهد به مغز خود وارد کند مراقبت کند و مسئولین اجتماع نیز از آن نظر که مدیر و مسئول جامعه‌اند وظیفه دارند که مراقب اغذیه روحی اجتماع بوده باشند. گذشته از همه اینها از آن نظر که مسلمانی و هر مسلمانی مسئول سعادت برادران دینی خود هم هست، همه باید مراقب یکدیگر از لحاظ افکار و اندیشه‌هایی که به مغز خود وارد می‌کنیم بوده باشیم.»

متأسفانه با وجود آنکه قرآن تأکید می‌کند: **[لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُوَاةَ]**؛ در گناه و تجاوز همکاری نکنید»، عده‌ای در نشر افکار و محصولات فرهنگی فعال‌اند که به اخلاق و سنتهای مذهبی مردم، تهاجم می‌آورد و بذره‌های بدبینی، تفرقه و نفرت را در جامعه پراکنده می‌سازد. وقتی نیروهای دلسوز و متدین می‌خواهند اینگونه آثار را پالایش کنند و یا بر آنها نظارتی داشته باشند، از سانسور، اختناق و برنتابیدن اندیشه سخن می‌گویند. البته این مراقبتها به هیچ وجه مزاحم رشد

سخنانی که گوش می‌دهد، برنامه‌هایی که از طریق تلویزیون، رایانه، اینترنت و سایر رسانه‌ها ملاحظه می‌کند از نظر تأثیرگذاری بر روح و روان یکسان نیستند. بعضی راستی و درستی را ترویج می‌دهند، محرکی عالی برای رشد فضیلت و نیکوکاری اند، نگرش خواننده یا بیننده را به جهان هستی اصلاح می‌کنند و بهبود می‌بخشند، اما برخی دیگر ناامیدکننده، تلخ و مسموم هستند. جالب این است که اگر کسی غذای مسمومی بخورد پس از لحظاتی آثارش آشکار می‌شود. در این باره اقداماتی به عمل می‌آورد که اثر سم را خنثی سازد؛ اما عوارض ناگوار و گمراه کننده پاره‌ای کتابها و مطبوعات و نوع اقلیمهای مسموم به سرعت آشکار نمی‌شوند و مدتها طول می‌کشد تا ضایعات خود را آشکار سازد. شهید آیت الله مطهری (ضمن اشاره به این عارضه اضافه می‌کند اگر فکر مسموم و خطرناکی رنگ دینی و صبغه مذهبی هم داشته باشد خطرش صدبار مهم تر است، آن گاه خاطرنشان می‌کند:

«... هر فرد از آن

نظر که مدیر وجود خویش و مسئول سعادت خویش است موظف است که درباره افکاری که

۱. حکمتها و اندرزها، شهید آیت الله مطهری، صدرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۴۴ - ۲۴۵.
۲. مائده / ۲.

فکری و عقلانی نیست و اسلام آن چنان اعتمادی به تعلیمات خود دارد که از مطرح شدن اندیشه‌های مخالف هراسی ندارد، پیامبر اکرم - فرموده‌اند: «الاس لام یَعْلُو وَ لَا یُعْلَى عَلَیْهِ؛ اسلام برتری می‌یابد و چیزی بر آن رجحان نمی‌یابد.»

شهید مطهری می‌گوید: «اساساً دینی که منطقش بر اساس فکر و عقل و فلسفه و بر اساس یک سلسله مصالح است در این جهت نگرانی ندارد.»^۲

اما این نکته غیر از آن است که عده‌ای به نام آزادی بخواهند هرگونه موهومات، خرافات و عقاید باطل و منحط را به جامعه تزریق کنند. نمی‌توان به بهانه آزادیهای اجتماعی، خود را از هرگونه تعهد و تکلیفی رها ساخت، به قول علامه شهید آیت الله مرتضی مطهری: «البته انسان می‌تواند آزاد زندگی کند و باید هم آزاد زندگی کند؛ ولی به شرط اینکه انسانیت خود را حفظ کند؛ یعنی از هر چیزی و هر قیدی می‌توان آزاد بود؛ مگر از قید

انسانیت.»^۳
با توجه به این که کشف حقیقت از ابعاد سرشتی انسان است؛ پس چرا بین مردم شایع است که حق تلخ است، در واقع چون آدمی به لحاظ روحی و روانی تاب مواجهه با حقایق را ندارد و مذاقش مباین و منافی با عدالت، درستی و ایمان است حاضر نیست حلاوت حقیقت را بچشد. این گونه روحیه‌ها به دلیل جهل، غرور و تعصب بی‌جا آن چنان کسالتی پیدا کرده‌اند که روی آوردن به مکارم، فضایل اخلاقی، رفتار نیکو و خصال عالی برایشان مشقت آور و رنج‌آفرین است. وقتی آن حالت رفت قلبی و خشوع در برابر حق از میان رفت دیگر مواعظ و نصایح بر روح اثر ندارد و یک نوع قساوت قلب پدید می‌آید. این افراد با ساخته‌های خیالی و وهمی خود پ رده‌هایی ضخیمی بین خود و حقایق قرار می‌دهند. این خلاء فکری و فرهنگی علاوه بر اینکه آنان را از تدبّر و تفکر و معرفت عمیق محروم می‌کند زمینه را برای ترویج خرافات و فرقه‌گرایی فراهم می‌سازد. چنین اشخاصی علاقه دارند خفاش صفت در تاریکیهای جهل قدم بزنند.

۱. تحریر الوسیله، امام خمینی (ع)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۵.
۲. آینده انقلاب اسلامی، ص ۳۲۵.

۳. حکمتها و اندرزها، ص ۱۰۶.

نظام اسلامی باید با
برنامه ریزیهای دقیق
فرهنگی و علمی شرایطی
پدید آورد که اولاً: جلو
گسترش این دیوارها و
حجابهای ساخته شده با
جهل و خیال را بگیرد و
ثانیاً : زمینه های
شکل گیری آن را محو
سازد . اینکه امام
خمینی تأکید دارد اصلاح
باید از فرهنگ شروع
شود و راه اصلاح هر
سرزمینی را تحول در
امور فرهنگی آن
می داند.



برای غیر مسافر هفده رکعت و ب رای مسافر یازده رکعت شد؛ یعنی از هر کدام از ظهر، عصر و عشا دو رکعت کم شد و مغرب په حال خود باقی ماند.

در این مقاله آیه ۱۰۱ سوره نساء که درباره نماز مسافر می باشد، مورد بررسی و تفسیر مختصر قرار می گیرد.

آیه مربوط به نماز مسافر
در قرآن به دنبال آیات مربوط به «جهاد» و «هجرت» به نماز مسافر اشاره کرده است

۲. ر. ک: ادوار فقه، محمود شهابی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۲، ش، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ادوار تحول فقه شیعه، محمد اسماعیل نوری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹، ش، ص ۴۹ و ۵۰.

یکی از رخدادهای که قرآن بدان اشاره می کند، متفاوت شدن حکم نماز در سفر و حضر می باشد که آیه و حکم آن در دوازدهم ربیع الثانی بر پیامبر اسلام- نازل شده است. قبل از هجرت پیامبر به «مدینه» نماز پنج گانه های، دو رکعتی بودند، حدود یک ماه پس از ورود آن حضرت به «مدینه» در روز دوازدهم ربیع الثانی سال اول هجرت، هفت رکعت بر تعداد رکعات نماز افزوده شد به هر کدام از نمازهای ظهر، عصر و عشا دو رکعت و به مغرب یک رکعت، بدین ترتیب تعداد رکعات

۱. مسار الشیعه، شیخ مفید، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶، ق، ص ۳۰ (۶۶).

بخوانی؛ این نظریه، صحیح و مطابق مذهب اهل بیت) و قول اکثر فقهای اسلام می باشد. و بعضی از صاحبان این قول گفته اند: مسافر بدون خوف، نماز را دو رکعتی می خواند و مسافر خائف باید یک رکعتی بخواند ۲. منظور از «قصر»

کم کردن از حدود و شرایط نماز است؛ به این معنی که مکلف باید در شدت خوف نماز را با ایما و اشاره انجام دهد، اگر آن نیز ممکن نباشد، به جای هر یک رکعت، یک بار «تسبیحات اربعه» بگوید.

۳. مراد از «قصر» در این آیه، جمع بین دو نماز (ظهر و عصر یا م غرب و عشاء) است. البته معلوم است که

نظریه اول صحیح است؛ با توجه به این که تعبیر «نماز شکسته» مناسب نبوده و ترجمه صحیح کلمه «قصر» نیز نمی باشد، در این مقاله از خود عنوان «نماز قصر» که در قرآن و روایات آمده است و ترجمه فارسی آن «نماز کوتاه» است استفاده می شود.

رخصت یا عزیمت قصر

با توجه به ظاهر آیه [فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ؛ «گناهی بر شما نیست.»

و می فرماید: [وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا]؛ «هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر از فتنه (و خطر) کافران بترسید؛ زیرا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند.»

معنی عبارات آیه

«ضرب» به معنی زدن است و در این آیه، با توجه به اینکه انسان هنگام راه رفتن، پای خود را به زمین می زند، منظور از جمله «ضرب فی الارض» راه رفتن و مسافرت می باشد.

«قصر» به معنی کوتاه کردن است و منظور از «قصر الصلاة» کم کردن برخی از اجزا و شرایط نماز می باشد.

تفسیر آیه

در معنی جمله «أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» سه نظریه وجود دارد: ۱. منظور این است که از عدد رکعات نماز کم کنی و نمازهای چهار رکعتی را دو رکعتی

۱. نساء/ ۱۰۱.
۲. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی با تحقیق صفوان عدنان داودی، دار القلم، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۰۵، ماده «ضرب».
۳. همان، ص ۶۷۳، ماده «قصر».

۴. مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصرخسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۱۵۴.

شده، روایات امامان معصوم) و عمل پیامبر - را به عنوان «مستند» حکم بیان کرده اند. برای نمونه به روایت زیر توجه فرمایید: در روایت «صحیح» نقل شده است که ه «زراره» و «محمد بن مسلم» گفته اند: به امام باقر % عرض کردیم: مسافر باید نماز را چگونه بخواند؟

امام % فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْتِي وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ فَمَنْ أَرِ التَّقْصِيرَ وَإِجْبَاءً فِي السَّفَرِ كَوُجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ؛ خدا در قرآن می‌فرماید: «هنگامی که سفر می‌کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کردن نماز در سفر همانند نماز تمام در حضر (وطن و جایی که مسافر قصد ماندن ده روز یا بیشتر داشته باشد) واجب گردیده است.»

سپس به امام عرض کردیم: خدا فرموده است: «گناهی بر شما نیست...» نفرموده که حتماً چنین کنید، پس چطور واجب شده است؟

حضرت فرمود: «أَوْ لِي سَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْمَرْفَأِ وَالْهَمَّ رَوْعًا فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّقَ

سؤال می‌شود که آیا حکم «قصر نماز» برای مسافر حتمی است و باید نماز را قصر بخواند یا اینکه وی مخیر بین قصر و تمام است؟

مذاهب اسلامی در این حکم اختلاف دارند: پیروان مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی گفته اند: این حکم به عنوان رخصت است، بنابراین مسافر در مورد قصر یا تمام خواندن نماز مخیر است؛ ولی پیروان دو مذهب شیعه و حنفی گفته اند که این حکم عزیمت است، لذا اگر مسافر واجد شرایط نماز را تمام بخواند، باطل است

دلیل عزیمت حکم قصر
با توجه به اینکه مفسر اصلی آیات قرآن، پیامبر و امامان معصوم) می‌باشند، لذا «سنت» اعم از قول، فعل و تقریر معصوم نیز در کنار قرآن به عنوان منبع و مآخذ شناخت دین اسلام و احکام آن، قرار داده شده است. از این رو، در فهم مقصود اصلی این آیه باید به سراغ «سنت» برویم.

در روایات شیعه، حکم «قصر» برای نماز مسافر به صورت واجب و حتمی بیان شده است و هرگاه توضیح خواسته

۱. الفقه علی المذاهب الخمسه، محمد جواد مغنیه، مؤسسه الصادق، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۹.

بِهِمَا [۱] أَلَاتٌ رَوْنَ أَنْ
 أَلَطَ وَافَ بِهِمَا وَاجِبٌ
 مَفْرُوعٌ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ وَصَنَّعَهُ
 نَبِيُّهُ ۹ وَكَذَلِكَ التَّقْصِيرُ
 فِي السَّفَرِ شَيْءٌ مِّنْ عَهْدِ
 النَّبِيِّ ۹ وَذَكَرَهُ اللَّهُ فِي
 كِتَابِهِ؛ مَكْرُورًا صَفَا
 وَ مَرُورًا جَنِينٌ نَيْسْتُ كِه
 خدای تعالی فرموده
 است: «كسانی که حج
 خانه خدا و یا عمره
 انجام دهند، مانعی
 نیست که بر آن دو طواف
 کنند (سعی صفا و مروه
 انجام دهند)». آیا
 نمی بینید که طواف
 (سعی) بر صفا و مروه
 واجب حتمی است؛ زیرا
 خدای تعالی آن را در
 کتاب خود بیان کرده و
 پی امبرش آن را انجام
 داده است. تقصیر نماز
 در سفر نیز همین طور
 است که پیامبر- انجام
 داده و خدا در کتاب
 خود ذکر نموده است»
 سپس گفتیم: اگر کسی
 در سفر نماز خود را
 چهار رکعتی بخواند،
 باید اعاده کند یا نه؟
 فرمود: «إِنْ كَانَ قَدْ
 قُرِئَتْ عَلَيْهِ آيَةُ التَّقْصِيرِ
 وَ فَسَّرَتْ لَهُ فَصَلَّى أَرْبَعًا
 أَعَادَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ قَرَأَتْ
 عَلَيْهِ وَ لَمْ يَعْلَمْهَا فَلَا
 إِعَادَةَ عَلَيْهِ وَ الصَّلَوَاتُ
 كُلُّهَا فِي السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ
 رَكْعَتَانِ كُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا
 الْمَغْرِبَ فَإِنَّهَا ثَلَاثٌ لَيْسَ
 فِيهَا تَقْصِيرٌ تَرَكَهَا رَسُولُ
 اللَّهِ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ

ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ؛ ۲ اگر آیه
 تقصیر نماز مسافر بر
 او قرائت و تفسیر شده
 و در عین حال او نماز
 را چهار رکعتی خوانده،
 باید اعاده کند، و اگر
 قرائت و تفسیر نشده و
 او حکم را نمی داند،
 اعاده لازم نیست. تمام
 نمازهای واجب در سفر
 دو رکعتی است، جز نماز
 مغرب که سه رکعت است و
 در آن تقصیر (کوتاه
 خواندن) وجود ندارد؛
 چون پیامبر خدا- آن را
 به حال خود رها کرده
 که در سفر و حضر سه
 رکعتی خوانده شود.»
**توضیحی در مورد حدیث
 مذکور**

در حدیث فوق، وجوب
 «سعی بین صفا و مروه»
 و وجوب «تقصیر نماز
 مسافر» را به عمل
 پیامبر - و تفسیر آن
 حضرت از هر دو آیه
 مستند نموده است، در
 حالی که در هر دو آیه
 شریفه کلمه «لَا جُنَاحَ» به
 کار رفته که ظاهر آن
 دلالت بر وجوب ندارد
 از توجه به این
 مورد و مواردی از این
 قبیل، نقش اساسی مفسر
 بودن پیامبر و امامان
 و نیاز مبرم مردم به

۲. جامع احادیث الشیعه،
 اسماعیل معزی ملایری زیر نظر
 آیه الله بروجردی، ناشر مؤلف،
 قم، چاپ مهر، ۱۳۷۵ ش، ج ۷،
 صص ۴۵۳ و ۴۵۴، ح ۱۱۴۶۷؛
 المیزان فی تفسیر القرآن
 علامه طباطبایی، دار الکتب
 الاسلامیه، تهران، چاپ سوم،
 ۱۳۹۴ ق، ج ۵، صص ۶۷ و ۶۸.

روایتی است که می‌گوید: پس از آنکه پیامبر- در سفر روزه را افطار کرد و نماز را قصر خواند، باز هم بعضی از صحابه پیامبر از انجام این عمل (افطار و قصر) خودداری کردند و حضرت آنان را گروه «عصاة» و گنهکار نامید.^۲

البته دلیل گنهکار بودن آنها روشن است که پس از اجازه قرآن و عمل پیامبر اسلام- باز هم از توهم و گمان قبلی دست برنداشتند که خود حاکی از عدم اعتقاد به رسالت و عصمت پیامبر- می‌باشد. در برخی از روایات به نکته لطیفی اشاره شده است و آن اینکه حکم قصر نماز در سفر، یک نوع تخفیف و هدیه الهی است، و ادب بتدگی ایجاب می‌کند که انسان هدیه خدا را رد نکند و به آن بی‌اعتنایی ننماید. این نوع روایات زیاد است که تنها به نقل یک نمونه اکتفا می‌کنیم.

در روایت معتبر «سکونی» از امام باقر% و او از طریق پدران معصوم) خود از پیامبر- نقل فرموده است: «ان

انان برای تفسیر قرآن و بطلان شعار «کفانا کتابُ الله» که عمر در حال مریضی پیامبر اسلام - مطرح کرد، روشن می‌گردد.

شاید نکته تعبیر «لا جناح» در این دو آیه برای نفی توهم تحریم باشد؛ زیرا در آغاز اسلام، بتهایی روی صفا و مروه قرار داشت و به خاطر وجود آنها بعضی از مسلمانان گمان می‌کردند سعی بین صفا و مروه از آداب بتپرستان است، در حالی که چنین نبود، لذا قرآن برای نفی این توهم می‌فرماید: مانعی ندارد که شما بین صفا و مروه سعی کنید؛ یعنی اعمال خلاف مشرکان که بر روی هر کدام از دو کوه یک بت قرار داده اند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی‌کاهد و شما اعمال خودتان را انجام دهید و به بتها اعتنایی نکنید.

همچنین در مورد مسافر نیز جای این توهم هست که بعضی گمان کنند کوتاه کردن نماز در سفر موجب بطلان نماز و گناه می‌باشد، لذا قرآن با تعبیر «لا جناح» این توهم باطل را از بین برده است شاهد وجود این توهم

۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ اول، (۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۵۱۸، ابواب صلاة المسافر المسافر، باب ۲۲، ج ۵؛ جامع احادیث الشیعه، اسماعیل معزی، ج ۷، ص ۴۵۴، ج ۱۱۶۶۸.

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم و همکاران، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۴ ش، ج ۴، ص ۹۷.

آیا حکم تقصیر نماز
مسافر مشروط به وجود
خوف است؟

با توجه به ظاهر
آیه شریفه که
می‌فرماید: [إِنْ خِفْتُمْ أَنْ
يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ
كَفَرُوا...]; «اگر از
فتنه و خطر کافران
بترسید...» این سؤال
مطرح می‌شود که آیا این
جمله مفهوم دارد؟ یعنی
آیا مسافر فقط در صورت
خوف از خطر دشمن باید
نماز خود را قصر
بخواند یا در هر صورت
قصر واجب است؛ چه خوف
از دشمن باشد یا
نباشد؟

در پاسخ این سؤال،
اکثر مفسرین گفته‌اند:
این قید ناظر به وضع
اکثریت مسلمانان صدر
اسلام است و به اصطلاح
علم اصول «قید غالبی»
است؛ یعنی غالباً
سفرهای آنها توأم با
خوف بوده است و
همانطور که در علم
اصول گفته‌اند: قید
غالبی مفهوم ندارد.
همچنان که در آیه زیر
قید «فی حجورکم» نیز
مفهوم ندارد:

در قرآن، ضمن بیان
حکم زنانی که ازدواج
با آنان حرام است،

می‌فرماید: [وَرَبَائِبِكُمْ
الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ]؛

روزه.
۳. ر. ک: کفایة الاصول،
آخوند خراسانی (محمد کاظم)،
۱۳۶۲ ق، ج (۱)، ص ۲۲۳.
۴. نساء/ ۲۳.

اللَّهُ أُوْدِي إِلَيَّ وَ إِلَىٰ أُمَّتِي
هَدِيَّةً لِّمَنْ يُهْدِيهِ اللَّهُ إِلَىٰ أَحَدٍ
مِّنَ الْأُمَّمِ كَرَامَةً مِّنَ اللَّهِ
لِنَا، قَالَ وَ أَمَّا ذَاكَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ:
الْإِفْطَارُ فِي السَّيْرِ، وَ
التَّقْيِيرُ فِي الصَّلَاةِ، فَمَنْ
لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ
عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَدِيَّتَهُ؛
خدا بر من و امتم

هدیه ای را به عنوان
کرامت عطا کرده که به
هیچ از یک از امت‌های
گذشته عطا نفرموده
است. عرض کردید: ای
رسول خدا! آن هدیه
چیست؟ فرمود: افطار
روزه در سفر و قصر در
نماز مسافر. پس هر کس
اینها را انجام ندهد،
در حقیقت هدیه خدا را
رد کرده است!»

از مطالب مذکور،
عزیمت و حتمی بودن حکم
قصر نماز مسافر اثبات
می‌شود و بطلان قول دیگر
(سه مذهب مالکی، شافعی
و حنبلی) آشکار
می‌گردد.

لازم به یادآوری است
مطالعه مطالبی که در
گذشته برای اثبات
عزیمت حکم افطار روزه
مسافر در این ماهنامه
منتشر شده است، خالی
از فایده نمی‌باشد.

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر
عاملی، ج ۸، ص ۵۲۰، ابواب
صلاة المسافر، باب ۲۲، ج ۱۱؛
جامع احادیث الشیعه،
اسماعیل معزی، ج ۷، ص ۴۵۷،
ج ۱۱۴۸۵.

۲. ماهنامه مبلغان، شماره
۱۴۲، ص ۴۸، مقاله آیات
مرتبط با رخدادهای حکم وجوب

«دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند.»

تمام مسلمانان -

اعم از شیعه و سنی - قبول دارند که «دختران همسر» مطلقاً جزء

محارمند، خواه در

دامان ایشان بزرگ شده باشند یا نه؛ ولی چون غالباً زنان مطلقه یا شوهر مرده‌ای که دوباره ازدواج می‌کنند،

فرزندان خردسالی دارند که در دامان شوهر دوم بزرگ می‌شوند، قید «فی حُجُورِکُمْ» در آیه فوق، ذکر شده است و مفهوم ندارد.

و قید [إِنْ خِفْتُمْ أَنْ

يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا] نیز در آیه مورد بحث همین طور است و مفهوم ندارد، و لذا مسافر واجد شرایط باید نماز خود را قصر بخواند، چه بترسد یا نترسد.

حکمت قصر نماز مسافر

در برخی روایات،

حکمت قصر نماز مسافر، نوعی ارفاق، لطف و رحمت خدا نسبت به

مسافر معرفی شده است که روایت زیر نمونه‌ای از آن است: به سند

«حسن» از امام رضا % روایت شده است که

فرمود: «وَ إِنَّمَا قَصُرَتْ

الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ لِأَنَّ

الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ أَوْلَى

إِنَّمَا هِيَ عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ

السَّبْعُ إِنَّمَا زِيدَتْ فِيهَا

بَعْدَ فَحَقَّقَ اللَّهُ عَنْهُ تِلْكَ

الزِّيَادَةَ لِمَوْضِعِ سَفَرِهِ وَ

تَجِبُهُ وَ نَصِيهِ وَ اشْتِغَالِهِ

بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَ ظَعْنِهِ وَ

أَقَامَتِهِ لِنَلِّا يَشْتَغِلُ عَمَّا

لَا بُدَّ لَهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ

رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ

تَعْظِماً عَلَيْهِ الْإِصْلَاحُ

الْمَغْرِبِ فَإِنَّهَا لَمْ يُقَصِّرْ

لِأَنَّهَا صَلَاةٌ مُقِي صُورَةٌ فِي

الْأَصْلِ؛^۱ علت اینکه نماز

در سفر قصر می‌شود این

است که در آغاز، نماز

واجب ده رکعت بوده و

هفت رکعت بعداً افزوده

شده است، خداوند آن

رکعت‌های اضافی را به

خاطر سفر و رنج و زحمت

آن و به خاطر اشتغال

مسافر به امور شخصی

برای حرکت و اقامت

خود، تخفیف داده است

تا مسافر از امور

ضروری زندگی خود

بازنماند و این تخفیف

از باب رحمت و عطوفت

خدا بر مسافر می‌باشد؛

ولی نماز مغرب قصر

نمی‌گردد؛ زیرا آن در

اصل کوتاه (و کمتر از

چهار رکعت) است.»

شرایط نماز مسافر

برای قصر شدن نماز

مسافر شرایطی وجود

دارد که اگر یکی از آنها مفقود باشد، نماز

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۴؛ بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، محمدباقر ملکی میانجی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق، ص

۲۶۵، تفسیر نمونه، ناصر مکارم و نویسندگان، ج ۴، ص ۹۵.

۲. وسائل الشیعه، حرع‌اعلی، ج ۸، ص ۵۲۰، ابواب صلاه المسافر، باب ۲۲، ح ۱۲.

مردّد گردد، باید نماز را تمام بخواند.
۴. پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود و یا جایی که قصه د اقامه ده روز یا بیشتر کند، نگذرد. پس کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن بگذرد یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند. البته اهل سنت در مقدار قصد اقامه اختلاف دارند؛ مالکی و شافعی معتقدند: چهار روز، حنفی پانزده روز و حنبلی مدتی که بیش از بست نماز برایش واجب گردد (کمی بیش از چهار روز).
۵. سفر مباح باشد؛ یعنی برای کار حرام سفر نکند، پس اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند. این شرط مورد قبول تمام مذاهب است، جز حنفی که می‌گوید: در سفر حرام، اگرچه شخص گنهکار است؛ ولی نمازش قصر میشود.
۶. از صحرانشینهایی نباشد که در بیابانها گردش می‌کنند و هر جا که آب و خوراک برای خود و دامشان پیدا می‌کنند، می‌مانند و بعد از چند روز به جای دیگر می‌روند (این شرط مخصوص شیعه است).
۷. شغل او مسافرت نباشد، بنابراین راننده و امثال آن، در غیر سفر اول باید نماز

قصر نمی‌گردد و باید تمام خوانده شود.
البته شرایط نماز مسافر - مانند شرایط و خصوصیات سایر احکام - در قرآن نیامده است؛ بلکه در سنت بیان شده، به همین جهت میان مذاهب اسلامی اختلاف زیادی وجود دارد؛ ولی ما فقط به شرایط هشتگانه نماز مسافر که مورد قبول فقهای شیعه است، اشاره می‌کنیم و از ذکر توضیحات، اختلافات و روایات مربوط به آنها خودداری می‌نماییم. البته در مواردی به فتوای مذاهب دیگر نیز اشاره ای خواهیم کرد.
۱. مسافت سفر، به مقدار هشت فرسخ یا بیشتر باشد (فقط رفتن یا با تلفیق رفت و برگشت)؛ ولی اهل سنت در این مسئله اختلاف دارند؛ حنبلی، مالکی و شافعی معتقدند: فقط رفتن باید شانزده فرسخ یا بیشتر باشد و حنفیها می‌گویند: فقط رفتن باید بیست و چهار فرسخ باشد.
۲. از اول مسافرت باید قصد رفتن هشت فرسخ یا بیشتر را داشته باشد. (به عقیده اهل سنت قصر ۱۶ یا ۲۴ فرسخ را داشته باشد).
۳. قبل از رسیدن به حدّ مسافت شرعی، از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ، منصرف شود یا

عبارتند از : مسجد الحرام در مکه، مسجد النبی- در مدینه، حرم امام حسین % و مسجد کوفه. البته در جزئیات این مسئله اختلافهایی نیز میان فقها وجود دارد و بعضی از فقها اصل تخییر را نیز قبول ندارند؛ ولی ما به خاطر اختصار تنها به ذکر اصل مسئله اکتفا نموده، از ذکر جزئیات و اختلاف فتاوی فقها و فروع دیگر نماز مسافر خودداری می کنیم و خوانندگان محترم را برای مراجعه به توضیح المسائل مراجع تقلید و دیگر کتب فقهی توصیه می نماییم.

نماز خوف

نماز خوف که از جمله در حال جنگ خوانده می شود، مثل نماز مسافر است؛ یعنی نمازهای چهار رکعتی به دو رکعتی تبدیل می شوند، با این تفاوت که افراد لشکر دو گروه می شوند؛ گروه اول یک رکعت را با امام می خوانند و امام پس از اتمام یک رکعت توقف می کند؛ یعنی قرائت نماز را طول می دهد تا اینکه مأمومین رکعت دیگر را فرادا بخوانند، و به جبهه جنگ باز گردند، سپس گروه دوم جای آنها را می گیرند و نماز خود را با رکعت دوم امام انجام می دهند.

را تمام بخوانند (این شرط را فقط شیعه و حنبلی معتبر می دانند).
۸. به حد ترخص برسد؛ یعنی از وطنش به قدری دور شود که دیوار شهر یا روستا را نبیند و صدای اذان را نیز نشنود و اگر قبر از رسیدن به حد ترخص نماز بخواند، باید تمام بخواند؛ ولی اهل سنت گفته اند: به حد ترخص رسیدن لازم نیست و همین که مسافر از اصل شهر یا روستا خارج شود، نمازش قصر می شود. البته به عقیده اهل سنت شرطهای دیگری نیز وجود دارد که مورد قبول شیعه نمی باشد، لذا از ذکر آنها خودداری می شود.

مواضع تخییر بین قصر و تمام

حکم قصر نماز برای مسافر به صورت عزیمت و حتمی است؛ ولی همین حکم، طبق مضمون برخی روایات معصومین (و فتاوی مشهور فقهای شیعه در چهار مکان به تخییر تبدیل می گردد؛ یعنی مسافر در آن چهار مکان مخیر است که نماز خود را قصر یا تمام بخواند، و آن مکانها

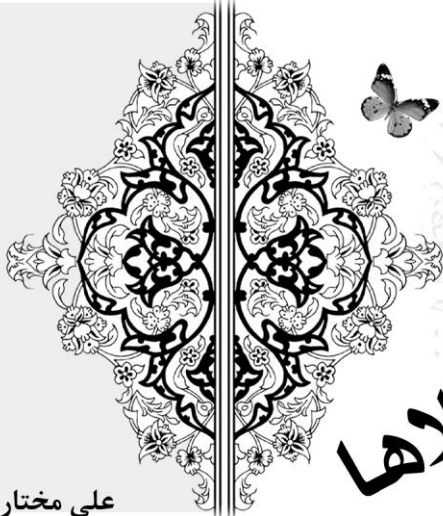
۱. علاقمندان به توضیح و تطبیق بیشتر، به کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه»، محمد جواد مغنیه، صص ۱۳۹-۱۴۲ و رساله توضیح المسائل یکی از مراجع تقلید شیعه مبحث «نماز مسافر» مراجعه و تطبیق نمایند

حکم نماز خوف و کیفیت انجام آن در
سورۃ نساء آیه ۱۰۲ بیان شده است و چون نماز خوف، حکم مستقل از نماز مسافر بوده و چند سال بعد از آن نازل شده است، لذا از توضیح و تفسیر آیه مربوط به آن خودداری می‌گردد.

۱. ر. ک: تفسیر نمونه، ناصر مکارم و دیگران، ج ۴، صص ۹۹-۱۰۳؛ ادوار فقه، محمود شهابی، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۶۴، ادوار تحوّل فقه شیعه، نوری، ص ۵۵.

رمز و راز بلاها و ابتلاها

۳



علی مختاری

اساره :

در شماره های گذشته (مبلغان ۱۷۲ و ۱۷۳) موضوع «رمز و راز بلاها و ابتلاها» ارائه شد و در آن به مباحثی همچون: «عدل و ریشه‌های گرفتاریها» «حکمتها و اهداف ابتلاها» و... اشاره گردید؛ اکنون ادامه این مبحث تقدیم می‌شود.

تاسی به بزرگان

قرآن کریم و امامان مکرر سفارش کرده‌اند که به تاریخ به عنوان آینه عبرت بنگرید و از آن درس بگیرید.

امام صادق %

می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنذِرًا كَانُوا فِي شِدَّةٍ أَمَا إِنْ ذَلِكَ إِلَى مُدَّةٍ قَرِيبَةٍ وَ عَاقِبَةٍ طَوِيلَةٍ؛ پیروان

حق سواره در تاریکی به سر می‌برند! آگاه باشید که مدت ناراحتی اندک و زمان دولت قائم طولانی خواهد بود.»
امام صادق %

می‌فرماید: «قَدْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَوْمٌ يُقْتَلُونَ وَ يُخْرَفُونَ وَ يُنْشَرُونَ بِالْمَنَاشِيرِ وَ تُضَيَّقُ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِرُحْمَتِهَا فَمَا يَرُدُّهُمْ عَمَّا هُمْ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنْ غَيْرِ تَرَةٍ وَ تَرُوا مِنْ فَعَلِ ذَلِكَ بِهِمْ وَ لَا أَدَّى بِلِ مَا يَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ پیش از شما گروهی بودند که کشته می‌شدند، سوزانیده می‌شدند، با آزه‌ها بریده می‌شدند، زمین با گسترده‌گی‌اش بر آنان تنگ می‌شد، همه این بلاها

۱۴۰۳ ق، ج ۶، ص ۵۷، ح ۰۹
۲. آمالی، شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، مجلس ۳۹، ح ۰۶

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم،

نمونه های بسیار جالبی از صبر، شکر و رضای بزرگان در قرآن و روایات آمده است: سیره انبیا و امامان سرشار از حوادث آموزنده است، از چهارده معصوم که بگذریم برخی پیامبران، مانند حضرت ایوب و همسرش، نوح، یوسف و... ضرب المثل شده‌اند. داستان عبد الله بن جعفر حمیری می‌گوید: در محضر مولایم حضرت ابومحمد امام حسن عسکری% بودم که نامه‌ای از طرف یکی از دوستان اران امام رسید. نویسنده که زندانی بود شرحی از شکنجه‌ها را نوشته بود؛ مثل سنگینی کُند و زنجیر و آهن، پریشان‌حالی، زور و ستم حکومت و... امام حسن عسکری% برایش چنین نوشت: «ای بنده خدا! «ان الله عز و جل یمتحن عباده لیختبر صبرهم فثبتهم علی ذلك ثواب الصالحین فعلیک بالصبر؛ خداوند عز و جل بندگان را امتحان

آنان را از عقیده درست و راه حقی که به آن معتقد بودند برنمی‌گردانید، اینان جرم و گناهی هم نداشتند و این انتقامها فقط به سبب ایمان به خدای عزیز و حمید بود.» شما هم درجات آنان را از خدا بخواهید، اگر بر سختیهای روزگارتان صابر باشید به مقام سعی و تلاش آنان می‌رسید.» گزیده‌ای از سخنان امام راحل! در این باره نقل می‌شود: «صبر در تعریف خواجه نصیر الدین طوسی! نگاهداری نفس است از بی تابی نزد مکروه و در تعریف خواجه عبد الله انصاری، نگاهداری نفس است از شکایت بر جزع مستور»^۱ و بدان که صبر را از مقامات متوسطین به شمار آورند؛ زیرا مادامی که نفس، مصیبات و بلیات را مکروه و ناپسند شمارد، مقام معرفتش ناقص است؛ چنان‌که مقام رضای به قضا و خشنودی از توجه بلیات، مقام شامخ تری است، گرچه آن را نیز از مقامات متوسطین به حساب آوریم...»^۲

۳. ر.ک: تاریخ انبیا، قیص قرآن با بررسی روایات آن در بحار الانوار و تفاسیر روایی مثل نور الثقلین و... نیز به کتابهایی مثل مسکن الفؤاد شهید ثانی، تسلیة العباد مجد الأباری خراسانی، مقام داغدیدگان شکیبا، بلا و بلادیدگان، از فرج الله هدایت‌نیا و دانش‌نامه قرآن و حدیث، تألیف محمدی ری‌شهری، ج ۱۵ و ۱۶ و... مراجعه شود. ۴. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۳۸، ح ۵.

۱. چهل حدیث، امام خمینی!، نشر طه، قزوین، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۶۰، با تلخیص همان. ۲.

مواد امتحان و کیفیت برگزاری آزمون است؛ مثلاً امتحان از چه کتابی و متنی است و تستی برگزار می‌شود یا تشریحی، فرصت پاسخ دهی چگونه است و ...؛ از این رو لازم است یک مبلغ بدانند چه اوقاتی در بوبه آزمایش قرار می‌گیرد و با چه چیزهایی آزمایش می‌شود، ناگزیریم در بیان مواد ابتلائات، اختصار را رعایت کنیم؛ زیرا، مواد آزمون متعدد و فراوان‌اند.

۱. انواع نعمتها

علم، هنر سخنرانی، جوانی، سلامت، عزت و ابروی روحانی بودن و در یک سخن، تمامی نعمتها ابزار ابتلایند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْخَلَائِفَ الْأَرْضَ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «و او کسی است که شما را جانشینان [در] زمین قرار داد و بعضی را بر برخی دیگر رفعت و برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است، بیازماید. آری، پروردگار تو، سریع العقاب و بس آمرزنده و مهربان است.»

نمونه های فراوانی بوده‌اند که به جای

۲. انعام / ۱۶۵.

می‌کند تا شکیبایی آنها را بیازماید و برای آن، پاداش نیکان را به آنان عطا می‌کند، پس صابر و شکیبای باش» اشعث، داغ فرزند دید، حضرت

امیرالمؤمنین علی% در مقام دلداری و تسلیت به او فرمودند: اگر برای پسر تان دو هگین باشی این اقتضای پدری است و اگر صبر کنی خداوند هر مصیبتی را عوض می‌دهد. «إِنَّ صَبْرَتَ جَزَى عَلَيْكَ الْقَدْرَ وَ أَنْتَ مَا جُورٌ وَ إِنْ جَزَعْتَ جَزَى عَلَيْكَ الْقَدْرَ وَ أَنْتَ مَا زُورٌ»؛ اگر شکیبایی ورزی، تقدیر بر تو جاری گشته، در حالی که اجر برده ای، و اگر ناشکیبایی کنی، باز هم تقدیر بر تو جاری شده، در حالی که گناه کرده‌ای.»

ای اشعث! «إِنَّكَ سَرَّكَ وَ هُوَ بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ حَزَنٌ وَ هُوَ ثَوَابٌ وَ رَحْمَةٌ»؛ [آمدن] پسر تان با آن که مایه ابتلا و امتحان است - تو را شاد کرد و [رفتنش] با آنکه باعث پاداش و رحمت است، اندوهگینت ساخت.»

مواد آزمون

اولین دغدغه دانشجویان، آگاهی از

۱. نهج البلاغه، سید رضی، مصحح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، حکمت ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۴.

آورده ام.»
این غافلان متذکر نمی‌شوند که همان دانش هم از موهبت‌های خداست و در ازل جزء ذاتشان نبوده است. بارها آیت الله جوادی آملی می‌فرمود: این توفیقاتی که در حوزه، نصیب ما شده است. اگر برای بسیاری از مردم عادی فراهم بود، بسا از ما نیز عالم تر و موفق تر می‌شدند؛ از این رو باید ممنون خداوند باشیم و خود را برتر از عوام ندانیم.
امام علی % می‌فرماید: «كَمْ مِنْ مُبْتَلِيٍّ بِالنَّعْمَاءِ؛^۲ چه بسا کسانی که با نعمتها آزمایش می‌شوند.» نیز می‌فرماید: ای مردم! همان‌گونه که خداوند، شما را از سختی و عذاب، ترسان می‌بیند، باید شما را از نعمت نیز هراسان ببیند؛ زیرا هر که باب نعمتها به رویش گشوده شود و آن را استدراج و مهلت دهی خداوند نبیند، خود را از واقعه ترسناکی ایمن پنداشته است، و هر کس به تنگدستی گرفتار آید و آن را آزمایش الهی نبیند، آنچه [از پاداش الهی]

شکرگزاری بیش تر در هنگام نعمتها، مغرور و مفتون شده‌اند. قارون و ثعلبه، در مال؛ فرعون و نمرود، در سلطنت؛ بلعم باعور و سامری، در علم و بصیرت و ... نمونه‌هایی برای این مطلب‌اند. قرآن کریم هشدار می‌دهد: [فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَيَّ عِلْمٌ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِن أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ]؛ «هنگامی که به انسان، آسیبی رسد ما را [برای حل مشکلش] فرا می‌خواند. سپس هنگامی که به او نعمتی عطا کنیم، می‌گوید: این نعمت را به سبب کاردانی و دانش خودم به دست آورده‌ام؛ نه چنان است؛ بلکه آن آزمایشی است؛ ولی بی‌شترشان نمی‌دانند.» نمونه این منطق در آیه ۷۸ سوره قصص از زبان قارون نقل شده است که در برابر این نصیحت: «از نعمتهای خدا در راه رضای او استفاده کن» به اندرزگوییان پاسخ داد: [إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَيَّ عِلْمٌ عِنْدِي]؛ «اینها موهبت‌هایی است که با دانش خودم به دست

۲. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۶۹، ح ۸۳۵۱.

۱. زمزم / ۴۹، و رک: مائده / ۴۸؛ نحل / ۵۳ و ۵۴؛ روم / ۳۳؛ اسراء / ۶۷ - ۶۹؛ زمزم / ۵۰.

این سخن شخصیتی چون شما است؟! فرمودند: خداوند تعالی می‌فرماید: «و ما شما را از راه آزمایش به خیر و شر می‌آزماییم.»
«فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ ابْتِلَاءٌ وَ اخْتِبَاراً؛
 بنابراین خیر؛ صحت و توانگری است و شر؛ بیماری و فقر، و اینها برای آزمایش و امتحان‌اند.»

موارد بالا، گاهی نردبان ترقی است و گاهی لغزشگاه سقوط. آنچه مهم است درک، درایت، شناخت و موضع‌گیری انسان در برابر این موقعیتها است. اگر نگاهی به سیره علما و بزرگان بپردازیم و مثلاً کتاب ۲۸ جلدی ستارگان حرم را از زاویه بررسی راز و رمز موفقیت شخصیتها مطالعه کنیم، در میابیم که فقر، یتیمی، گمنامی و ... راز موفقیت بسیاری شده، همان‌گونه که نقطه مقابل اینها مثل رفاه، ناز و نعمت نیز زمینه رشد بسیار و زمینه سقوط و واماندگی بسیاری دیگر از جمله آقازاده‌های بزرگان شده است.

با این حال، برخی

بدان امید است، از دست داده است.^۱

۲. انواع شرور و خیرات
[كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ الْيُنَا تُرْجَعُونَ]؛^۲ «هر جانی مرگ را می‌چشد و ما شما را از راه ابتلا به شر و خیر می‌آزماییم و به سویی ما بازگردانده می‌شوید.»

[وَ قَطَعْنَا هُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَ بَلَّوْنَا هُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجَعُونَ]؛^۳ «و بنی اسرائیل را در روی زمین به صورت گروه‌هایی، پراکنده ساختیم. بعضی از آنها صالح و درستکار و برخی از آنان جز این اند (خیانت‌پیشه‌اند) و آنان را به خوبیها و بدیها آزمودیم، شاید که به حکم حق بازگردند.»

امام صادق %
 می‌فرماید:
 امیرالمؤمنین% بیمار شد. عده‌ای به عیادتش رفتند و گفتند: در چه حالی هستی، ای امیر مؤمنان؟ در پاسخ فرمود: «أَصْبَحْتُ بِشَرٍّ»؛ یعنی بد هستم. با تعجب گفتند: سبحان الله! آیا

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۲، ح ۱۸.
 ۲. انبیاء / ۳۵.
 ۳. اعراف / ۱۶۸.

۴. انبیاء / ۳۵.
 ۵. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹، ح ۲۵، وج ۵، ص ۲۱۳.

گیرم، اندوهگین می‌شود، حال آنکه این سختگیری، او را به من نزدیک تر می‌سازد و هنگامی که دنیا را به صورت گسترده به او بدهم، شاد می‌شود؛ در صورتی که این گشایش دنیا، او را از من دورتر می‌کند. سپس حضرت آیه [لَا يَشْعُرُونَ] را تا آخر تلاوت کرده و فرمود: «إِنَّ ذَلِكَ فِتْنَةٌ لَهُمْ؛ برآستی که این دو حالت، آزمایشی برای آنان است.»

حضرت امام صادق % می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ فِيهِ قَبْضٌ أَوْ بَسْطٌ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَوْ نَهَى عَنْهُ إِلَّا وَفِيهِ لَلَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ ابْتِلَاءٌ وَقَضَاءٌ؛ در هیچ امر و نهی خداوند، سخت گیری و گشایشی نیست، مگر اینکه خداوند عز و جل را در آن، آزمایش و قضایی است.»

اصحاب صفه، ابزار آزمایش در ذیل آیه شریفه ۵۲ سوره انعام که به پیامبر- دستپور می‌دهد: [وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ

رفاه و نعمت را دلیل محبوبیت نزد خدا و اکرام الهی، و سختیها را اهانت الهی به حساب می‌آورند: [فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ]؛ «اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را می‌آزماید و گرامی اش می‌دارد و به او نعمت فراوان می‌دهد، می‌گوید: پروردگارم، مرا گرامی داشته است و اما چون وی را می‌آزماید و روزی اش را بر او تنگ می‌گرداند، می‌گوید: پروردگارم مرا خوار داشته است.»

امام صادق % از پدران بزرگوارش از پیامبر خدا- در توضیح آیه شریفه [أَمَّْا نُمِدُّهُم بِه مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ * نَسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ]؛ «آیا می‌پندارند که آنچه از مال و پسران که به ایشان کمک می‌کنیم، می‌خواهیم به سویشان در خیرات، شتاب ورزیم؟ [نه] بلکه نمی‌فهمند.»

نقل می‌کند که حضرت رسول خدا - فرمودند: خدای متعال می‌فرماید: اگر بر بنده مؤمنم چیزی از دنیا را تنگ

۲. الکافی، [عربی و بی‌ترجمه]، کلینی، کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۴۴؛ مجمع البیان، ابوعلی طبری، دارالمعرفة، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۱۷۵.
۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۱۷، ح ۶.

العشي [؛^۱ «طرد مک ن
 افرادی را که
 پروردگارشان را بام و
 شام، می‌خوانند.» این
 سبب نزول در تفاسیر،
 نقل شده است:
 در مدینه گروهی
 فقیر به نام اصحاب صفه
 به سر می‌بردند. اینان
 به دستور پیامبر خدا -
 در صُفَة مسجد [محلی
 کنار درب شمالی، مقابل
 محراب مسجد حضرت
 زندگی می‌کردند و
 پیامبر خدا - شخصاً به
 آنها رسیدگی می‌کرد و
 گاهی خود حضرت برای
 آنان غذا می‌پرد.
 ایشان نیز نیروهای
 آماده و پا به رکاب و
 مقرب رسول خدا - شده
 بودند و پیامبر - به
 آنها خوش و بش و نشست
 و برخاست می‌کرد.
 اصحاب ثروتمند و
 مرفه، این کار پیامبر
 را نمی‌پسندیدند، خرده
 می‌گرفتند و می‌گفتند:
 اینها را از خودت دور
 کن.

روزی فردی از اصحاب
 صفه، نزد پیامبر- بود
 و خودش را به حضرت
 چسبانده بود و رسول
 اکرم- با او سخن می‌گفت
 که مردی از انصار آمد
 و در فاصله دورتر از
 آن دو نشست. حضرت به
 او تعارف کرد: جلوتر
 تشریف بیاورید؛ اما او
 نیامد. پی امبر اکرم -

به او فرمود: **«لَعَلَّكَ
 خِفْتَ أَنْ يَلْزِقَ فِقْرُهُ بِكَ؟»**
 شاید ترسیدی که فقر
 این آقا، به تو
 بچسبد؟! «انصاری گفت:
 اینها را از اطراف
 خودت دور کن.

در این هنگام
 خداوند این آیه را
 نازل فرمود: **«وَلَا تَطْرُدِ
 الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ
 بِالْخِطَابِ دَاةً وَ الْعِشِيِّ
 يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ
 مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا
 مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ
 فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ
 الظَّالِمِينَ»**؛ و در آیه

بعد فرمود: **«وَ كَذَلِكَ
 فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ
 لِيَقُولُوا أَ هَؤُلَاءِ مِمَّنْ
 آتَى اللَّهُ مَالَهُمْ مِنْ بَيْنِنا أَلَيْسَ
 اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ»**؛^۲

«و اینگونه ما برخی از
 ایشان را به برخی دیگر
 آزمودیم تا آنکه گویند
 آیا این گروهند که منت
 نهاد خدا بر ایشان از
 میان ما؟ آیا خداوند،
 آگاه تر نیست به
 شکرگزاران.»

حضرت فرمود: معنای
 آیه این است: توانگران
 را با توانگری
 می‌آزماییم تا بنگریم
 که کمک و همدردی آنان
 با تهیدستان چگونه است
 و چگونه آنچه را
 خداوند در
 داریهایشان برایشان
 واجب ساخته است،
 می‌پردازند.

«محققاً شما را آزمایش خواهند کرد به مال و جان و بر شما از زخم زبان آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها نازل شد آزار بسیار خواهد رسید و اگر صبر پیشه کنید و پرهیزکار شوید البته ظفر یابید که ثبات و تقوی سبب قوت اراده و کارها است.»

امام علي %
می‌فرماید: «إِنَّ إِعْطَاءَ هَذَا الْمَالِ فِتْنَةٌ وَإِنْ إِمْسَاكُهُ فِتْنَةٌ؛ هَمَانَا»
دادن این مال، سرمایه و دارایی است و حبس و امساک آن وسیله آزمایش است. «در برخی نقلها چنین آمده: «اعطای مال، فتنه و امساکش نیز فتنه است.»

آن حضرت شنیدند از مردی که چنین دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ؛»
«بار خدایا! از فتنه به تو پناه می‌برم.»

حضرت علي % به او فرمود: می‌بینم که از مال و فرزندان به خدا پناه می‌بری! خداوند متعالی می‌فرماید: [إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ]؛ [پس این گونه دعا مکن؛] ولی بگو:

۳. غرر الحکم و درر الکلمج ۲، ص ۴۸۹، ح ۳۲۹۱.
۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش، ج ۷، ص ۲۱؛ مسند الشهاب، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۹۹۹.

و تهیدستان را هم می‌آزماییم تا ببینیم شکیبایی و تحملشان در برابر فقر و تهیدستی و در برابر ثروت توانگران، چه اندازه است.

[و لِيَقُولُوا] یعنی اغنیاء بگویند [أَهْوَلَاء] آیا اینان اند؛ یعنی فقرایند که [مِنْ] الله عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ]؛

از میان ما، خدا برایشان منت نهاده است؟ آیا خدا به شاکران داناتر نیست؟
۳. اموال، انفس و اولاد

از آنجا که این سه مورد معمولاً با هم در بسیاری از نصوص آمده، همه را یک جا ذکر می‌کنیم و پس از بیان نمونه ای از نصوص، به مصداقیابی می‌پردازیم:

[إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ]؛ «داراییها و فرزندان شما، در

حقیقت تنها وسیله آزمایش‌اند، و اجر عظیم، نزد خدا است»

إِلْتِبَالُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَى كَثِيرًا وَ إِنْ تَصِيرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ]؛

۱. تغابن / ۱۵ و رک: انفال / ۲۸.
۲. آل عمران / ۱۸۶ و رک: طه / ۱۳؛ بقره / ۱۵۵.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
مَضَلَاتِ الْفِتَنِ؛^۱ خدایا
پناه بر تو از فتنه‌های
گمراه‌کننده.»
از پیامبر خدا -
روایت شده است : «إِنَّ
الْوَلَدَ فِتْنَةٌ؛^۲ بدورستی
که فرزند فتنه است.»
ادامه دارد...

۱. نهج البلاغه، حکمت ۹۳؛
امالی، شیخ طوسی،
دارالثقافة، بیروت، چاپ
اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۸۰، ح ۱۲۰۱.
۲. کنز العمال، متقی هندی،
مؤسسه الرسالة، بیروت، چاپ
پنجم، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۶، ص ۲۸۹،
ج ۴۴۵۱۹؛ الکافی، ج ۶، ص
۵۰، ح ۹.



راه و رسم تبلیغ

محمد عابدی

۱. پس از سر بری .
 درس بخواند . مقدمه
 مبلغ شدن، عالم شدن
 است . باید با قرآن و
 احادیث صحیح و حقایق
 دینی آشنا شود . سپس
 دیگران را آشنا کند .
 خوشقیافه بودن، آواز
 خوب داشتن، هنرمندی در
 قصه و افسانه گفتن و
 از راه بند و بست با
 رجال سیاسی روز آشنا
 شدن، می توان اعتماد
 مردم را جلب کرد، اما
 توجه صاحب شریعت فقط
 با خدمت صحیح جلب
 می شود .

۲. آشنایی کامل با

رسالتی که بر عهده
 دارد. تنها عالم شدن
 کافی نیست . در کنار
 فهم قرآن و دین، متدین
 بودن لازم است . بسیاری
 از مردم متدین اند، ولی
 دین شناس نیستند .
 دین شناسی باید همراه
 با تدین باشد .

توسیح

محقق برجسته و
 تاریخ نگار معروف ،
 مرحوم دکتر محمد
 ابراهیم آیتی، مؤلف
 کتاب ارزشمند «بررسی
 تاریخ عاشورا»، کتابی
 خواندنی دارد به نام
 «بررسی تاریخ از مدینه
 تا کربلا» که در سال
 ۱۳۸۸ چاپ شده است . در
 این کتاب، بخشی است با
 عنوان «راه و رسم
 تبلیغ» در ۲۲ صفحه، که
 حاوی نکات مفیدی است .
 خلاصه ای از مطالب آن
 تقدیم خوانندگان مجله
 می شود .

شرایط مبلغ دینی

کسی که بخواهد اهل
 آیه [وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا
 مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ
 صَالِحًا ...] باشد،
 باید این امور چندگانه
 را رعایت کند:

مردم شنیده یا خوانده‌اند، آن قدر ارزش ندارد که آنها را پای دین به حساب آوریم و مورد حمایت و دفاع تبلیغی قرار دهیم.

۷. آشنایی به زبان مردمی که در میان آنان تبلیغ می‌کند. دنیای غیر مسلمان برای تبلیغ اسلام بیش از هر زمانی آماده است و گوشه‌های مردم دانشمند و طبقات پایین ملل مختلف دنیا باز و آماده شنیدن و دریافت تعلیمات اسلام است، ولی هنوز نهضتی

حسابی و جدی در دستگاه‌های تبلیغی ما پیدا نشده که برای هدایت و تبلیغ آنان مبلغ تربیت کند، فرار گرفتن زبانهای انگلیسی و روسی و آلمانی و... به قصد قربت و با هدف تبلیغ دین لازم است

۸. پرداختن به امور مباحثی که در آنها تخصص دارد. اگر کسی مثلاً عربی را خوب

نمی‌داند و به قرآن و مسأله شرعی مسلط نیست نخواند و نگوید. باید خود را بشناسد و حدود و معلومات خود را بداند و در همان رشته‌ای که وارد است،

مثلاً مداحی، روضه‌خوانی، وعظ و ارشاد، تفسیر قرآن، اصول عقاید و... انجام وظیفه کند

۹. شبها را در

بی‌انصافی است که جریان شهادت سید الشهداء را متقن و صحیح ضبط نکند و عمری افسانه بخواند و دروغ پردازی کند. اگر به فرض چنین شخصی باشد، عذر او نزد خدا چه خواهد بود؟

۳. امانت در ادا رسالت. یعنی رسالت و پیامی را که بر عهده دارد، با کمال امانت به مردم برساند و از خود، هیچ‌گونه تصرفی در امانتهای خدایی نکند.

۴. شناخت زمان و مقتضیات آن. هر زمان و دوره‌ای مقتضی اموری است. مراد آن نیست که دین را تغییر دهد و احکام خدا را عوض کند. همان حلال و حرام الهی را که تا روز قیامت حلال و حرام است، چنان بگوید و تعلیم دهد که با مقتضیات زمان بسازد و مردم را به دین نزدیک تر کند، نه دورتر.

۵. تمام عنایت را به مسلمات و قطعیات دین قرار دهد و وقتها صرف مطالبی نشود که از دین نیست یا بود و نبود آن صدمه‌ای به جایی نمی‌زند.

۶. دفاع نکردن از مطالبی که بودن آنها از دین، مسلم نیست، یا نبودش مسلم است. بسیاری از مطالبی که

نگرانی مردم مواجه
شود.
۱۴. در مجالس هر
صنفي، همان صنف را
تبليغ و موعظه کند. در
مجالس بازاری ها از
معاصي و انحرافات
بازاریها سخن بگوید و
عیب کار را بشمارد. در
مجالس رشوه خواران از
رشوه بگوید و در مجالس
اهل علم، اهل علم را
موعظه کند. این هنر
نیست که انسان با
مردان بنشیند و از
چادر زنان سخن بگوید.
با هر قومی که
میشیند، درد آنان را
بفهمد و موعظه کند
۱۵. بزرگان دین را
چنان که گفته اند
بشناسد و معرفی کند.
نه آن طور که مردم
میشناسند، که گاهی با
واقعیت زندگی بزرگان
دین منطبق نیست.
بسیاری هنوز هم امام
زین العابدین % را
«امام بیمار»
میشناسند. در حالی که
آن حضرت، زمانی محدود
و طبق مصلحت الهی در
کربلا مریض بود. چنان
نباشد که حضرت عباس %
را مهمتر از امام سجاد
% بشناسانیم.
۱۶. خود را تا آن
حدّ به مجله ها و
مطبوعات مشغول نکند که
از استفاده از متون
اساسی مذهبی محروم
گردد. البته باید

مجالس عمومی مطرح
نکند. اگر کسی شبهه ای
داشت، با روی باز و
بدون تغییر و ناراحتی و
تکفیر بشنویم و شبهه اش
را همچون طبیبی مهربان
که در مقام علاج است
پاسخ دهیم و اگر این
کاره نیستیم، به شخص
دیگری راهنمایی کنیم.
و این گونه شبهه ها را
در منبر عنوان نکنیم،
چون شبهه مثل سمّی روی
مغزهای مؤمنین پاشیده
میشود و برطرف کردن آن
مشکل است. قطعاً طرح
شبهاتی که مایه انحراف
مردم است، در مجالس
عمومی حرام است
۱۰. مطالب ضعیف و
بی اساس را به عنوان
نوادر و اظهار اطلاع،
نقل نکند.
۱۱. در شنیدن شبهات
و کفریات مردم سعه صدر
داشته باشد و نسبت به
اظهارات مردم امانت را
رعایت کند و سر مردم
را فاش نسازد.
۱۲. رضای خدا را بر
رضای خود و رضای مردم
مقدم بدارد و در کار
خود همیشه رضای
پروردگار را رعایت
کند.
۱۳. تبلیغ او بر
اساس حقایق دین باشد،
نه آن چه مردم به نام
دین می شناسند. باید
دین شناس باشد و
واقعیات دین را بگوید،
اگر چه با مخالفت و

لباس یا کیفیت نمازخواندن نیست . پیامبر خدا- فرمود: به نماز و روزه فراوان مردم نگاه نکنید، بلکه به راستی گفتار و امانت داری او بنگرید. برای تشخیص دین، علم و یا تقوا، میزان‌هایی است که بیان کرده‌اند.

۲۱. اقبال و ارادت عوام الناس را دلیل علم و تقوای خود نداند و بداند که قضاوت خدا غیر قضاوت عوام الناس است. روز قیامت هم که پرده‌ها برداشته شود، خدا در قضاوت، تابع نظر مردم یا اکثریت مردم نیست.

۲۲. تقوا و دینداری را به خاطر خدا داشته باشد نه به خاطر مردم

۲۳. به فراخور حال مستمع و مخاطب سخن بگوید و حدّ استعداد او را در نظر بگیرد . مجالس مذهبی هم مثل کلاس‌هایی است که در هر کلاسی درس همان کلاس باید گفته شود.

۲۴. روایاتی را که ضروری یا قطعی دین نیست و ممکن است جزو ساخته های دروغگویان باشد و قابل پذیرش علم یا عقل نیست نقل نکند و برای اثبات و توجیه آنها، بی‌خود وقت صرف نکند.

۲۵. هر جا سخن می‌گوید، بداند یا

روزنامه و مجله خواند، ولی مبلغ نباید سرگرم کتابهای ضلال یا عادی شود و از کافی و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه غافل شود. منبر باید از معارف دینی و کلمات معصومین اشباع باشد

۱۷. آنچه را با مذاق قرآن و با ذوق سلیم و فکر مستقیم سازگار نیست، به بهانه اینکه روایتی دارد نپذیرد و مردم را دعوت به پذیرفتن آن نکند

۱۸. خود را مکلف و مقید به چیزی که عقل یا دین، آن را الزام نکرده است، نسازد. مثلاً چه عیبی دارد از روی کتاب یا یادداشت بخواند؟ چه بسا دروغها، لغزشها و تحریف‌هایی در متون قرآنی و حدیثی پیش آمده، به خاطر آن که از حفظ گفته است. چه اشکالی دارد که خطبه و احادیث و یا آیاتی از قرآن را از روی کتاب بخواند و تفسیر و تبلیغ کند؟

۱۹. اگر چیزی پرسیدند که نمی‌داند، با صراحت بگوید : نمی‌دانم. و بدون هیچ غرضی افراد را به کسانی معرفی کند که آشنا و دانایند.

۲۰. مردم را متوجه سازد که راه شناخت دین، علم و تقوا، عالم،



و ترویج نکند لذا
گوینده و نویسنده و
خواننده آنها را برای
رضای خدا تخطئه کند و
کتابهای مشتمل بر
مطالب بی‌اساس را ترویج
نکند و از آن‌ها نقل
نماید و اگر خودش
خبره و کتابشناس نیست،
به اهل خبره رجوع کند

احتمال دهد مردمی
دانایتر از او در مجلس
حضور دارند و بدانند که
دانشمندانی در لباس
عمومی مردم بسیارند
۲۶. اگر از مردم
انتظار دارد به قیامت
و حساب یقین داشته
باشند، خودش هم لااقل
احتمال بدهد که قیامتی
و حسابی در کار است
۲۷. از مردم توقع ع
نداشته باشد او را
برخود مقدم بداند. در
مجالس، هر جا خالی بود
بنشیند و خود و دیگران
را در فشار قرار ندهد
و بداند که علم و تقوا
و فضایل روحی و علمی
او با نشستن در اینجا
و آن‌جای مجلس، جایی
نمی‌رود.

۲۸. هر امر تازه و
شگفتی را که از
دروغگویان شنیده به
عنوان این‌که برخی از
بزرگان چنین گفته‌اند
برای مردم نقل نکند.
متأسفانه این هم هنر
شده که «از بزرگان
شنیده‌ام!».

۲۹. آنچه را
می‌گوید، خود باور
داشته باشد و آنچه را
خودش باور ندارد، هر
چند مشتری زیاد دارد،
نگوید.

۳۰. اشعاری را که
مشتمل بر زیاده روی و
غلو در حق امامان و
احیاناً مشتمل بر شرک و
موجب کفر است، نخواند



تکثیر نسل

در فرهنگ اسلامی

سید جواد حسینی

تغییر ندادیم . امروز باید این خطا را جبران کنیم .

کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود . . . در این سیاست تجدید نسل، حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد . این مسئله افزایش نسل و اینها جزء مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگساز ی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند . رقم صد و پنجاه میلیون و دویست

در اسلام، خصوصاً تشیع، تکثیر نسل یک استراژی درازمدت و دایمی است که بر آن تأکید فراوان شده است؛ ولی گاه ضرورتها ایجاب می‌کند که بر این مسئله تأکید بیشتری شود و در واقع اعلام خطر شود که عدم توجه به ازدیاد نسل و کنترل موالید برای جامعه خطر جدی خواهد داشت.

رهبر فرزانه انقلاب در این زمینه این‌گونه اعلام خطر فرمودند :
«... آن‌طوری که افراد متخصص و عالم و کارشناس علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تجدید نسل وجود داشت، رسیدیم . از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر

میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم.»

معظم له در جای

دیگر خاطرنشان

کرده اند: «البته اجرای سیاست کنترل جمعیت در اوایل دهه هفتاد کار صحیحی بود؛ اما ادامه آن از اواسط دهه هفتاد اشتباه بود و مسئولین کشور و از جمله رهبری در این اشتباه سهمیم هستند و باید از خداوند طلب عفو کنند.»^۲

ارائه آمار و ارقام

بر اساس مبانی علم

جمعیت شناسی، کم ترین

نرخ باروری که ضامن

بقای خانواده و جامعه

است ۲/۱ فرزند به ازای

هر زن می باشد.

رئیس مرکز مطالعات

و پژوهشهای جمعیتی

آسیا و اقیانوسیه

می گوید: «با مراجعه به

ارقام مرکز آمار ایران

و سازمان ملل در سال

۱۳۸۵ ش این رقم برای

کل کشور ۱/۸ فرزند

است؛ یعنی ۱۸ فرزند

جایگزین ۲۰ نفر والدین

می شوند ۲ نفر کم تر از

حد جانشینی است. این

رقم در حال حاضر (سال

۹۱ و ۹۲) به حدود ۱/۶

فرزند برای هر مادر

رسیده است. (یعنی به ازای هر زن و مرد یک ممیز شش دهم فرزند جایگزین می شود). این در حالی است که کشورهایمانند انگلیس، فرانسه و آمریکا (همانهایی که ما را به خاطر کنترل موالید تعریف و تمجید و تشویق کردند) دارای نرخ باروری بیش از ایران هستند. نرخ باروری این سه کشور به ۲/۱ فرزند رسیده است و پیشبینیها افزایش آن را در سالهای آینده نشان می دهد.

زنان ایرانی در

فرزند آوری، رتبه ۱۴۴

جهان را دارند، در

حالی که اسرائیل با

رتبه ۷۵، آفریقای

جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶،

ترکیه ۱۱۰، فرانسه

۱۱۸، آمریکا ۱۲۲،

انگلیس ۱۳۷ در مکانهای

بالا تر از ایران قرار

می گیرند.»^۳

و در کنار آن این

نکته نیز قابل توجه

است که ما شاهد تفاوت

نرخ رشد جمعیت در

استانهای مرکزی و

حاشیه ای هستیم. به

طوری که نرخ رشد

استانهای مرزی تقریباً

حدود ۵ برابر نرخ رشد

جمعیت مرکزی است. با

توجه به اختلافهای

۱. بیانات رهبری در دیدار

کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی،

۱۳۹۱/۷/۲۰ ش.

۳. سایت مشرق، ره توش ۵،

محرم، ۱۴۳۴ ق، ص ۲۷.

تلاش جمعیت‌افزایی دشمن
 دشمنان، خصوصاً غربیان، ما را به کنترل موالید تشویق می‌کنند و از ایران به خاطر این مسئله تشکر کرده‌اند؛ ولی خود به دنبال تکثیر نسل و جمعیت خویش هستند! نرخ فرزند آوری در ایران ۲۰ پله از آمریکا پایین‌تر است و اسرائیل دو برابر نرخ فرزند آوری ایران را در اختیار دارد. نرخ باروری در ایران پایین‌ترین مقدار در میان کشورهای مسلمان است. و رغیب اروپایی ایران؛ یعنی آلبانی با رقم ۱/۵ است. تعداد فرزندان در يك خانواده ایرانی کم‌تر از تعداد فرزندان در خانواده‌های انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و اسرائیلی است؛ یعنی ما در حال حاضر از نرخ رشد جمعیت کشورهای غربی که در آنها معیارهایی چون آخرت‌مداری، تعالی‌محوری و ارزش‌انسان‌های مؤمن مطرح نیست. نیز بسیار پایین‌تر هستیم و در بین ۲۶ کشور منطقه که بسیاری از آنها با ما دوست نیستند، مقام بیست و پنجم باروری را داریم. امروزه سیاست‌مداران

قومیتی، دینی و مذهبی بین استان‌های مرکزی با حاشیه ای کشور، این مسئله می‌تواند نگاهی جدید ارائه دهد. در برخی مناطق بلوچستان خانواده‌های بین ۱۰ تا ۲۰ نفره داریم و این در حالی است که در استان تهران بسیاری از خانواده‌های جوان فاقد فرزند هستند و بسیاری از استان‌های کشور وارد رشد جمعیت منفی شده‌اند، به گونه‌ای که اگر این وضع تا ۵۰ سال آینده ادامه داشته باشد، ترکیب جمعیت برعکس وضعیت فعلی خواهد شد و اکثریت جمعیت با استان‌های حاشیه‌ای خواهد بود. «برژینسکی سیاست مدار کهنه کار آمریکایی و مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، در مصاحبه‌ای با روزنامه «وال استریت ژورنال» در سال ۲۰۰۹ م گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفتگوها با تهران را حفظ کنید. با لاتر از همه، بازی طولانی‌مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر شغل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست.»

فرزند به دنیا بیاورند و از اقدامات جلوگیری از بارداری استفاده نکنند و حتی بعد از ۴۰ سالگی نیز برای به دنیا آوردن فرزند تلاش کنند. وی تصریح کرد: هر دختری که ازدواج می‌کند، باید تلاش کند ۱۲ فرزند به دنیا بیاورد.

این خاخام یهودی زنان حاضر در این اجتماع را تشویق کرد که بر یکدیگر فشار آورند تا بعد از ازدواج بارداری خود را به تأخیر نیندازند و بین زایمان خود نیز زیاد فاصله نداشته باشند. وی درباره موضوع سقط جنین نیز صحبت کرد. «دیوید باتزری» در ادامه گفت: حتی در سن ۴۰ سالگی و پیشتر نیز به دنیا آوردن بچه ممکن است و این خطرناک نیست. وی افزود: دکترها دروغگو هستند، حرف آنها را باور نکنید. آنها به شما می‌گویند که جنین ناسالم است، این حرف آنها تن‌ها برای حفظ خود از عواقب حقوق است.

این خاخام صهیونیست افزود: گوش دادن به حرف دکترها ممنوع است، زنانی که با من مشورت داشته‌اند و فرزند خود را سقط نکرده‌اند، سالم‌ترین فرزندان را

کشورهای تأثیرگذار به دنبال رشد جمعیت خود هستند. چین با یک میلیارد و چهارصد میلیون جمعیت دست از سیاست تک‌فرزند برداشته است.

روسیه نیز سیاست افزایش جمعیت را در پیش گرفته است. «ولادیمیر پوتین» قبل از انتخابات، در دیداری با دانشگاهیان روسیه، قول داد، جمعیت روسیه در طی ۴۰ سال آینده نه تنها کاهش نیابد؛ بلکه به ۱۵۴ میلیون نفر نیز افزایش دهد.

«جورج بوش» پدر در اظهارات ی بیان کرده بود: «من هیچ‌گاه این طرح (کنترل جمعیت) را اجرا نخواهم کرد، کشور ما کشور وسیعی است و ۳۰۰ میلیون جمعیت برای کشوری مثل آمریکا کم است.»

در این میان رویکرد صهیونیستها و وهابیون نسبت به مسئله تعداد فرزندان و کنترل جمعیت نیز قابل تأمل است. «دیوید باتزری» که یکی از خاخامهای مطرح اسرائیل است، در اجتماع هزاران زن صهیونیست، در یک مراسم مذهبی از آنها درخواست کرد که دست کم ۱۲

تأکید معصومین بر تکثیر نسل

با توجه به اهمیتی که ازدیاد نسل در جهات مختلف دارد پیامبر اکرم - و همین طور امامان معصوم (۱۴ قرن جلوتر از این مسئله را به عنوان يك مسئله مهم، با ارزش، و به صورت يك استراتژی مستمر مطرح نمودند

شیخ حرّ عاملي (در «وسائل الشیعه» بابي دارد تحت عنوان «باب استحباب الاستیلا و تکثیر الأولاد» که در آن ۱۴ روایت را از رسول خدا- و امامان معصوم (م) نقل نموده است. و همین طور «مستدرک الوسائل» در بابي به همین عنوان ۹ روایت را نقل نموده است. همچنین دیگر کتب روایي بر این مسئله پای فشرده‌اند که به نمونه هایی اشاره می‌شود:

افتخار پیامبر - به زیادی امت

«محمد بن مسلم» از حضرت صادق % و او از رسول خدا- نقل نموده است که آن حضرت فرمود:

«أَكثِرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَّمُ عَدَاً»^۳

داشته اند. چندی پیش نیز یکی از خاخامهای اسرائیلی شرط ورود هر زن مؤمن یهودی به بهشت را به دنیا آوردن حداقل ۸ فرزند دانسته بود.

در حالی که همین صهیونیستها از زیاد شدن جمعیت فلسطینیها به شدت اظهار نگرانی می‌کنند و از طرق مختلف به دنبال کاهش جمعیت آنها هستند؛ از طریق قتل‌عامهای مستقیم، تزییق داروهای عقیم کننده و سرطان زاء، اخراج و تبعید و ... و در میانمار بیش از ۲ فرزند برای مسلمانان را ممنوع کرده‌اند. وهابیان نیز اقدامات مشابهی دارند. آنها طبق حکم مفتیهای خود باید چهار زن داشته باشند و تا می‌توانند فرزند به دنیا بیاورند. با يك حساب ساده و سرانگشتي می‌توان فهمید که تا چند سال دیگر جمعیت صهیونیستها و همین طور جمعیت وهابیت خارج از کشور جمعیت چشمگیری خواهد بود که اگر متولیان امر فکر اساسي نکنند، مشکلات جدی را در پی خواهد داشت

۲. وسائل الشیعه، حرّ عاملي، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بیتا، ج ۱۵، صص ۹۴ - ۹۷.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۹۶، ج ۸ (چاپ جدید، ج ۲۱، ص ۳۵۶).

۱. خبرنامه دانشجویان ایران، ۳۱ تیر ۱۳۹۱ ش.

توانستی پس از من با زنان ازدواج کنی؟ پاسخ داد: پدرم به من فرمان داد که اگر می توانی فرزندان را داشته باشی که زمین را از تسبیح سنگین نمایند، ازدواج کن. امام صادق^ع فرمود: فردای همان روز مردی نزد پیامبر - آمد و همان پرسش را مطرح کرد، حضرت - فرمود: «تَزَوَّجْ سَوْدَاءَ وَلَوْ دَأْفَانِي مُكَائِرٌ بِكُمْ الْأُمَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَال: فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ^ع مَا الْأَسْوَدَاءُ قَالَ الْقَبِيحَةُ^۲؛ با زن سوداء که فرزند زیادی آورد، ازدواج کن؛ زیرا من در روز قیامت به فراوانی مسلمانان بر دیگر امت تفاخر می کنم. راوی می گوید: از امام^ع سؤال کردم: سوءاء چیست؟ امام^ع فرمود: زن زشت منظر.»

این سه حدیث از جوانب مختلف بر مطلوبیت فراوانی اولاد دلالت دارد:

۱. تشویق به ازدواج با همسر ولود و اینکه اگر امر دایر شود بین همسر زیبای نازا، و همسر نازیبای ولود و بچه آور، دومی از دیدگاه پیامبر - مقدم است.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب الكليني، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۳۳۳.

فرزندان خود را زیاد کنید تا [فردای قیامت] به واسطه شما بر دیگر امتها افتخار نمایم.»

در روایت دیگر فرمود: «تَزَوَّجُوا فَانِي مُكَائِرٌ بِكُمْ الْأُمَّةَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ إِنْ السَّقَطُ (يَقِفُ مَحْبِطًا) عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ فَيَقَالُ لَهُ ادْخُلْ فَيَقُولُ لَا حَتَّىٰ يَدْخُلْ أَبَوَايَ قَبْلِي؛^۱ ازدواج کنید [تا فرزند

بیاورید] به راستی من به واسطه (زیادی) شما فردای قیامت بر دیگر امتها افتخار می کنم؛ حتی فرزند سقط شده (غیر اختیاری) بر درگاه بهشت با حالت ناراحتی می ایستد. به او گفته می شود: داخل بهشت شو! می گوید: داخل نمی شوم، مگر اینکه پدر و مادرم قبل از من داخل بهشت شوند.»

در صحیفه «عبدالله بن سنان» آمده است که امام صادق^ع فرمود: «مردی نزد رسول خدا - آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من دخترعمویی دارم که زیبایی و حسن دین او را می پسندم؛ ولی او نازا است. پیامبر اکرم - فرمود: با او ازدواج نکن؛ زیرا حضرت یوسف^ع هنگام ملاقات با برادرش از او پرسید: برادر! چگونه

۱. همان، ج ۱۵، ص ۹۷، ج ۱۴ (چاپ جدید، ج ۲۱، ص ۳۵۷).

۲. محبوب بودن سنگینی زمین به وسیله فرزندان که تسبیح می‌کنند - چنان که در روایت دیگری آمده است که: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَزُرُّهُ نَسَمَةً تَثْقِلُ الْأَرْضَ بِهَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیز مانع آن است که فرد مؤمن همسر اختیار کند؟ شاید خداوند فرزندی به او ببخشد که زمین را با گفتن "لا اله الا الله" سنگین نماید.»

۳. تعلیل به تفاخر بر سایر اُمّت‌ها در روز قیامت، به انبوه جمعیت مسلمانان. این امر در جامعه امروز، که فرزند کمتر را افتخار می‌دانند و کاری کرده‌اند که مادران متدین و خانه دار، از گفتن خانه دار بودن و تعداد فرزندان زیاد داشتن احساس خجالت می‌کنند، بعید می‌نماید که نشانه افتخار باشد؛ اما پیامبر خاتم - با تمام عظمت و برتری که بر اُمّت‌های گذشته و پیامبران آنها دارد، از برترین عامل برتری خود را بر اُمّت‌های دیگر، فراوانی جمعیت مسلمین می‌داند که این امر نشان از ارزش عمیق

و والای تکثیر نسل و زیادی اولاد دارد . افرادی بودند که گاه داشتن و یا وجود فرزند را امر منفی و زیان‌آور می‌دانستند مثل امروز جامعه ما که عده ای وجود فرزند، یا فرزندان فراوان را امری منفی می‌دانند . امامان معصوم) با شدت با این مسئله برخورد نموده‌اند، از جمله به این روایت توجه شود قطب راوندی نقل

کرده است که «حسین بصري» گفت: «يُنَسُّ الشَّيْءُ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ كَدْنِي وَ إِنْ مَاتَ هَدْنِي فَبَلَغَ ذَلِكَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ % فَقَالَ كَذَبَ وَ اللَّهُ نَعَمَ الشَّيْءُ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ فِدَعَاءُ حَاضِرٍ وَ إِنْ مَاتَ فَشَفِيعُ سَابِقٍ؛ بد چیزی است فرزند؛ اگر زنده بماند (انسان را) رنج می‌دهد و اگر بمیرد، انسان را غصه‌دار می‌کند. این سخن به امام زین العابدین% رسید. فرمود: به خدا سوگند! دروغ گفته است. بهترین چیز فرزند است؛ اگر زنده ماند، دعای حاضر و آماده است [وجودش و رفتار صالحش دعا برای والدین است] و اگر از دنیا رفت، شفاعت کننده ای پیش فرستاده شده است»

البته امامان، این تعلیمات را از رسول

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۵، ص ۱۱۲، روایت ۷ (۱۷۶۸۶).

خدا اکرم - آموخته اند
که فرمود: «الْوَالِدُ كَيْدُ
الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ
صَارَ شَفِيعًا وَإِنْ مَاتَ
بَعْدَهُ يَسْتَغْفِرُ لَهُ
فَيَغْفِرُ لَهُ»^۱ فرزند
جگرگوشه مؤمن است؛ اگر
قبل از (پدر) مؤمن از
دنیا رفت، شفاعت کننده
او است، و اگر زنده
ماند، برای پدر طلب
استغفار می کند، پس
خداوند او را میبخشد.»
ادامه دارد...

۱. همان، ح ۸.

تغایر دین و جامعه در زمینه

از دواج و خانواده



اداره کل مطالعات و پژوهشهای تبلیغی - علی کریمی

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده پایدار، از سنتهای بزرگ الهی و مورد تأکید دین مبین اسلام است؛ و احکام، دستورات و آداب آن در متون دینی ذکر شده؛ هر چند در صد سال اخیر به دلایلی باور و عمل جامعه نسبت به این احکام و دستورات، دستخوش تغییر شده است. از مهم‌ترین علل آن، اعمال رژیم فاسد پهلوی بوده که با کشف حجاب، ترویج اختلاط زن و مرد، گسترش اسباب تحریک جنسی و همچنین وارد کردن افکار و اندیشه‌های غربی در زمینه ازدواج و خان‌واده، موجب فساد اخلاقی بیشتر و ازدواج کم‌تر و سخت‌تر و در

نتیجه ناپایداری خانواده‌ها شده است. علت دیگر این مسئله، آداب و رسوم غلط اجتماعی است که بر مشکلات ازدواج و خانواده افزوده است. پیدایش انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران موجب احیای سنت اسلامی و در مقابل مانعی برای بروز فساد اخلاقی بود و مقداری نیز در کاهش تشریفات نادرست و تسهیل ازدواج مؤثر بود؛ اما به تدریج در طول ۳۴ سال پس از انقلاب و به خصوص دوران پس از جنگ تحمیلی، اوضاع جامعه به حالت نامطلوبی برگشته است، به طوری که در حال حاضر، فساد اخلاقی رو به گسترش نهاده و شرایط ازدواج سخت‌تر شده و در نتیجه

مواردی است که از تغایر آموزه های دین و باورهای جامعه حکایت می کند.

امروزه رسانه ها اعم از رسانه های دیداری، شنیداری، و یا مکتوب از سلامت ارتباط دختر و پسر در جامعه سخن می گویند و بسیاری از کارشناسان نیز سالم سازی ارتباطات موجود را به عنوان راه کار حل برخی از معضلات اجتماعی مطرح می کنند، به گونه ای که جوانان تصوّر می کنند رابطه دختر و پسر به دو نوع سالم و ناسالم تقسیم می گردد و رابطه سالم آنها با جنس مخالف اشکال ندارد.

حال سؤال این است: آیا این تقسیم بندی مورد تأیید دین مبین اسلام می باشد؟ و آیا بر اساس تعالیم دینی می توان رابطه دختران و پسران را به دو نوع درست و نادرست قسمت کرد؟

در پاسخ باید گفت: دین و آموزه های دینی، ارتباط دختران و پسران را، که بدون هرگونه هدف مشخص و یا تعة طرفینی باشد، ناصحیح و گناه محسوب می کنند؛ چرا که در چنین مواردی تحریک شهوت وجود دارد و براساس فتاوی فقها، نگاه و صحبت کردن

پایداری خانواده ها در معرض خطر قرار گرفته است.

در این پژوهش، افکار و باورهای مغایر با آموزه های دین مبین اسلام در زمینه ازدواج و خانواده تبیین و بررسی گردیده است. **تغایر اندیشه های اسلامی و رفتار اجتماعی**

پیش از ورود به بحث، حیطه های تغایر دین و جامعه در زمینه ازدواج و خانواده معرفی می گردد:

۱. رابطه دختر و پسر؛
۲. خویشتن داری؛
۳. مشکلات اقتصادی؛
۴. انتخاب همسر؛
۵. تحصیل و اشتغال دختران؛
۶. سن ازدواج؛
۷. ازدواج فامیلی؛
۸. دوران نامزدی؛
۹. دوران عقد؛
۱۰. تعامل همسران؛
۱۱. اشتغال زنان؛
۱۲. ارتباط زنان با نامحرم؛

۱۳. تعداد فرزندان؛
 ۱۴. تجدید ازدواج؛
 ۱۵. چند همسری و ازدواج موقت
- در ادامه به هر کدام از موضوعات فوق پرداخته می شود:

۱. **رابطه دختر و پسر**
تقسیم ارتباط پسر و دختر به «رابطه سالم و ناسالم» از جمله

شهوت آمیز با غیر همسر حرام است؛^۱ حتی اگر بپذیریم در مواردی برای پسران تحریک شهوت وجود ندارند، باز هم این ارتباط حرام است؛ چون نگاه به غیر دست و صورت نامحرم، حتی بدون قصد شهوت نیز حرام است.

سؤال:

در بعضی از موارد ارتباط پسر و دختر (به خصوص از جانب دختر)، تنها جنبه عاطفی دارد و در آن مسائل جنسی مطرح نیست، پس چرا برای او حرام باشد؟

جواب:

اولاً: هر چند در بعضی از موارد، دختر لذت شهوانی نمی برد؛ ولی نمیتوان گفت که او به لذت بردن نامشروع پسر کمک نمی کند و در دین هرگونه کمک به گناه دیگران ممنوع شمرده شده است. قرآن کریم می فرماید: [وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ]؛ «در راه گناه و تعدی به یکدیگر کمک ننمایید.»

ثانیاً: شکی نیست که در این ارتباط، احساسات عاطفی دختر بر

انگیخته می شود و از این جهت دختران لذت می برند. البته لذت عاطفی به خودی خود حرام نیست؛ اما اگر در این ارتباط، نگاه، صحبت با نامحرم و ترس از به گناه افتادن باشد، حرام است؛ یعنی اگر احتمال داده شود که چنین ارتباطی به تحریک شهوانی منجر می شود، از همان ابتدا حرام است. رابطه عاطفی دختر و پسر از مواردی است که چنی ن ترس و احتمالی در آن نهفته است؛ چون ارضای عاطفی منجر به دل بستگی می شود و دختر به رابطه بیشتر با طرف مقابل تمایل پیدا می کند و به مرور زمان صحبت و نگاه های آنان نیز گناه آلود می شود و حتی ممکن است این علاقه موجب شود تا دختر به درخواست طرف مقابل در مورد تماس و رابطه بدنی، پاسخ مثبت دهد و معلوم است وقتی چنین ترس و احتمالی وجود داشته باشد، طبق فتوای که ذکر شد، این رابطه از اول حرام است.

بنابراین، از دیدگاه دین، رابطه سالم بین دختر و پسر نامحرم وجود خارجی

۱ توضیح المسائل مراجع، محمد حسن بنی هاشمی خمینی، جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۴۸۴، مسئله ۲۴۳.
۲ همان.
۳ مائده / ۲.

۴ العروة الوثقی، السيد الیزدی، مؤسسه آل البيت، قم، ج ۵، صص ۴۸۷ - ۴۹۰.

مسائل اجتماعی، دختر و پسر می‌توانند به قصد ازدواج، رابطه برقرار کنند تا با خصوصیات رفتاری یکدیگر آشنا شوند؛ و عده‌ای از این کارشناسان این ارتباط را لازم می‌دانند. برخی از آنها نیز بر ارتباطی که با اطلاع خانواده باشد، تأکید می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد آشنایی دختر و پسر از طریق رابطه، چه با اطلاع خانواده و چه بدون آن، به دو دلیل نادرست است: اول، نقض غرض پیش می‌آید و دوم، به گناهان متعددی منجر می‌شود.

توضیح:

بیان دلیل اول:

منظور از نقض غرض آن است که ممکن است آشنایی از طریق رابطه، نتیجه‌ای بر خلاف هدف مورد نظر داشته باشد؛ هدف از آشنایی، شناخت واقعی طرف مقابل است؛ ولی در بسیاری از موارد، این هدف به دست نمی‌آید؛ چون وقتی دختر و پسر به قصد آشنایی سخن می‌گویند و با هم معاشرت و نشست و برخاست دارند، این ارتباط در دل آنها اثر

ندارد و در اکثر موارد از همان اول نادرست است؛ چون اگر لذت‌آور باشد، به دلیل تحریک شهوت حرام است و اگر فقط رابطه عاطفی ایجاد کند، به واسطه ترس از به گناه افتادن حرام می‌باشد.

سپس رابطه علمی، درسی، تحقیقاتی، کاری و... بین دختر و پسر تنها در صورتی جایز است که نه تنها لذت شهوانی نداشته باشد؛ بلکه ترس از به گناه افتادن نیز در آن نباشد. حال اگر دختر و پسری احساس کردند که به خاطر این نوع ارتباطات در معرض خطا قرار گرفته‌اند و نمی‌توانند دل و چشم خود را کنترل کنند، باید هرگونه رابطه علمی و... را قطع نمایند.

رابطه به قصد آشنایی برای ازدواج

از موارد ناهماهنگی رفتار جامعه با دستورات دینی، رابطه به قصد آشنایی برای ازدواج است که دین و کارشناسان مسائل اجتماعی در این زمینه اختلاف نظر دارند و دین آن را در اکثر موارد نادرست و کارشناسان صحیح می‌دانند.

به عبارت دیگر از نظر اکثر کارشناسان

۱. آموزش پیش از ازدواج، دکتر میر محمد صادقی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور، تهران، ۱۳۸۴، ش، ص ۱۱.

می‌گذارد و به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و به تدریج علاقه آنها شدید می‌شود و در نتیجه عیوب را نمی‌بینند و اگر هم ببینند، موقتاً نادیده می‌گیرند؛ بعد از ازدواج که از شدت هیجان آنها کاسته می‌شود نمی‌توانند عیوب یکدیگر را تحمل کنند و زندگی‌شان خراب می‌شود.

بیان دلیل دوم :

رابطه‌های که به قصد آشنایی و بدون عقد شرعی برقرار می‌شود، زمینه گناه ان فراوانی را برای طرفین فراهم می‌کند؛ زیرا هر نگاهی که بین آنها رد و بدل می‌گردد، گناه و هر صحبتی که با هم می‌کنند، حرام است؛ چرا که یا محرک شهوت است و یا اینکه ترس از به گناه افتادن در آن وجود دارد؛ پس این رابطه، حتی اگر شناخت آور هم باشد، کوله باری از گناه دیداری و گفتاری را در نامه عمل دختر و پسر ذخیره می‌کند.

بنابراین، هر گونه رابطه پسر و دختر، حتی به قصد آشنایی، خلاف شرع است و ممکن است شناخت نادرست ایجاد کند.

سؤال:

اگر آشنایی از این طریق نادرست است، پس

دختر و پسر چه طور می‌توانند با روحیات، صفات و اخلاق یکدیگر آشنا شوند؟

جواب:

اولاً: روش شناخت صفات روحی و ویژگیهای اخلاقی طرف مقابل، منحصر در ارتباط با یکدیگر نیست؛ بلکه آنها می‌توانند از طریق خانواده‌ها، دوستان، همسایگان و... با خصوصیات یکدیگر آشنا شوند. این روش، علاوه بر ایجاد شناخت درست، این خُسن را دارد که با سؤال از دیگران می‌توان فهمید مطالبی که طرف مقابل درباره خودش گفته، تا چه حد صحیح است.

ثانیاً: دختر و پسر می‌توانند طی چند جلسه در منزل دختر یا در جلسه‌ای در حضور فرد سوم، موارد لازم را جهت شناخت یکدیگر مطرح کنند. با این روش، علاوه بر اینکه یکدیگر را بهتر می‌شناسند، تبادل احساسات و دل‌بستگی نیز اتفاق نمی‌افتد و می‌توانند به دور از احساسات و با تعقل به نتیجه مطلوب برسند.

۲. خویشتن‌داری

از دیگر موارد تغایر بین آموزه‌های دینی و باورهای رایج اجتماعی، توصیه به

يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۰؛ ۱
«مردان و زنان مجرد خود همچنين غلامان و کنيزان صالح و درستکاران را همسر دهید! اگر فقير و تنگدست باشند، خدا از فضل خود آنان را بي‌نياز مي‌سازد و خدا گشايش دهنده و آگاه است. و کسانی که نکاحی نمی‌يابند، بايد عفت پيشه کنند تا زمانی که خدای متعال آنها را از فضل خود بي‌نياز سازد.»
این آیه شریفه ابتدا ازدواج افراد مجرد را توصیه می‌کند؛ و سپس خويشتن داری را برای کسانی که نمی‌توانند ازدواج کنند، راه چاره می‌داند؛ بنابراین طبق منطق قرآن، زمانی که فرد نیاز عاطفی و جنسی دارد، در اولین قدم باید برای ازدواجش اقدام شود و در صورتی که توان نداشته باشد، وظیفه او خويشتن داری است.
سؤال:

امروزه به دلیل وجود برخی مشکلات اقتصادی و ضعف مالی خانواده‌ها، باید اکثر دختران و پسران را به خويشتن‌داری کرد، وگرنه در صورتی که شرایط اقتصادی آنها مناسب

خويشتن داری به جای ازدواج است.
وقتی نو جوان به بلوغ جنسی می‌رسد و احساساتش نسبت به جنس مخالف تغییر می‌کند، نخستین توصیه ای که توسط ديگران به او می‌شود آن است که از جنس مخالف دوری و صحبت و نگاه خود را نسبت به او کنترل کند و حتی زمانی که به حرام می‌افتد، باز هم به او توصیه‌های سلبی می‌کنند و حرفی از راه ارضای حلال جنسی و عاطفی نمی‌زنند و می‌گویند سالهای سال باید صبر کند تا صلاحی ت ازدواج پیدا کند.

امروزه باور اکثر قریب به اتفاق نوجوانان و جوانان همین نکته است؛ در صورتی که این مطلب بر خلاف منطق قرآن کریم می‌باشد که اول به ازدواج توصیه می‌کند و چنانچه توان آن نباشد، سپس به خويشتن داری سفارش می‌نماید:
قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۚ وَلَيْسَتَغْفَىٰ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ

و دیگران نیز نه تنها اقدامی انجام نمی‌دهند؛ بلکه ازدواج آنان را نیز صحیح نمی‌دانند؛ چون طبق باور آنها، ازدواج هزینه‌هایی دارد و آمادگی اقتصادی برای انجام آن لازم می‌باشد. این تفکر، باور اکثر مردم و کارشناسان است در صورتی که دین، نظر دیگری دارد و ازدواج را نه تنها عامل فقر نمی‌داند؛ بلکه آن را نوعی معامله با خدا می‌داند. لذا طبق فرمایش قرآن کریم: «اگر افراد ازدواج کرده فقیر باشند، خدا از فضل خود ایشان را بی‌نیاز خواهد کرد.» پس ازدواج سبب رفع فقر است، نه تولید آن.

اینجا تفاوت دیدگاه دین و جامعه در آن است که اگر کسی بخواهد طبق منطق جامعه عمل کند، باید سالها برای فراهم کردن شرایط مناسب مالی صبر کند؛ اما کسی که طبق نظر قرآن عمل می‌کند، لازم نیست از حرکت باز ایستد؛ بلکه می‌تواند در زمان نیاز، بدون حصول شرایط مالی خاص، با توکل و اعتماد به خدا ازدواج کند، تا با عنایات الهی و به تدریج، شرایط مالی او

باشد، کسی نمی‌گوید ازدواج نکنند.

جواب:

این مطلب در مورد جوانان درست است؛ اما تمام افراد نیازمند به ازدواج، جوان نیستند؛ بلکه بسیاری از آنان در دوران نوجوانی به سر می‌برند که کسی صلاحیت آنها را برای ازدواج به رسمیت نمی‌شناسد و به همین دلیل، اگر در معرض ارتباطات عاطفی و گناهان جنسی قرار گیرند، دیگران به جای ازدواج، آنها را به خویشتن داری سفارش می‌کنند. در حالی که این توصیه جامعه به نوجوانان، خلاف نظر قرآن است و قرآن کریم، ازدواج را قبل از خویشتن داری برای تمام افراد مجرد سفارش می‌نماید.

۳. مشکلات اقتصادی

در جامعه امروز، اقتصاد بر ازدواج مقدم شده است. وقتی شخصی می‌خواهد ازدواج کند، دیگران از او می‌پرسند: چه داری؟ شغل تو چیست؟ کدامین منزل را برای سکونت همسرت آماده کرده ای؟ جوانان به دلیل این نوع سؤالات، تا زمانی که شرایط مالی مناسبی نداشته باشند، برای ازدواج اقدام نمی‌کنند

بہتر شود.

البته باید توجه شود کہ ازدواج با شیوہ و سفارش دین، ہمراہ با سختیهای است؛ زیرا اولاً: روزی رسانی خدا بہ این معنی نیست کہ خدا ضمانت کردہ باشد روزی را حتماً از جایی کہ فرد می خواہد، بہ او برساند، لذا ممکن است شغلی را کہ انتظار دارد، نیابد و مجبور شود بہ شغل پایین تری مشغول شود.

ثانیاً: خدا ضمانت نکرده است کہ مقدار و اندازہ روزی در حدی باشد کہ فرد انتظار دارد، لذا ممکن است روزی دہی خدا بہ اندازہ حداقل رفع نیاز او باشد، پس نباید توقع داشته باشد کہ مثلاً مسکن مورد نظرش با تمام امکاناتی کہ می خواہد فراہم شود و مجبور باشد در منزل کوچک و با امکانات کم زندگی کند.

ثالثاً: خدا تضمین نداده است کہ روزی را موقعی کہ مردم می خواہند، برساند. آنها انتظار دارند درآمد ثابت مثلاً مہیانہ داشته باشند تا خیالشان نسبت بہ تأمین زندگی شان تا آخر عمر راحت باشد؛ ولی زمان روزی رسانی خدا طبق دلخواہ آنها نیست؛

چون خدا قول داده روزی برای زمان مصرف را برساند؛ ولی قول نداده کہ آن را زودتر از زمان احتیاج بدهد و خیال فرد را راحت کند

رابعاً: خداوند متعال امکانات مورد نیاز انسان را بہ صورت تدریجی بہ او لطف می کند نہ در قالب معجزہ یا...؛ لذا فرد متوکل باید آمادہ باشد، از صفر شروع کند و بہ حداقل اکتفا نماید. مثل اینکہ در ابتدای امر در اتاقی کوچک یا در کنار خانوادہ زندگی و بہ حداقل اثاثیہ منزل اکتفا کند تا در طول زمان با روزی دہی الہی توان مالی او تقویت شود و بتواند منزل و امکانات مورد انتظارش را تهیه کند.

بنابراین، کسی کہ با اعتماد بہ خدا ازدواج می کند، ہر چند در ابتدای زندگی بہ سختی می افتد؛ اما زودتر متاہل می شود و از ثمرات مثبت آن بہرہ مند می گردد؛ اما کسی کہ با اعتماد بہ پول خود، ازدواج می کند، گرچہ ممکن است زندگی راحت تری داشته باشد؛ اما باید مدتی طولانی برای فراہم کردن امکانات ازدواج صبر کند، لذا مجبور است

دیر ازدواج کند و از ثمرات مثبت توکل نیز محروم گردد. توکل بر خداوند برکات زیادی دارد؛ از جمله آنکه فرد را در کوران سختیها و کمبودهای مالی مجرب و قدرت مقاومت او در برابر ناملايمات را افزایش می‌دهد، از طرف دیگر دعا و مناجات او به درگاه خدا زیاد شده، خود را گدای او می‌بیند و ارتباطش با خداوند محکم‌تر شده، ایمانش تقویت می‌گردد. علاوه بر این اعتماد او از مال خود سلب شده، اعتماد به خدا در وجودش پدیدار می‌شود و از مشکلات مالی نمی‌هراسد؛ چرا که ایمان دارد خدا متعال نیازهای مادی او را به موقع تأمین خواهد کرد پس کسی که بدون توکل به خداوند ازدواج کرده، و با سختیها مواجه نبوده، قدرت تحملش افزایش نیافته و در برابر ناملايمات به راحتی سر خم می‌کند، و این فرد خود را گدای خدا نمی‌بیند و با او ارتباط محکمی برقرار نمی‌کند، و به خاطر عدم اعتماد به خدا در مشکلات و سختیهای مالی آرامش خود را از دست داده، دچار لغزش روحی و روانی می‌شود.

ممکن است بعضی بگویند: زمان توکل به خداوند گذشته است و دیگر مثل زمان قدیم، نمی‌توان با توکل به خدای تعالی ازدواج کرد؛ چرا که در گذشته مشکل مسکن، شغل و گرانی اجناس مثل امروزه وجود نداشت؛ لکن در حال حاضر به دلیل کمبود شغل، مسکن و گرانی اجناس چگونه ممکن است با توکل به خدا بتوان ازدواج کرد و امیدوار بود که خدا نیازهای زندگی را تأمین کند؟

جواب: به نظر می‌رسد شک در کار آیی «توکل» به این دلیل است که سؤال کننده توجه ندارد نتیجه توکل به خدا، الزاماً تأمین شغل، مسکن و امکانات در حد انتظار نیست؛ بلکه ممکن است فرد مجبور شود از صفر شروع کند و به حداقل انتظارات اکتفا نماید تا به تدریج وضع زندگی مالی او بهتر شود. شاید کسی بگوید: در شرایط کنونی تأمین نیاز حداقلی نیز ممکن نیست؛ چون جوانان مجرد هرچند تلاش می‌کنند اما کم‌تر موفق می‌شوند تا شغل، مسکن و امکانات لازم را کسب کنند.

جواب: باید توجه داشت که مقایسه فرد

متأهل با فرد مجرد
درست نیست؛ زیرا اولاً
انگیزه افراد متأهل
برای تلاش، بسیار بیشتر
است. ثانیاً به خاطر
نیاز، حاضر هستند هر
شغلی را، هرچند سطح
پایین، بپذیرد. ثالثاً
پولی را که به دست
می آورد، بیهوده خرج
نمی کند و برای موارد
اولویت دار پس انداز
می کند. رابعاً خانواده
و اطرافیان متأهل،
برای کمک به آنان
انگیزه بیشتری دارند.
نتیجه اینکه اگر
جوانان با توکل به خدا
به سمت ازدواج حرکت
کنند و در این مسیر
خود را برای سختی
آماده نمایند و قبول
کنند که به حداقلها در
زندگی اکتفا کنند و از
انجام هیچ شغلی ا با
نداشته باشند و در راه
تأمین مسکن نیز از
ابتدا توقع خانه مستقل
نداشته باشند، بعد از
ازدواج، انگیزه خود و
اطرافیانشان برای کمک
جهت سامان یافتن زندگی
آنها زیادتر می شود و
خدا نیز از جایی که
انتظار ندارند یاریشان
می کند و تدریجاً زندگی
آنها بهتر می شود.
ادامه دارد...

دشمنان فرهنگی

امامان شیعه علیهم السلام

جریان فکری خوارج

۱



سید محمد امام (جزایری)

مقدمه

در طول تاریخ اسلام، همواره شیعیان مورد آزار، تعقیب و ستم حاکمان ظلم و جور و حتی برخی افراد کج اندیش بوده اند، در اینجا با نگاهی دقیق، برخی از دشمنان فرهنگی تشیع را بر می شمیریم و جریانهای فکری را که از دشمنیهای آنها به وجود آمد، بررسی خواهیم کرد.

۱. خوارج و تکفیر

بعد از جنگ صفین، عده ای مدعی شدند امیرالمؤمنین % با پذیرش حکمیت کفر ورزیده است، و لذا از حضرت خواستند که به گناه خویش اعتراف کرده، توبه نماید^۱

امیرالمؤمنین % از قبول خواسته نامشروع آنان امتناع ورزید و در پاسخ آنان فرمود: **يا شاهد الله علي فاشهد أمنت بالله ولي أحمد من شك في الله فإني مهتد . يا رب فاجعل في الجنان** مورد

خوارج در ابتدای شکلگیری خود، بالغ بر دوازده هزار نفر بودند . در میان چهره های برجسته آنان نامی از مشاهیر عراق به چشم نمی خورد؛ بلکه آنها نوعاً از قبایل بدوی همانند «بکر بن وائل» و «بنی تمیم» بودند و بسیاری از

باقر محمودی، بیروت، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۳۶۱.
۲. همان، ص ۳۶۵ - ۳۶۹.
۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ۱۹۸۲ م، ج ۳۲، ص ۳۸۵.

۱. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: محمد

حضرت تحمیل کرده بودند، خود را نیز کافر دانسته و استغفار کردند و گمان کردند که با این استغفار به اسلام بازگشته اند؛ امّا امیرالمؤمنین% که به توبه و استغفار تن نمی داد، کافر محسوب شده، امام جائر است و خروج بر چنین امامی از نظر آنان واجب بود پاسخ امیرالمؤمنین% به این شبهه اساسی خوارج را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. علت پذیرش

حکمت
: امیرامیرالمؤمنین % فشار خوارج را علت اصلی پذیرش حکمت معرفی کردند و فرمودند: هنگامی که آنان (مردم شام) از روی مکر قرآنها را بر نیزه زدند، آیا شما نبودید که گفتید: آنان برادران و همکیشان ما هستند، از ما عذر خواسته اند و به کتاب خدا پناه برده اند، پس بهترین کار این است که از آنان بپذیریم و رهایشان کنیم؟ من به شما گفتم: این کاری است که ظاهر آن ایمان و باطنش عدوان و اولش رحمت و آخرش ندامت است. در کار خود استوار باشید و در راهتان محکم دندانهایتان را برای

افراد این جمعیت را افراد فریب خورده و ساده لوح تشکیل می دادند که با مواجهات منطقی امیرالمؤمنین % و پاسخ گویی به شبهات، از عقیده باطل خود برگشتند و فریاد: «التوبة التوبة» سر دادند.^۱ خوارج نه شبهه را مطرح کردند که امیرالمؤمنین% به آنها پاسخ روشن و منطقی داد. مهم ترین آن شبهات را می توان بدین صورت تقریر نمود.

الف (قرآن

می فرماید: [إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ]؛^۲ «حکم منحصرأ از آن خدا است.» طبق این آیه، امام % نباید رضایت می داد که رجال در کار دین حکمت کنند، پس با قبول حکمت رجال در دین، حضرت - العیاذ بالله - مرتکب گناه کبیره شد و کسی که گناه کبیره ای را انجام دهد، کافر است، مگر اینکه توبه کند، لذا امیرالمؤمنین% باید از این گناه کبیره ای که (به زعم آنان) مرتکب شده، توبه نماید. البته از آنجا که خودشان حکمت را به

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۳۳، ص ۳۹۶ - ۳۹۷.
۲. انعام / ۵۷؛ یوسف / ۴۰ و ۶۷.

۳. کافر شدن مرتکب

گناه کبیره :
 امیرالمؤمنین % در ردّ این عقیده خوارج (که امام مرتکب گناه کبیره و کافر است) فرمود:
 ... می‌دانید رسول خدا - زناکننده‌ای را که همسر داشت، سنگسار کرد و بعد بر او نماز گزارده، میراثش را به کسان او داد. قاتل را می‌گشت و ارث وی را بین وارث تقسیم می‌کرد، و دست دزد را می‌برید و زناکننده بی همسر را تازیانه زد. سپس از مالی که مسلمانان به غنیمت آورده بودند، بین ایشان تقسیم کرد و آنان نیز زنهای مسلمان را به نکاح خود درآوردند، پس (اگر زنا، آدم‌کشی و دزدی که گناه کبیره است، موجب کفر می‌گشت، پیغمبر اکرم - بر زنان ی نماز نمی‌خواند و ارث او و قاتل را به کسانش نمی‌پرداخت و یا بر زناکننده بی همسر و دزد دست بریده از غنیمت سهم نداده و آنها زنهای مسلمان را به نکاحشان در نمی‌آوردند؛ زیرا نماز خواندن بر کافر جایز نیست و کفر از جمله موانع ارث

جهاد بفشارید و به سخن هر بزچرانی گوش فرا ندهید که اگر اجابت شود، گمراه می‌کند و اگر رها شود، خوار می‌گردد.^۱

۲. حکم قرار دادن

رجال در امر دین :
 امیرالمؤمنین% در این رابطه فرمود: ما مردان را حاکم قرار ندادیم؛ بلکه قرآن را حاکم کردیم و این قرآن خطی است نوشته شده میان دو جلد که به زبان سخن نمی‌گوید و ناچار برای آن مبینی لازم است و مردانند که از آن سخن می‌گویند و...^۲

حضرت در جای دیگر

ضمن خطبه ای می‌فرماید:
 رأی بزرگان شما بر این قرار گرفت که دو مرد (ابو موسی اشعری و عمرو بن عاص) را برگزیدند (تا بین حق و باطل حکم کنند) و ما از ایشان پیمان گرفتیم که طبق قرآن عمل کرده، از آن تجاوز ننمایند. زبانشان با آن بوده و دلشان پیرو آن باشد.^۳

۱. الاحتجاج، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، تحقیق: ابراهیم البهادر، و محمد هادی، اسوه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۳۹ - ۴۴۰.

۲. همان، ص ۱۸۶، و همچنین ر.ک: سیره ائمه اطهار) در برخورد با اندیشه‌های مخالف، غلامحسین محرمی، پرتو ولایت، قم، ص ۱۹۲ - ۱۹۳.

۳. نهج البلاغه، ترجمه و شرح

سید علی نقی فیض الاسلام، چاپ افسس، تهران، ۱۳۵۱ ش، خطبه ۱۷۶، ص ۵۷۸.

و بردن و همسری با زن
مسلمان و بهره بردن از
غنیمت است). رسول خدا -
ایشان را (کافر
ندانسته؛ بلکه) به
گناهانشان گرفته، حق
خدا را درباره آنان
جاری ساخت و از بهره
آنها از اسلام جلوگیری
نمود و اسمشان را از
بین مسلمانان خارج
نفرمود. ^۱ (پس اگر شما
خود را مسلمان و پیرو
این پیغمبر می دانید،
چرا به محض توهم گناه،
مسلمان را کافر
دانسته، جان و مالش را
مباح می‌پندارید؟)
البته این استدلال
امیرالمؤمنین % به
خوارج برای اصلاح عقیده
آنان و جلوگیری از
بدعتگذاری در اسلام
بود؛ چراکه اگر قرار
باشد هر کس که مرتکب
گناه کبیره شود، کافر
قلمداد گردد، بسیاری
از مسلمانان کافر
قلمداد خواهند شد؛ لکن
امیرالمؤمنین% گناهی
مرتکب نشده بود که
بخواهد عدم کفر خود را
ثابت کند. خود حضرت
درباره اینکه گناهی
مرتکب نشده است،
فرمود: آیا بعد از
ایمان آوردن من به خدا
و جهاد به همراهی رسول
اکرم- (در جنگها) کفر

و خطا را بر خود گواهی
دهم؟ پس در این هنگام
(با اقرار بر خطای
خویش) گمراه شده، از
راه راست قدم بیرون
نهاده ام! پس، از
بدترین راهی که قدم در
آن نهاده‌اید، برگردید
(از این راه باطل
برگشته، دیگر باره این
سخنان زشت را نگویند)
و به جایگاه اصلی خود
بازگشت نمایید (از
راهی که رفته اید به
جای خویش برگشته، از
حق پیروی کنید)...! ^۲
با اینکه سخنان
منطقی امیرالمؤمنین %
موجب شد که از مجموع
دوازده هزار نفر
خوارج، هشت هزار نفر
توبه نمایند؛ اما چهار
هزار نفر از ایشان
همچنان بر عناد خود
باقی ماندند و دشمنی
با امیرالمؤمنین % را
بر سازش با ایشان
ترجیح دادند.
امروز خوشبختانه از
آن فرقه متحجر جز نامی
باقی نمانده و فرقه
«اباضیه» که شاخه‌ای از
خوارج هستند و در عمان
و شمال آفریقا پیروانی
دارند، دشمن امامان
شیعه نیستند؛ بلکه حتی
در اصل تبری خوارج از
امیرالمؤمنین% تردید
کرده، در نوشته های
اخیر برخی از آنها به

۲. همان، خطبه ۵۷، ص ۱۴۸.

۱. همان، خطبه ۱۲۷، ص ۳۹۳ - ۳۹۴.

آن حضرت اظهار ارادت شده است.^۱
اندیشه خارجی‌گری
 بحث پیرامون خوارج را با سخنانی از شهید مطهری (به پایان می‌بریم). ایشان می‌فرماید: «خوارج، شعارشان [لَا حَكَمَ إِلَّا لِلَّهِ] از بین رفته و مرده است؛ امّا روح مذهبشان کم و بیش در میان بعضی افراد و طبقات همچنان زنده و باقی است. بعضی از خشک مغزان را می‌بینیم که جز خود و عده ای بسیار محدود مانند خود، همه جهان را با دید کفر و الحاد می‌نگرند و دایرة اسلام و مسلمانی را بسیار محدود خیال می‌کنند و... وقتی علی% تکفیر بشود، تکلیف دیگران روشن است؛ بوعلی سینا، خواجه نصیر الدین طوسی، صدر المتألّهین شیرازی، فیض کاشانی، سید جمال الدین اسدآبادی و اخیراً محمد اقبال پاکستانی از کسانی هستند که از این جام جرعه ای به کامشان ریخته شده است.»^۲ شاید بتوان گروه‌های تکفیری

وّه‌ابی که امروز بسیاری از مسلمانان را تکفیر می‌کنند، تداوم این اندیشه دانست.

۲. هواداران عثمان

افراد این فرقه پس از کشته شدن خلیفه سوم و به ویژه بر اثر تبلیغات امویان، قائل به مظلومیت خلیفه مقتول شدند و معاویه را (به دلیل اینکه خود را خون‌خواه عثمان می‌دانست) به عنوان امیر پذیرفتند و بدین ترتیب، در مقابل حکومت امیرالمؤمنین % ق رار گرفتند. بنابر قولی «نعمان بن بشیر» پس از کشته شدن عثمان در خفا به خانه وی رفت و پیراهن خونینی را که اثر انگشتان عثمان بدان نقش بسته بود، برداشت و در مسجد دمشق آویخت و حضرت علی% را مسئول خون عثمان معرفی کرد. سپس عده ای مهاجر و انصار به وی پیوستند و با م عاویه در متهم ساختن حضرت % به قتل هم‌داستان گشتند، که به عثمانیه معروف شدند.^۳

۳. تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم هجری، محمد جواد مشگور، انتشارات اشراقی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۴ و ۲۵؛ همچنین ر.ک: تاریخ تشیع، سید احمد رضا خضری، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت)، تهران، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۲۹.

۱. تاریخ خلفاء جلال الدین سیوطی، مکتبه المثنی، بغداد، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ق، ص ۶۱۷.

۲. جاذبه و دافعه علی %، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ شصت و هفتم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

دفن شود و حسن در اینجا؟
 هواداران در زمان بنی‌امیه و خصوصاً هنگام حکومت معاویه، با اهل بیت) وارد عرصه مبارزه فرهنگی شدند. معاویه نیز برای پیشبرد اهداف خود با این گروه ارتباط تنگاتنگی داشت و عرصه را برای آنان فراهم ساخت تا به جعل حدیث علیه اهل بیت) و تمجید از بنی‌امیه پردازند. سیاستی که معاویه (در برخورد با حدیث) برای پیشبرد اهداف خود اتخاذ کرد، به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. سیاست منع حدیث و نهي از نقل و نگارش آن، به ویژه احادیثی که به مناقب و فضایل خاندان پیامبر- (خصوصاً شخص امیر المؤمنین%) و رذایل معاویه و بنی‌امیه مربوط می‌شد.
۲. تحریف لفظی و معنوی احادیث و تغییر در پاره ای مضامین و مفاهیم روایات به وسیله جاعلان حدیث و مزدوران دین فروش به منظور بهره گیری از آنها به نفع حکومت معاویه انجام شد.

اگرچه تشکیل عثمانیه با اقدامات معاویه همراه بود؛ اما پیدایش آنان به عصر عثمان و زمان قتل او که با بیعت حضرت علی% توأم شد، باز می‌گردد. مقدسی معتقد است که بنی‌امیه و عثمانیه از صحابه، از بیعت با حضرت علی% تخلف کردند.^۱ عثمانیه پس از سال ۴۱ ق، کار تبلیغاتی علیه آن حضرت را به طور گسترده شروع کرده، به سب و لعن امیرالمؤمنین% پرداختند و به جای وحدت اسلامی، کینه های عمیق مذهبی - سیاسی را حاکم کردند. آتش این فرقه باعث شد که بسیاری از دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین% همچون «حجر بن عدي» و «محمد بن ابی بکر» به جرم دوستی با حضرت به شهادت برسند. مروان - که یکی از افراد این فرقه بود - از دفن شدن جسد مطهر امام حسن مجتبی% در کنار مرقد مطهر جدش (پیامبر اکرم -) جلوگیری کرد و گفت: نمی‌گذارم (امام حسن%) در اینجا دفن شود. عثمان در «حش کوكبیه»

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار الاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۷ ق، ج ۱۶، ص ۱۳.

۱. البدء و التاريخ، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۲۰.



مسائل شرعی و احکام نقلی کند، به هیچ وجه جرأت پیدا نمی کرد آشکارا نام وی را بر زبان آورد و بگوید : «**حدّثني علي كذا و كذا**» یا «**سمعت عن علي كذا و كذا**»؛ بلکه باید می گفت : «**روي عن ابي زينب أنه قال كذا و كذا...**» اگر عنایت خدا در کار نبود، در اثر آزار، شکنجه، حبس، تبعید و انواع سختگیریهایی معاویه و دیگر خلفای بنی امیه، فضایل حضرت علی % آن گونه از ذهن، زبان و زندگی مردم حذف می شد که گویا خدا هرگز چنین فردی را نیافریده است.^۳ این در حالی است که «ابو هریره» و امثال او با جعل حدیث، امیرالمؤمنین % و پیروان آن حضرت را مورد طعن قرار می دادند، لذا مردم را از گرد اهل بیت (پراکنده می ساختند و در همین راستا احادیث فراوانی در فضیلت عثمان، معاویه و هر کس که با این خاندان سر و سَرّی داشت، از ناحیه ابو هریره روایت شده است.^۴ برای نمونه، وی

۳. جعل احادیث دروغین و روایات بی اصل و اساس و نسبت دادن آنها به پیامبر - و اصحاب آن حضرت در راستای تحکیم و تثبیت مقام خلافت و موقعیت خود از دیدگاه های مخالفان فرهنگ علوی بود.^۱

از بارزترین عناصری که با معاویه پیمان بستند و از بنی امیه طرفداری کرده، اسلام اموی را در برابر اسلام محمدی قرار دهند، عبارتند از: عمرو بن عاص، عایشه، مغیره بن شعبه، ابو هریره، سمره بن جندب، انس بن مالک، زید بن ارقم، اشعث بن قیس، جرید بن عبد الله اینها این امتیاز را در بین مردم داشتند که همگی از صحابه پیامبر- به شمار می آمدند، لذا معاویه از آنها برای پیشبرد منافعش بهره جست.^۲

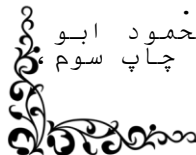
«ابن ابي الحديد» به نقل از «ابو جعفر اسکافي» می گوید: «اگر کسی می خواست حدیثی از حضرت علی % حتی در

۱. ر.ک: فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث، تابستان ۷۹، ش ۱۶، نادرعلی عاشوری تلوکی، سرگذشت حدیث دردوره معاویه، ص ۱۱۳.

۲. شمشیر و سیاست مبارزه اسلام نبوی و اسلام اموی، صالح الوردانی، ترجمه سید جواد مهري، ص ۲۷۹.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، ج ۱، ص ۳۶۱.

۴. شيخ المضيرة، محمود ابو ريه، دار المعارف، چاپ سوم، ریه، ص ۲۰۹ - ۲۱۰.



لفظي و معنوي احاديث
توسط امويان، به ذکر
چند نمونه اکتفا
ميکنيم:

(الف) تحريف لفظي :

«معاويه به سمره بن
جندب صد هزار درهم
پيشنهاد کرد تا بگويد
که آيه [وَمِنَ النَّاسِ مَن
يُغْوِيكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ
مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُ
الْخِصَامِ]؛ «و از مردم،

کساني هستند که گفتار
آنها در زندگي دنيا
مايه اعجاب تو ميشود و
خداوند بر آنچه در دل
(پنهان مي‌دارند) گواه
است (در حالي که) آنان
سرسخت ترين دشمنانند.»
در شأن کفار و مشرکان
است، در شأن حضرت علي%
نازل شده است و آيه [و
مِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ]؛
«بعضي از مردم (با

ايمان و فداکار، همچون
حضرت علي% در ليلة
المبيت، به هنگام
خوابيدن در جايشگاه
پيغمبر- جان خود را در
برابر خشنودي خدا
ميفروشند و خدا نسبت
به بندگان مهربان

است.» که در خصوص امام
علي% نازل شده، مربوط
به «اين ملجم مرادي»،
قاتل آن حضرت است
سمره بن جندب آنقدر

گفته است : از رسول
خدا- شنيدم که فرمود :
خداوند سه کس را امين
وحي خويش قرار داده
است : من و جبرئيل و
معاويه.

اما معاويه نه تنها
ابو هريره و امثال وي
را از نقل حديث منع
نکرد؛ بلك ه آنها را
مشمول الطاف، عطايا و
طعامهاي مرغوب خويش
ساخت.

همچنين «ابو جعفر
اسکافي» ميگويد: «عمرو
عاص روايتي درباره
علي% نقل کرده است که
«بخاري» و «مسلم» نيز
در صحيح خود با سند
متصل به وي روايت
نموده اند که گفت :

شنيدم پيغمبر -
ميفرمود : اولاد ابو
طالب دوستانه براي من
نيستند، دوستان من
خداوند و مؤمنان
شايسته اند!« البته
نقل چنين دروغهايي از
عثمانيها عجيب نيست؛
زيرا آنان همواره كينه
اهل بيت (را در دل
داشتند.

در ارتباط با تحريف

١. اضواء علي السنة
المحمدية، ابو ريه، ص ٢١٥.
٢. ر.ك: ابو هريره و
احاديث ساختگي، علامه
عبدالحسين شرف الدين، ترجمه
نجفلي ميرزاوي، انتشارات
هجرت، قم، چاپ اول، ١٣٧٢ ش،
ص ٥٠.
٣. ر.ك: النص و الاجتهاد،
شرف الدين، ص ٣٣٦.

٤. بقره / ٢٠٤.

٥. همان / ٢٠٧.

عمّار! تو را آن دسته‌ای می‌کشند که سرکش اند.» روزی که عمّار یاسر(در جنگ صفین به دست اصحاب معاویه به شهادت رسید (از آنجایی که همگان این حدیث پیامبر - را به خاطر داشتند، منتظر بودند که ببینند عمّار در چه زمانی و توسط چه دسته‌ای کشته خواهد شد) ناگهان فریاد از همه جا بلند شد که حدیث پیامبر - درست از آب درآمد (معاویه و لشکر او همان دسته سرکشی هستند که پیامبر - در حدیث خود به آنها اشاره فرمود)؛ ولی معاویه که در شرایط حسّاس دست به دامان عمرو بن عاص می‌شد، در اینجا نیز از وی خواست تا حيله اي بيندیشد . عمرو بن عاص دست به يك تحریف معنوي زد و به معاویه یاد داد که بین افراد سپاهش شایع کند که درست است پیامبر - فرمود: عمّار را طایفه سرکش می‌کشند؛ ولی عمار را ما نکشتیم؛ بلکه عمار را علي% کشت که او را به اینجا آورد و موجبات کشته شدنش را فراهم کرد .

امیرالمؤمنین% پس از

الهجرة، قم، چ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۰۶.

با معاویه چانه زد تا بالاخره هر دو به چهارصد هزار درهم رضایت دادند و سمره به خواسته معاویه عمل کرده، آن دو حدیث را در ازای این مبلغ جعل کرد.»

همچنین معاویه حدیث مشهوری را که پیامبر اسلام - فرمود : «إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ يَخْطُبُ عَلَيَّ مِنْبَرِي فَأَقْتُلُوهُ»؛ اگر معاویه را بر فراز منبر من دیدید، بکشیدش . «دستور داد تغییر دهند . عثمانیه (طرفداران بني امیه) حدیث را بدین شکل تغییر دادند : «إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ يَخْطُبُ عَلَيَّ مِنْبَرِي فَأَقْبِلُوهُ فَإِنَّهُ أَمِينٌ مَأْمُونٌ»؛ هر گاه معاویه را بر منبر من دیدید، او را بپذیرید، که او شایسته امانت و امانتدار است»

(ب) تحریف معنوي :
پیامبر اسلام - درباره عمّار یاسر (فرموده بود : «يَا عَمَّارُ! تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ»؛ اي

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۶۱.
۲. الغدير، علامه عبد الحسين اميني، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۱۰، ص ۱۴۲ - ۱۴۵.
۳. همان، ص ۱۴۶.
۴. نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلي، تعليق شيخ عين الله حسني آرموي، مؤسسة الدار

گفتند: «الْخِلاَفَةُ بَعْدِي
 ثَلَاثُونَ سَنَةً ثُمَّ يَكُونُ
 مَلِكًا: خلافت، پس از من
 سي سال است و پس از آن
 پادشاهي خواهد بود.» و
 همچنين اين حديث
 دروغين كه: «الْخِلاَفَةُ
 بِالْمَدِينَةِ وَالْمَلِكُ
 بِالشَّام: خلافت در مدينه
 است و پادشاهي در
 شام.»^١

«ابن ابي الحديد»
 معتقد است اگرچه جعل
 حديث در نكوهش
 اميرالمؤمنين % و
 فضيلتت را براي
 بني اميه از دوره
 معاويه آغاز شد؛ امّا
 در زمان «حجاج بن يوسف
 ثقفی» شكل گسترده تري
 به خود گرفت و او به
 دستور خليفه وقت،
 گروهی را مأمور انجام
 دادن چنین اقدام زشتي
 کرد و بدین ترتیب این
 دسته از روايات جعلي
 در زمان وي زيادتر
 شد.^٢

نکته ديگر اينكه
 «جاحظ» معتزلي (ت ١٥٠
 ق) در بصره، كتاب
 «عثمانيه» را در تدوين
 و تبیین عقاید آنان
 نوشت و به زعم خود
 آرای عثمانيه را به

شنیدن تحريف معاويه
 فرمود: (با اين استدلال
 باطل) ما حمزه (سيد
 الشهدا) را كشتيم؛
 زیرا ما او را به جنگ
 آوردیم.^١

این جهل آشکار مردم
 شام از آن جهت بود که
 تحت تبليغات باند اموي
 و جعل احاديث فراوان،
 آمادگی قبول هر حرف
 باطلاي را از معاويه
 داشتند. معاويه احاديث
 زيادي به نفع خود جعل
 کرد؛ امّا جعلي بودن
 آنها به حدي آشکار است
 که بزرگان تاريخ و
 حديث اهل تسنن مانند
 «ابن عساکر» و همچنين
 «سيوطي» پس از نقل
 برخي از اين روايات،
 صراحتاً آن را رد کرده
 و «ابن کثير» در قبول
 اينگونه روايات تردید
 ميکند.^٢

معاويه به جعل
 احاديثي مبني بر فضائل
 خود نیز اکتفا نکرد و
 احاديثي را در توجیه
 سلطنت خویش جعل کرد .
 از جمله اينکه به دروغ
 از زبان پیامبر -

١. العقد الفرید، ابن عبد
 ربّه الاندلسي، تحقيق: محمد
 سعید عربان، دار الفکر،
 بيروت، بیتا، ج ٤، ص ٣٤٣.
 ٢. ر.ك: فصلنامه علمي -
 تخصصي علوم حديث، تابستان
 ٧٩، ش ١٦، سرگذشت حديث در
 دوره معاويه، نادعلي عاشوري
 تلوكي، ص ١٢٥.

٣. البداية و النهاية، ابن
 كثير، دار الكتب العلمية،
 بيروت، ١٤١٠ ق، ج ٨، ص ١٧.
 ٤. شرح نهج البلاغه، ابن ابي
 الحديد، ج ٣، ص ١٦.

هستند.^۳ «وي با رواج این نوع تفکر، باعث به وجود آمدن فرقه ضالّهای شد که مانند خوارج به خشونت پرداخته، به مقدّسات شیعیان توهین کرده و می‌کنند، و از تخریب قبرستان بقیع پا را فراتر نهاده، به کربلا و نجف تعرّض کردند و مردم آن را به خاک و خون کشیدند.

۲. کم‌رنگ شدن معارف امامان شیعه (در کتابهای عامّه: همان‌طور که می‌دانیم، حدیث جایگاه مهمی را در تفسیر قرآن تبیین سنت دارد. با نگاهی اجمالی به فقها و محدّثان مدینه، در میان تابعین که اصحاب حدیث به آنها عنایت ویژه ای دارند، می‌توان دریافت که عثمانیه تا چه اندازه توانسته در حدیث رخنه داشته باشد. افراد برجسته فقها و محدّثان مدینه در قرون اولیه عبارت بودند از:

الف) عروة بن زبیر: وي روایت می‌کند: «خاله ام، عایشه چنین گفت که: پیامبر اکرم - به وي فرموده است: اگر دوست داشتی به دو نفر از دوزخیان بنگری، این

اثبات رساند؛ امّا «ابو جعفر اسکافی» با نداشتن کتاب ارزشمند و سودمند «نقض عثمانیه» جواب دندان‌شکنی به وي داد.^۱ البته به غیر از اسکافی، کسانی همچون: حسن بن موسی نخعی، ابو الحسن علی بن الحسین بن مسعودی، شیخ مفید، احمد بن موسی بن طاووس و... ردّیه‌هایی بر این کتاب جاحظ نوشتند که امروزه از آنها جز بنده ایی از نقض «ابن طاووس» اطلاعی از دیگر ردّیه‌ها در دست نیست.^۲ لازم به ذکر است که اگرچه عثمانیه فقط تا قرن چهارم دوام آوردند؛ امّا اثرات مخرب فرهنگی آنان تاکنون ادامه دارد که بحث پیرامون آن را با ذکر دو نمونه به پایان می‌بریم:

۱. به وجود آمدن فرقه ضالّه وهابیّت: ابن تیمیه (در قرن هشتم) عثمانیها را بر علویان ترجیح داده و می‌گوید: «شیعه عثمان و نواصب، افضل از شیعیان علی

۱. ر.ک: مجلة آینه پژوهش، بهمن و اسفند ۶۹، ش ۵، عثمانیه حاجظ و نقضهای آن، سید علی میر شریفی، ص ۱۶۰.
۲. همان.

۳. منهاج السنة النبویة، ابن تیمیه، ج ۵، ص ۴۶۶.

درباره او می‌گوید: او نزد امویان جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ در شهرهای دیگر نیز فقها و محدثین زی ادی بودند که با گرایش عثمانی خود باعث شدند که بیش تر سنت‌های امیرالمؤمنین % مورد پذیرش اهل تسنن قرار نگیرد. از بارزترین آنها می‌توان «انس بن مالک» در بصره و «شقیق بن سلحه» و «قیس بن ابی حازم کوفی» در کوفه، «میمون بن مهران» در مکه، «یحیی بن معین» و «ابو خیثم ه» در بغداد و «عبد الرحمن بن عمرو» معروف به اوزاعی و «علی بن ربّاح» در مصر را نام برد.

گرایش‌های عثمانی محدثان و فقیهان مطرح اهل تسنن در قرون نخستین باعث شد که امروزه در میان عامه احادیث جعلی زیادی

دو را بنگر. عایش می‌گوید: من در این هنگام نگاه کردم، ناگهان علی و عباس را دیدم که آنجا آمده‌اند. «از این قبیل، روایات فراوانی وجود دارد که عروه و برادرش جعفر در مذمت امام علی % جعل کرده‌اند.

ب) سلیمان بن یسار:
وی در تأیید مروانیان می‌کوشید و در زمان «عمر بن عبدالعزیز» امور حسبیة بازار مدینه بر عهده وی بود.^۲

ج) عبید الله بن عبد الله: وی جزء «بنی مخزوم» است که از مدافعان سرسخت عثمان بودند.^۳

د) محمد بن مسلم بن شهاب زهري، وی طرفدار حکومت اموی بود و پدرش طرفدار عبد الله بن زبیر و خودش ملازم ولید، سلیمان، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملك و قاضی هشام بن عبد الملك . ذهبی

۴. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۶، ص ۱۳۳ - ۱۴۷.
۵. آقای مهدی فرمانیان با تکیه بر کتاب «سیر اعلام النبلاء» ذهبی به بررسی نگاه محدثان بزرگ اهل تسنن در باب عثمان و امیرالمؤمنین% در دو قرن اول هجری پرداخته است که علاقه‌مندان می‌توانند به مقاله «هفت آسمان» تحت عنوان: عثمانیه و اصحاب قرون نخستین تا ظهور احمد بن حنبل، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳۹، مراجعه فرمایند

۱. اخبار و آثار ساختگی، هاشم معروف حسنی، ص ۱۵.
۲. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، تحقیق: محب الدین بن غرامی، دار الفکر، بیروت، ۱۳۷۶ ش، ج ۵، ص ۲۷۶.
۳. مجله هفت آسمان، پاییز ۱۳۸۷، ش ۳۹، عثمانیه و اصحاب حدیث قرون نخستین تا ظهور احمد بن حنبل، مهدی فرمانیان، ص ۱۴۵.

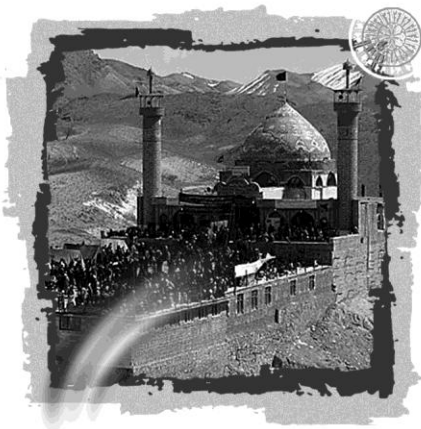
رواج داشته باشد و از فرهنگ اهل بیت) که (به قبول خود اهل تسنن، از بارزترین علمای زمان خود بودند) فاصله بگیرند. برای نمونه می‌توان به کتاب «صحیح بخاری» که حدوداً در سال ۲۵۰ ق تدوین شده اشاره کرد. «محمد بن اسماعیل بخاری» در این کتاب - که معتبرترین کتاب حدیثی اهل تسنن نزد آنان می‌باشد - با آنکه معاصر امام هادی و امام حسن عسکری بوده، هیچ حدیثی را از آن دو بزرگوار نقل نکرده و حتی از امام صادق% و شاگردان ایشان نیز حدیثی نیاورده و این در حالی است که احادیث فراوانی را از دشمنان و ناصبان امامان شیعه در کتاب خود آورده است که «ابن حجر عسقلانی» فصلی از مقدمه خویش بر صحیح بخاری را به ذکر نام راویان و رجال آن کتاب اختصاص داده و ناصبها را خاطرنشان ساخته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: اسحاق بن سوید عدوی، جریر بن عثمان حمصی، حسین بن نمر واسطی، عبد الله بن سالم اشعری، عکرمه مولی ابن عباس، عمران

بن حطّان، قیس بن ابی حازم، ولید بن کثیر بن یحیی مدنی. همچنین باید خاطرنشان کرد که بخاری تنها از ابو هریره ۴۵۰ حدیث و از انس بن مالک که به دشمنی با امام علی% معروف است، ۲۰۰ حدیث و همچنین از عبد الله بن زبیر (که پیش از این به دشمنی وی با امیر المؤمنین% اشاره کردیم) احادیث فراوانی را نقل می‌کند و از اینجا معلوم می‌شود که گرایش عثمانی تا چه میزان در محدثان قرون اولیه اهل تسنن نفوذ داشته و عموم اهل تسنن (که کتابهای آن محدثان را از معتبرترین کتابهای خود می‌دانند) تا چه اندازه از فرهنگ صحیح اسلام ناب محمدی - به واسطه کینه های عثمانی دور افتاده‌اند و این وظیفه محققان است که در جهت تقریب و رفع کینه میان امت اسلامی به عموم اهل تسنن که (خوشبختانه امروز حبّ اهل بیت) را دارند و آن را از واجبات می‌دانند) گوشزد کنند که در کتابهای

۱. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، بی‌نا، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰، ص ۴۶۱.

روايي، احاديث جعلي
فراواني رخنه کرده و
نباید این کتب را
مانند قرآن دانست؛
بلکه باید راویان را
شناسایی کرد و در صورت
اثبات دروغ پردازي
راویان، احاديث آنان
را کنار گذاشت

ادامه دارد.



زبیده خاتون بنت الجواد علیه السلام نگین شهر نراق

علی محمد مظفری

شهر کوچک و زیبای نراق از نظر تقسیمات کشوری بخشی از شهرستان دلیجان و در محدوده استان مرکزی قرار دارد. این شهر، حد فاصل شهرهای قم، کاشان و دلیجان و از مناطق کوهستانی و سردسیر است.^۱

نراق از شهرهای قدیمی و تاریخی ایران اسلامی بوده و ابن بطوطه، قدمت این شهر را ۷۰۰ سال بیان کرده است. صاحب **بستان السیاحه**^۲ نیز یکصد و

شهر گشته است: «نراق بر وزن عراق، قریه ای است قصبه مانند و محلی است خاطرپسند از توابع کاشان، آبش کم و باغاتش فراوان. آن قریه در دامن کوه اتفاق افتاد و سه طرفش فی الجمله گرفته و سمت مغربش به غایت گشاده است. قریب هزار باب خانه در اوست و چن د مزرعه، مضافات اوست و مردمش شیعی مذهب و... مولانا مهدی صاحب تصانیف مفیده از آنجا بوده است.» نراق، شهری باستانی، مذهبی، پرور و دارای مردمی ولایی است و با جمعیت ۳۶۰۰ نفری خود^۳،

۳. علی اکبر دهخدا، لغتنامه

۱. ویژه نامه کنگره بزرگداشت فاضلین نراقی*، سید محمدرضا حسینی.

۲. بستان السیاحه، زین العابدین شیروانی، نشر حقیقت، تهران، ۱۳۶۰ ق، ص ۶۰۳.

۱. ویژه نامه کنگره بزرگداشت فاضلین نراقی*، سید محمدرضا حسینی.

۲. بستان السیاحه، زین العابدین شیروانی، نشر حقیقت، تهران، ۱۳۶۰ ق، ص ۶۰۳.

خورشید نراق، بی بی زبیده
خاتون بنت الجواد&
در ذکر نام فرزندان
امام جواد%، مرحوم شیخ
مفید(در کتاب الارشاد،
در فصل «شهادة الإمام
الجواد % و اولاده»
آورده است: «و خَلْفَ
بَعْدَهُ مِنْ الْوَلَدِ عَلِيًّا
ابْنَهُ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِهِ وَ
مُوسَى وَ فَاطِمَةَ وَ أَمَامَةَ
ابْنَتَيْهِ وَ لَمْ يُخَلَفْ ذَكَرًا
غَيْرَ مِنْ سَمَائِنَاهُ ۱ و
فرزندان آن حضرت یکی
پسرش علی بن محمد است
که بعد از او امام بود
و دیگری موسی پسر
دیگرش بود، و دو دختر
داشت به نام فاطمه و
امامه، و پسر دیگری جز
آن دو که گفتیم
نداشت.» در قولی دیگر
مرحوم شیخ طبرسی (،
دختران امام جواد% را
۳ نفر نقل کرده و در
**إعلام الوری باعلام
الهدی**^۲ چنین آورده اند
که: «و مِنْ الْبَنَاتِ
حَكِيمَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ أُمَّ
كَلْبُومٍ وَ قَدْ قَبِلَ إِنَّهُ
خَلَفَ فَاطِمَةَ وَ أَمَامَةَ

۸۰ شهید گلگون کفن را
به نظام مقدس جمهوری
اسلامی تقدیم کرده است
از جمله علمای بزرگ
این دیار می توان به
مرحوم ملا محمد مهدی
نراقی و ملا احمد نراقی*
از مفاخر بزرگ حوزه
علمیه در جهان اسلام و
تشیع و نوابغ دهر در
علوم نقلی و عقلی
اشاره کرد. این شهر
دارای حوزه علمیه
الغدیر و دانشگاه آزاد
اسلامی تا مقطع عالی
علمی بوده و همچنان
بسترت ولید علم و
فرهنگ ناب اسلامی است
از جمله بقاع
متبرکه و امامزادگان
نراق، حضرت بی بی
زبیده خاتون (فاطمه
صغری)& بنت الجواد %،
امامزادگان شاهزاده
یحیی از نوادگان
امیرالمؤمنین علی %،
شاهزاده سلیمان (که
بقعه، شامل شش
امامزاده) به نامهای
هادی و سلیمان از
احفاد امیرالمؤمنین% و
مهدی، مطهر، طاهر و
حسین) از نوادگان امام
موسی کاظم% می باشند.

۱. الإرشاد في معرفة حجج الله
علي العباد، شیخ مفید،
کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳
ق، ج ۲، ص ۲۹۷.
۲. الارشاد، شیخ مفید، ترجمه
سید هاشم رسولی محلاتی،
اسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۲۸۵.
۳. اعلام الوری باعلام الهدی،
شیخ طبرسی، اسلامیه، تهران،
۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۳۵۵.

دهخدا، نشر دانشگاه تهران،
تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش،
ذیل کلمه «نراق».



**ابْنَتِيهِ وَ لَمْ يُخَلِّفْ
عَيْزُهُ**؛^۱ و دختران آن
جناب هم حکیمه، خدیجه
و أم کلثوم نام داشته
و بعضی هم گفته اند که
وی دو دختر به نام
فاطمه و امامه از خود
باقی گذاشته است. «که
در عبارت «وَقَدْ قِيلَ
إِنَّهُ خَلَّفَ فَاطِمَةَ وَ
أَمَامَةَ» مرحوم ملا احمد
نراقی (در خزائن^۲،
صفحه ۱۲۸ دختران امام
جواد را فاطمه و امامه
ذکر می کنند؛ همچنین
علامه اربلی نیز در کشف
الغمه، بر نامهای
«فاطمه و أمامة» اتفاق
نظر دارد.^۳

به ویژه فرزندان امام
جواد% به سمت ایران و
قم می دانند. ایشان در
تحلیل خود آورده اند:
همچنین زبیده خاتون
(فاطمه صغری) نیز با
تعدادی از سادات به
سمت قم آمدند؛ اما
سپاه دشمن به آنان
هجوم آوردند و ایشان
به شهادت رسیدند. قبر
شریف این بانو در شهر
نراق زیارتگاه شیعیان
است.

طبق نقل مشهور از
مردم منطقه و قدمای
نراقی، شجره نامه
گونه ای که واعظ محقق،
شیخ علی فلسفی^۴ درباره
حضرت بی بی زبیده خاتون
بنت الجواد %

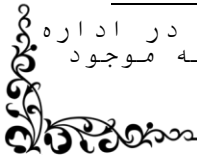
نگاشته اند، وجود
وقفیات فراوان^۵ در
مزارع مختلف شهر نراق
(از قبیل مزرعه بیدشک
بالا و پایین، لانه،
حسین آباد، گنداب و...)
جهت روضه خوانی و
عزاداری در امامزاده
زبیده خاتون &، گنبد
سابق امامزاده با قدمت
بیش از چند قرن که در
حال تخریب بوده و سایر
شواهد تاریخی و نقلی،

محقق و مؤلف محترم
اسماعیل محمدی^۴، مدیر
کتابخانه آستانه مقدسه
حضرت معصومه & در
تحلیلی تاریخی از
دوران امامت امام علی
النقی %، یکی از
رخدادهای عصر امام
هادی% را هجرت سادات

۱. زندگانی چهارده معصوم)،
عزیز الله عطاری، اسلامیه،
تهران، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۴۷۱.
۲. خزائن، احمد بن محمد مهدی
نراقی، به تحقیق علامه
حسن زاده امّلی، انتشارات
قیام، قم، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۲۸.
۳. کشف الغمّة فی معرفة
الأئمة، علی بن عیسی اربلی،
تحقیق: رسولی محلاتی، بنی
هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق، ج ۲،
ص ۳۶۲.

4 . www.jahannews.com

۵. وقفنامه ها در اداره
اوقاف و امور خیریه موجود
است.



تعقیب و در منطقه فعلی (نراق) تنها و غریب محاصره کرده و تعداد زیادی از بانوان مکرمه بنی‌هاشمیان را که در رکاب و ملتزم آن حضرت بوده‌اند به شهادت می‌رساند، مظلومیت شهادت این بزرگواران و دفن‌شدن پیکرهای مطهر آنها در اطراف امامزاده به کل منطقه که به خاک سفید معروف است فضای معنوی کم‌نظیری بخشیده است»^۱
حرم مطهر بی بی زبیده خاتون & شهر نراق دارالشفای عاشقانی است که ن ه‌تنها از داخل کشور اسلامی ایران، بلکه زائران فراوانی را از کشورهای خارجی شیفته و دل‌باخته خود کرده است. هیأتها و کاروانهای فراوانی در شبهای جمعه، موالید و شهادتهای حضرات معصومین) به‌ویژه تولد و شهادت امام جواد و امام رضا ۳ از شهرهای نراق، اصفهان، قم، کاشان، خراسان، یزد، تهران و ... به این دارالنور می‌آیند و از الطاف الهی و فضای فوق‌العاده معنوی که به واسطه نور امام جواد %

حرم مطهر حضرت بی بی زبیده خاتون (فاطمه صغری) بنت الجواد & در ۷ کیلومتری جنوب غربی شهر نراق در منطقه بیدشک واقع شده است در پایگاه اطلاع‌رسانی امامزادگان^۱ نام بی‌بی زبیده خاتون & در ردیف ۱۲۸ امامزادگان و اماکن متبرکه استان مرکزی قرار دارد. همچنین این بقعه شریف به شماره ۶۹۷۲ در آثار تاریخی ثبت شده است. در پایگاه دانش نامه اسلامی^۲ و همچنین پایگاه دانش‌نامه تخصصی گردشگری ایران^۳ نیز آمده است: «به نقل مشهور، کاروانی از سادات از مدینه به سوی ایران حرکت می‌کند که در بین آنها دختر^۹ ساله امام جواد % که از جایگاه بلندی در تقوا و علم برخوردار بوده است نیز وجود داشته است. حکومت وقت با کسب اطلاع از این مهاجرت و ترس از نفوذ سادات علوی در ایران، آنها را از مدینه

1 . www.bogha.ir.
2 . www.wiki.ahlolbait.com.
3 . www.gardeshpedia.ir.



شعائر الله، تبليغ دين
مبين اسلام و ترويج
معارف و محبت اهل بيت)
اهتمام ویژه اي داشته
است که جاي تقدير و
تشکر دارد.

كرامات و معنويت
اهل بيت) بسيار عظيم و
غير قابل وصف است؛ چرا
که به تعبیر امام
هادي% در زیارت جامعه
کبیره (ائمه) «أَصُولُ
الْكَرَمِ، وَ مَعْدِنُ الرَّحْمَةِ،
وَ أَوْلِيَاءُ النِّعَمِ» هستند
و از اینرو تصرفات و
كراماتي جزئي در عالم
ماده براي آنان امري
ناچيز بوده و چه بسا
بسياري از مراجع و
بزرگان اهل معرفت،
صاحب این كرامات جزئيه
بوده اند.

كرامات بيی

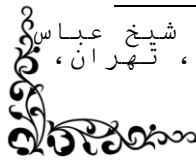
جناب حجت الاسلام
مهدي زاده نراقي در
اشاره اي به كرامات
بيبي زبیده & نقل
مي کنند که حضرت،
بسياري از بيماران
لاعلاج را شفا داده اند.
همچنين خانواده هاي
مختلفي به كرامت حضرت
صاحب فرزند شده اند.
خانمي انگليسي

بر آنجا حاکم شده، کسب
فيض ميکنند و قلوب خود
را در معرض تشعشعات
رحمت، علم، حلم، کرم و
جود بنت الجواد و اهل
بيت) قرار ميدهند.

روز شهادت بيبي
زبیده خاتون& همزمان
با اربعين سالار شهيدان
ابا عبدالله الحسين% است
که هر ساله در اين روز
از سراسر کشور عاشقان
و شيفتگان اهلبيت) خود
را به آنجا مي‌رسانند و
هيأتهاي فراواني با
پاي پياده از نراق
رهسپار حرم مطهر بيبي&
مي‌شوند و جمعيتي در
حدود ۵ هزار نفر از
سفره با برکت بنت
الجواد% به صرف نهار
پذيرايي مي‌شوند و اين
در حالي است که جمعيت
عزادار در مراسم به
بیش از ۷ هزار نفر
مي‌رسد.

روحاني و مبلغ فاضل
گرامي شيخ علي محمد
مهدي زاده نراقي توليت
و عضو هیأت امنای بيبي
زبیده خاتون & سالها
است که خالصانه پيگیر
عمران و آباداني معنوي
و مادي امامزاده است.
آن بزرگوار در برگزاري
نماز جماعت، احياي

۱. مفاتيح الجنان، شيخ عباس
قمي، نشر افق فردا، تهران،
۱۳۸۱ ش.



که آرامش جز با یاد
خدا ایجاد نمی‌شود [أَلَا
بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ]؛^۱
و حضرات معصومین و ذوی
القربای ایشان، وسایل
[وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
الْوَسِيلَةَ]؛^۲ وصول به قرب
الی الله و کسب معرفت و
محبت الله اند؛ بنابراین
توسل و تمسک به ائمه (و
فرزندان آنان صراطی
مستقیم در عبودیت و
بندگی است.

(همسر آقای حمید
امینیان نراقی) با
سرطانی که به تشخیص
اطبًا ۹۹٪ در وی اثر
کرده بود به این بانوی
بزرگوار متوسل شد .
بیماری وی به واسطه
توسل و عنایت بی بی
زبیده خاتون & به طور
کلی محو شد و آزمایش
صحت کامل، تمام پزشکان
را به حیرت آورده بود.
این خانم پس از شفا
یافتن تعداد زیادی از
لامپهای انرژی خورشیدی
را به حضرت هدیه
کردند. این لامپها در
بلندیها و گلدسته های
حرم نصب شد . او هر
ساله بنا بر نذرش به
حرم مطهر بی بی & مشرف
می‌شود و ابراز ارادت و
تشکر می‌کند . درخواست
این خانم از خادمان
این بوده است که
پارچه‌ای (یا روسری) را
به خاکهای ضریح و حرم
بی بی زبیده & تبرک کنند
و به وی بدهند تا هر
زمان که غمهای دنیا به
سراغش می‌آید، آن را
روی قلبش بگذارد تا
آرام شود.

درباره معرفت این
خانم انگلیسی، با تمسک
به آموزه های اسلام
عزیزمان اعتراف می‌کنیم

۱. رعد / ۲۸ .
۲. مائده / ۳۵ .



خط امامت و طوفانهای بنی عباس

عبدالله اصفهانی

خود وحشت را بر همه جا حاکم ساخته بود، افراد مخالف و حتی منتقدین خود را با شمشیر و یا زهر از میان برمی داشت. وی علویان و سادات را زنده زنده میان دیوارها می نهاد «محمد بن ابراهیم بن حسن» که از نظر وجاهت در زمره سادات متنفذ بود، توسط منصور احضار گردید و خلیفه به وی گفت: تو را چنان نابود کنم که هیچ کس را این گونه از بین نبرده ام، سپس دستور داد او را زنده زنده در ستونی نهادند و در این حال به شهادت رسید.

۱. الامام الصادق% و المذاهب الأربعة، اسد حیدر، منشورات دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج اول، ص ۴۳: کامل، ابن اثیر، نشر اساطی ر، تهران، ۱۳۸۵ ش، ج ۵، ص ۵۲۶.

در شماره گذشته به سیر تاریخی جنایات بنی عباس اشاره شد و با نگاهی تاریخی به موضوع «جنایات بنی عباس»، مباحثی همچون: «ابومسلم خراسانی، سردار سیاه جامگان»، «سه کانون فعالیت عباسیان» و... که به محوریت «ابومسلم خراسانی» بود ارائه گردید؛ اکنون ادامه آن مطالب تقدیم می گردد. بعد از هلاکت سفاح، منصور دوانیقی بیست و دو سال سلطنت کرد. او در همان موقعی که تظاهر به دینداری می کرد، به ستمگری، خلافتکاری و سرکوبی اهل فضیلت و معرفت

می پرداخت. دوران زمامداری او را یکی از پراختناق ترین دوران تاریخ اسلام معرفی

روز امکان‌پذیر نبود و این محبوس شدگان ناگزیر قرآن را پنج قسمت کرده و بعد از خواندن يك قسمت از آن، هر نماز پنجگانه را اقامه می‌نمودند. این ذراری رسول اکرم - در شرایط بسیار ناگوار سیاهچاله‌ها از شدت بیماری، گرسنگی و تشنگی جان می‌دادند. این خلیفه جفاگستر یکی از اولاد امام حسن^ع را احضار کرد و فرمان داد لباسهای او را پاره کرده و ۱۵۰ تازیانه بر وی زدند که یکی از آنها بر چشم این جوان هاشمی خورد و آن را از جا کند و بر صورتش آویخت، سرانجام این سید بزرگوار به شهادت رسید. وی به اعتراف خودش متجاوز از هزار نفر از اولاد علی^ع را کشت و تعداد شیعیانی که به قتل رسانیده، به حساب نیامده است. هنگامی که سادات حسنی را در زندانی محبوس ساخت «محمد بن عبد الله محض» علیه وی در مدینه قیام کرد که منصور با خدعه و نیرنگ خیزش این علوی دلاور را درهم کوبید و او و عده‌ای از یارانش را به شهادت رساند. او برادرش ابراهیم را که در بصره قیام کرد نیز به قتل رساند و این در

«قاسم بن ابراهیم طباطبا» با تهدیدهای منصور از مدینه رانده شد و از شهری به شهر دیگر می‌گریخت و با پاهای برهنه مسیرهای بیابانی و کوهستانی را می‌پیمود، به حدی که از پاهایش خون جاری می‌شد. سرانجام وی در سرزمین «سند» از توابع هندوستان اقامت گزید منصور کلید اتاقي را به عروس خود، همسر مهدی عباسی داد و از او تعهد گرفت تا وی زنده است درش را نگشاید. وقتی منصور به هلاکت رسید و آن درب گشوده شد، فرزندش مهدی کشتگانی از آل ابي طالب در آن دید که مشخصات و نسبهای آنان بر روی کاغذی نوشته و بر گوشه‌های شان آویخته شده است.

عباسیان و فرزندان امام حسن^ع

منصور عده‌ای از نوادگان امام حسن مجتبی^ع را دستگیر کرد و دستور داد آنان را با غل و زنجیر داخل کجاوه‌های بدون سرپوش و فاقد فرش سوار کنند، سپس این بزرگان را در زیر زمینی حبس نمودند که در آن تشخیص شب از

۱. النزاع و التخاصم، مقریزی، طبع ابراهیمیه، قاهره، بیتا، ص ۷۴ و ۷۶.

بخل منصور

این فرمانروای ظالم علاوه بر سنگدلی و ستمگری بسیار بخیل و تنگ نظر بود و برای جامعه اسلامی تنگناهای اقتصادی فرساینده ای بوجود آورده بود. وی اموال فراوانی از بیت المال مسلمین را در قالب گنجهایی در خزانه دربار گرد آورد و از مصرف آنها در راه عمران و آبادانی مناطق اسلامی و محرومیت زدایی امتناع می کرد. هدف او از این روش آن بود که مردم همواره محتاج، گرسنه و مبتکی به دربار باشند و آنچنان به رفع گرفتاریهای اقتصادی مشغول گردند که مجال فعالیت های سیاسی و اجتماعی و حضور در هر گونه جنبشی اعتراض آمیز را نداشته باشند. او به فرزندش مهدی توصیه می کرد: مردم را به طرق گوناگون مطیع دستگاه خلافت ساخته ام، گروهی درماندگی اقتصادی دارند و دست نیاز به سویت دراز کرده اند، عده ای تحت تعقیب ما بوده و بر جان خویش هراس دارند و گروه دیگر در زندانهای مخوف به سر می برند و آزادی خویش را از رهگذر عفو تو آرزو

— ۷۶.

حالی است که منصور در سرزمین حجاز با «محمد نفس زکیه» بیعت کرده بود؛ اما چون به قدرت رسید، پیمان شکنی کرد و چنین جنایاتی را مرتکب شد.

انتقاد ممنوع

وقتی ستم منصور از حد گذشت، شخصی به نام «ابو الجهم» گفت: ای خلیفه جهان اسلام! ما با تو بیعت کردیم که این نارواییها و ستمها را از بین ببری و عدالت و انصاف را اجرا کنی. منصور که تحمل سخن حق را نداشت، از این اعتراض و هشدار ناراحت شد؛ اما به ظاهر آن را بروز نداد تا اینکه روزی وی را برای صرف صبحانه ای دعوت کرد و شربت از بادام که آمیخته به سم بود به او خورانید، وقتی ابو جهم شربت زهرآگین را خورد و حالش دگرگون شد، برخاست که برود منصور پرسید: به کجا می روی؟ وی پاسخ داد: به جایی که مرا فرستادی، و دو روز بعد درگذشت.

۱. مروج الذهب، مسعودی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ ق، ج ۲، ص ۳۰۳؛ شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغنیه، نشر معارف اسلام، تهران، ص ۱۷؛ عقد الفرید، ق رطبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۱.
۲. النزاع و التخاصم، ص ۷۷

رسالت را در حادثه نینوا در روز عاشورا به آتش کشیدند، بنی عباس خانه امام صادق% را در حالی که او و خانواده‌اش در آن ساکن بودند، طعمه حریق ساختند و چون شعله‌های آتش به اندرون خانه سرایت کرد، امام بیرون آمد و آن را مهار ساخت.

امام در بر منصور

منصور در مدینه جاسوسانی گماشته بود تا شیعیان مرتبط با امام را دستگیر کرده، گردن بزنند. از آن سوي چون امام منصور را مصداق بارزی از حاکم ستمگر می‌دانست، یاران خود را از نزدیک شدن به دستگاه او و هرگونه همکاری با دستگاه خلافت نهي می‌کرد. همچنین شیعیان را از ارجاع امور حقوقی و قضایی خود به تشکیلات قضایی منصور باز می‌داشت و نیز به فقها و محدثان هشدار می‌داد که به دستگاه حاکمه وابسته نگردند. با وجود اختناق‌های شدید و

می‌کنند، بنابراین، وقتی زمام امور را به دست گرفت، به رفاه و آسایش عموم مردم توجهی نداشته باش.

حتی کارگزاران عالی رتبه و وزیران نیز از ستم منصور تأمین نداشتند. عیسی، فرزند موسی در برانداختن بنی حسن و سرکوبی قیام آنان، منصور را یاری کرد و به پاداش این خوشخدمتی به ولیعهدی برگزیده شد؛ اما برخلاف انتظارش، منصور او را از این مقام عزل کرد و پسر خود را به جایش منصوب نمود.

منصور در میان مخالفان، بیش از همه از موقعیت و منزلت فوق العاده امام مفترض الطاعة حضرت صادق% هراس داشت و از شدت اشتیاق مردم نسبت به ساحت مقدس آن حضرت رنج می‌برد و درباره مقام علمی و تقوای امام، حسادت می‌کرد و آن را در حال تی از بغض و کینه و گاهی بر زبان می‌آورد و می‌گفت: این شخصیت که داناترین مردم زمان خویش است، چون استخوان در گلوی من گیر کرده است. اگر بنی امیه خیمه خاندان

۲. امام صادق%، علامه مظفر، ترجمه: سید ابراهیم سید علوی، رسالت قلم، تهران، ۱۳۶۷ ش، ص ۸۳؛ مناقب، ابن شهر آشوب، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ش، ج ۴، ص ۲۵۵؛ کشف الخمة فی معرفة الائمه، اربلی، نشر بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۱.

۱. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بنگاه ترجمه و نشر، تهران، چاپ دوم، ۱۹۷۷ م، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۳.

دوران حکومت «هارون» باعث تشدید مراقبت و سختگیری نسبت به امام کاظم% گردید و این وضع به جایی رسید که کمتر کسی قادر بود حتی برای ضروری‌ترین مسائل نیز به حضرت دسترسی یابد. با این وجود امام در میان مردم یارانی اهل فضل و فضیلت داشت که حلقه ارتباط بین آن وجود مبارک و شیعیان بودند. بيم هارون از فروغ هفتم امامت و اقدامات یارانش و نیز محبوبیت آن حضرت در میان مسلمانان باعث گردید تا حضرت را با نظارتی نظامی توأم با تهدید به بغداد آورد و ایشان را ساله‌های متمادي در سیاهچالهاي بغداد محبوس کند و به احدي اجازة ملاقات با آن نور ولایت نهد و سرانجام امام را در ۱۸۳ ق به شهادت برساند.

اگر امویان در عصر عاشورا دختران و حرم رسول الله- را غارت کرده، زیورآلات آنان را به یغما بردند، هارون نیز «جلودي» نوکر خانه زاد خود را برای چپاول زینت آلات دختران و بانوان آل ابوطالب به مدینه فرستاد و چون او در درنده خویی کم‌نظیر بود، این دستور را با قاطعیت به اجرا در

فشارهایی که عباسیان بوجود آورده بودند، امام صادق% در شرایط پدید آمده، به معارف دینی و علوم اهل بیت (اهتمام فوق العاده ای به عمل آورده از خود گنجینه‌هایی گرانبها از کمالات علمی و معارف الهی بر جای نهاد. از این رو، دوران امامت آن حضرت و پدرش را عصر باروری معرفت اسلامی و احیای قرآن و سنت دانسته‌اند.

برتری معنوی و علمی آن حضرت و نیز زهد و پارسایی ایشان خود عامل مؤثری در اثبات و گسترش حقانیت شیعه و غاصب بودن دستگاه خلافت عباسی بود. سرانجام آن وجود مبارک در سال ۱۴۹ ق در سن ۶۵ سالگی توسط منصور دوانیقی به شهادت رسید.

جنايات ديگر خلفای عباسی
 خلفاي پس از منصور عباسی نیز به قتل، خیانت و شکنجه افراد و نیز ایجاد تنگناهاي شدید برای ائمه هدی، سادات، علویان و شیفتگان اهل بیت % ادامه دادند. گسترش انقلابهاي علویان و افزایش اقتدار سیاسی بنی عباس، به خصوص در

۱. اعلام الهدایة (امام جعفر صادق%)، ج ۸، مجمع جهانی اهل بیت، قم، ص ۱۹۹ - ۱۹۸.

مأمون و امامت

مأمون عباسی از روی ناچاری و به دلیل موقعیت و اهمیت شخصیت امام رضا % علی رغم تمایل ایشان، حضرت را ناگزیر و با اجبار از مدینه به مرو (مرکز خلافت عباسی) آورد و ایشان را وادار نمود ولایتعهدی را بپذیرد و امام با شرایطی آن را قبول کرد. مأمون برای شکستن موقعیت علمی و معنوی و مهابت ملکوتی امام % از راه تشکیل مجالس مناظره و مباحثه با علمای ادیان بسیار کوشید؛ ولی این نیرنگش رنگی نداشت و موفق نشد، سرانجام چاره را در این دید تا این خورشید امامت را از سر راه خود بردارد و در آخر صفر سال ۲۰۳ ق حضرت را در ۵۴ سالگی شهید نمود.

امام جواد % نیز در طول ایام امامت با شدت تحت نظر و مراقبت دستگاه عباسی بود، در این مدت قیامهای علوی همچنان ادامه داشت، توجه مردم به امام و جاذبه شخصیت با

آورد. هارون درختی را که زائران مرقد امام حسین % در سایه اش می‌آرمیدند، قطع کرد و حتی نسبت به برمکیان که وزرای خوبی برایش بودند و خدمات ارزنده‌ای ارائه دادند، نیز خدعه و نیرنگ اعمال کرد و ناگهان آنان را از کار برکنار نمود، اموالشان را توقیف و مصادره کرد و خودشان را به طرز فجیع کشت. قیام فخر که به رهبری «حسین بن علی» از نوادگان امام مجتبی % صورت گرفت، در سرزمین فخر که بین مکه و مدینه است، توسط مزدوران هادی عباسی در هم کوبیده شد، «یحیی بن عبد الله» نواده دیگر امام مجتبی % که چهره‌ای برجسته به شمار می‌رفت و از یاران امام صادق % بود و در قیام فخر فعال بود به منطقه دیلم رفت و در آنجا به فعالیت فرهنگی، تبلیغی و ارشادی پرداخت، هارون برایش اماننامه‌ای نوشت و به وی وعده‌های شیرین داد؛ اما پنهانی و با موافقت شوزای قضایی خود، این سید علوی را به شهادت رساند.^۱

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۴؛ عیون اخبار الرضا %، شیخ صدوق، انتشارات جهان، تهران، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۱۴۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴۹، ص ۱۷۹ - ۱۷۷.

۱. امام صادق %، علامه مظفر، ص ۳۹ - ۴۱؛ مقاتل الطالبین، ابو الفرج اصفهانی، منشورات مکتبه الحیدریه، نجف اشرف، بی تا، ص ۳۰۸.

صلاب ت او که حتی کارگزاران خلافت را در بر گرفته بود، باعث شد که حکومت غاصب معتصم نتواند خوشترین را از خطر در امان ببیند و در نتیجه امام را در ۲۵ سالگی شهید نمود. سپس امام هادی% به عنوان خطری جدی برای حاکمان جبار و فاسد بنی عباس به شمار آمد. کارگزاران و امامان جماعت مکه و مدینه به متوکل عباسی نوشتند: «اگر تو را به سرزمین حجاز حاجتی است، علی فرزند محمد (هادی) را از این دیار بیرون ببر که غالب اهالی را مطیع و منقاد خود نموده است.» سرانجام متوکل امام% را از مدینه به سامرا فرا خواند و نزد حاجب خود محبوس ساخت. چندی بعد امام را در محله عسکر (پادگانی نظامی) سالها تحت نظر گرفت و این وضع بیست سال ادامه داشت به دستور این خلیفه جنایتکار بارها خانه امام% بی دلیل و برای هتک حرمت مورد تفتیش و بازرسی قرار گرفت و

تمام این فشارها و تنگناها بیانگر آن است که دستگاه حکومت از وجود ایشان می ترسید و اگر آن حضرت کاری به تشکیلات عباسی نداشت، هرگز چنین مورد بیم و هراس کارگزاران عباسی واقع نمی گردید. با تمام این محدودیتها امام موفق شد معارف و مکارم قرآن و عترت را در جامعه ترویج نماید و شاگردان برجسته ای تربیت کند که نمونه بارز آنها عالم و محدث پرهیزگار حضرت عبد العظیم حسنی% است که به دلیل موضع گیریهای خود مورد تعقیب حکومت وقت قرار گرفت و در شهرها به عنوان سفیر پاکی و فضیلت در گردش بود تا آنکه به ری آمد و در خانه یکی از شیعیان مخفی گردید و سرانجام در این دیار رحلت نمود و به خاک سپرده شد. بزرگانی از اصحاب امام، آن وجود بزرگوار را در نگهبانی از فرهنگ اصیل اسلامی و تصحیح فرهنگ سیاسی جامعه یاری می رسانیدند. نقش و شخصیت امام چنان بود که با وجود زیر نظر بودن توسط حکومت، باز برای آنان قابل تحمل نبود و سرانجام آن

۱. دلائل الامامه، طبری، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۰۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۸۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی ج ۵۰، ص ۹ - ۸.

تجاوز کرده‌اند.»^۱
ایام پیشوایی امام
عسکری% بیش از شش سال
نشد و دستگاه خلافت
ایشان را به دور از
مردم زندانی کرد و زیر
نظر داشت و سخت ترین
فشارها را به ایشان
تحمیل می‌نمود. با این
وصف امام در دفاع از
ارزشهای اسلامی، ایجاد
شبكة ارتباطی با
شیعیان نواحی مختلف،
تلاشهای سري سياسي به
رغم آن کنترلهای، حمایت
مالي از یاران ویژه و
آماده سازی مردم برای
غیبت فرزند خود، امام
دوازدهم % کوشید، و
سرانجام با دسیسه
«معتد عباسی» در ۲۶۰
ق و در ۲۹ سالگی، بعد
از تحمل آن همه رنج و
سختی به شهادت رسید.^۲
آخرین خلیفه عباسی
و سی و هفتمین
فرمانروای این سلسله

پیشوای پرهیزگاری و
وارسته در ۲۵۴ ق در سن
۴۱ سالگی توسط «معتز
عباسی لعنة الله علیه» به
شهادت رسید و در دوران
حکومت متوکل گروهی از
علویان دستگیر و به
شهادت رسیدند. وی «ابن
سکیت» ادیب و یار با
وفای امام جواد و امام
هادی و راکشت. متوکل در
۲۳۶ ق دستور داد
بارگاه مطهر حضرت سید
الشهدا % و بناهای
اطراف آن ویران شود و
زمین آن منطقه کشت
گردد. وی در حوالی آن
منطقه پادگانهایی ساخت
تا از زیارت زائرین
جلوگیری کند؛ ولی این
کار را توسط فردی
یهودی انجام داد. این
رفتارها و اعمال زشت،
نفرت مردم را برانگیخت،
به طوری که اهالی عراق
شعارهایی را بر ضدش بر
در و دیوارها و مساجد
می‌نوشتند و شاعری
سرود : «بني عباس

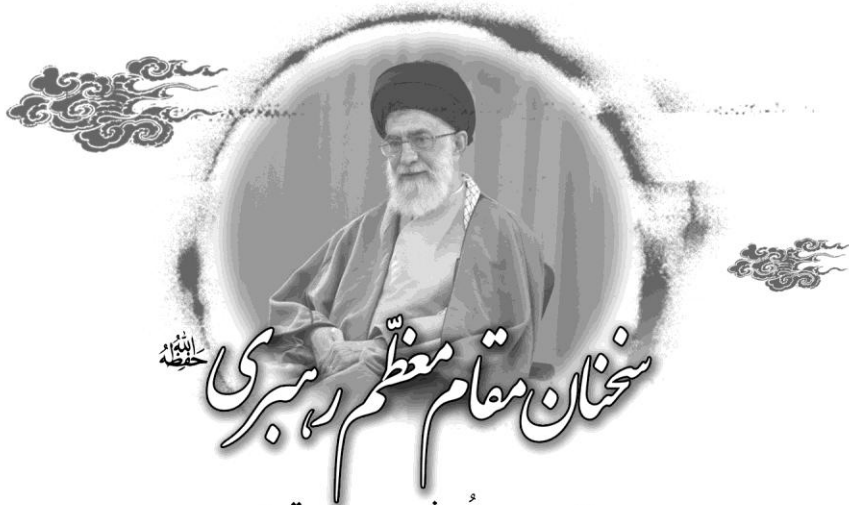
جناياتي همچون
شقاوتهاي امويان مرتكب
گردیده‌اند، این مزار
امام حسین % است که
توسط عباسیان ویران
شده ، گویا آنان
متأسفند که چرا در به
شهادت رساندن سالار
شهیدان حضور نداشته‌اند
و اینکه به تربت او

۱. بحار الانوار، علامه
مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۰۰؛ اصول
کافی، کلینی، دارال کتب
الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج
۱، ص ۵۰۶؛ الارشاد، شیخ
مفید، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج
۲، ص ۳۰۹؛ تنقیح المقال،
عبدالله مامقانی، المطبعة
الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۴۹
ش، ج ۳، ص ۵۷۰؛ مقاتل
الطالبیین ابوالفرج
اصفہانی، ص ۳۹۶ - ۳۹۵.
۲. امام صادق%، علامه مظفر،
ص ۳۹؛ سیره پیشوایان، مهدی
پیشوایی، مؤسسه تحقیقاتی و
تعلیماتی امام صادق % قم،
۱۳۷۴ ش، ص ۶۲۷ - ۶۲۶.

«المعتصم بالله» (۶۴۰) —
۶۵۶) نام داشت که در
زمان وی بغداد (مرکز
حکومت عباسی) توسط
هلاکوخان مغول محاصره
گردید و سرانجام خلیفه
مذکور در ۲۴ صفر سال
۶۵۶ ق به دست هلاکوخان
مغول به قتل رسید و
بدین گونه دولت پانصد
و پنج ساله عباسی
برافتاد.

۱. تاریخ ایران زمین، محمد
جواد مشکور، نشر اشراقی،
تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۲۷ —
۲۲۶: تاریخ ایران در عصر
مغول، عباس اقبال، نشر
نیلوفرانه، قم، ۱۳۸۹ ش، ص
۱۸۵ — ۱۸۴.





«در جمع پُر شور مردم قم»

اشاره:

مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله العظمی
خامنه ای حفظه الله به
مناسبت سالروز قیام
۱۹ دی و در جمع پرشور
مردم انقلابی استان قم
(در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۹)
مطالب بسیار ارزشمندی ایراد
فرمودند که در ادامه
به برخی از آنها
اشاره می‌شود.
قم، نماد عظمت جمهوری
اسلامی

اگرچه به دلایل
گوناگون روز نوزدهم
دی یک روز برجسته و
بی‌نظیر است، ولی بدون
شک برجستگی عمل و
اقدام مردم عزیز قم
به روز نوزده دی
منحصر نمی‌شود. در

دوران بعد از انقلاب،
در حوادث گوناگون، در
دوران جنگ تحمیلی، در
حوادث مهم و
تعیین کننده ای که در
طول این چند دهه
اتفاق افتاده است،
همیشه وقتی جایگاه
شما مردم قم را مورد
ملاحظه قرار می‌دهیم،
یک جایگاه برجسته و
ممتاز می‌بینیم. و خدا
را شکر که این چنین
است و همینها موجب
شده است که قم
به‌عنوان مرکز روحانیت
شیعه و اسلام، امروز
نماد عظمت جمهوری
اسلامی باشد.
آن کسانی که بر روی
مسائل مربوط به کشور
ما و نظام جمهوری
اسلامی فکر می‌کنند،

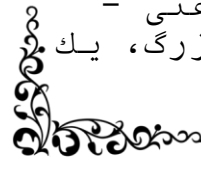
مطالعه می کنند، کار می کنند - چه دشمنان ما، چه دوستان ما - یکی از نقاط مهم تمرکز آنها شهر قم و حوزه علمیّه قم و مردم قم و حوادث قم است **حادثه نوزده دی و نصرت الهی**

ابعادی در این حادثه (نوزده دی) وجود دارد که قابل بازگو کردن و درس گرفتن است؛ یکی از این ابعاد این است که حادثه نوزده دی [دی] قم، مظهر و نماد این آیّه شریفه است: **[فَانتَقَمْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ**

الْمُؤْمِنِينَ]؛ در آیّه قرآن، در سوره مبارکه روم، به تعبیر خداوند متعال نصرت مؤمنین حقی است بر عهد خداوند؛ چند جا در قرآن کریم این تعبیر به کار رفته است - [مثیل] **[عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ]**؛ و موارد دیگری - و یکی اینجا است که می فرماید این حقی است بر عهد ما یعنی بر عهد ذات اقدس پروردگار عالم که مؤمنین را نصرت بدهیم. خب، این در چه

شرایطی است؟ در چه شرایطی گفته اند که مؤمنین نصرت پیدا می کنند؟ این در آن شرایطی است که هیچ روزنه امیدی به حسب ظاهر وجود ندارد. ملاحظه کنید همین آیات را؛ آن وقتی است که دشمن جبهه ایمان با قدرت ظاهری و با سرپنجه های قوی در مقابل مؤمنین ایستاده است؛ يك مبارزّه جبهه ای عظیمی به وجود آمده است؛ در يك چنین شرایطی می فرماید: **[وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ]**.

وقتی دشمن نگاه کرد، دید يك ملّتی عازم است، ایستاده است، تصمیم دارد کار خودش را پی ش برد، آن دشمن ناچار به عقبنشینی می شود
 نصرت الهی به دنبال ایمان، بصیرت و عمل عامل پیروزی این است که يك جماعتی - در يك مقیاس بزرگ، يك



المؤمنین؛ حالا هم همین‌جور است.
وجوب شناخت دشمن
کسی توهم نکند که آن کسانی که در مقابل انقلاب اسلامی با هم هستند، قوا ایستاده بودند، امروز منصرف شده‌اند؛ نه، امروز هم ایستاده‌اند؛ منتها هر دشمنی اگر چنانچه ناچار شد، عقب نشینی می‌کند؛ اگر مجبورشان کردید و وادارشان کردید به عقب نشینی، ناچار عقب نشینی می‌کنند؛ اما از دشمنی منصرف نمی‌شوند؛ امروز مسئله در دنیا این است.

دشمن را باید شناخت، جبهه دشمن را باید شناخت، لبخند دشمن را نباید جدی گرفت، نباید فریفتند؛ آن‌ها هدف را نباید فراموش کرد؛ هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمانهای اسلام، یعنی سعادت مادی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادی و معنوی. این هدف را نباید فراموش کرد، باید دنبال کرد و باید یقین داشت که با ایمان راسخ، با ادامه

ملّتی - ایمان درستی داشته باشد، و این ایمان راسخ باشد، و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ اینها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است.

اینهایی که پیروز نمی‌شوند، یکی از اینها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه راه بار را بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمی‌رسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبیری بود؛ یک فقیه آگاه به مسائل جهان، و بریدند از مطامع و منافع مادی شخصی، و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به مردم نشان میداد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، **[و کان حَقّاً عَلَيْنَا نَصْرٌ**

و شناختند، همیشه
 دچار این اشتباه
 بودند، الان هم همین
 اشتباه را دارند
 می‌کنند؛ ملت ما را
 نمی‌شناسند، کشور ما
 را نمی‌شناسند - خیال
 می‌کنند که به خاطر
 فشار تحریم و محاصره
 اقتصادی، ملت دستهایش
 را در مقابل آنها بالا
 برده و تسلیم شده؛ نه
 آقا، اشتباه می‌کنید.
 این ملت، ملتی که
 دستهایش را به علامت
 تسلیم بالا ببرد نیست.
 در شرایطی سخت تر از
 این [هم]، این ملت
 تسلیم نشده است. یک
 نمونۀ واضح روشن
 غیرقابل انکار هشت
 سال جنگ تحمیلی است؛
 شوخی است؟ هشت سال!
 همۀ قدرتهای بزرگ
 جهانی به یک مجرمی
 کمک‌کنند که علیه
 کشور و ملت کار بکند
 و این ملت بر هم
 آنها فائق بیاید؛ این
 کار کوچکی است؟ این
 چیز کمی است؟ آنجا هم
 «وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
 الْمُؤْمِنِينَ» بود، آنجا
 هم همین عزم راسخ،
 تصمیم قاطع، آوردن
 موجودی خداداده به
 میدان عمل و صحنه
 عمل، گره‌ها را یکی

راه، با بصیرت در
 امور پیرامونی و
 مسائل جاری، با بصیرت
 نسبت به دشمن و بصیرت
 نسبت به میدان عمل و
 جبهه مبارزه، پیروزی
 قطعی است؛ این را
 بایست توجه داشت
**امید داشتن به کمک الهی و
 نیروی داخلی**

بنده توصیه‌ام همیشه
 به مسئولین محترم این
 است که برای رفع
 مشکلات کشور به نیروی
 درونی این کشور توجه
 کنند؛ چشم به بیرون
 نباید دوخت؛ البته
 مسائل بیرون را باید
 حل کرد، در این شکی
 نیست؛ یک ملت فعال،
 یک دولت فعال، [یک]
 حکومت فعال، در هم
 زمینه‌ها فعال است؛ در
 مسائل بین‌المللی، در
 مسائل منطقه‌ای، در
 مسائل دیپلماسی این
 فعالیتهای لازم است؛
 منتها امید ما بایستی
 به پشتیبانی و کمک
 الهی و به نیروی
 داخلی ملت و کشور
 باشد؛ این است که
 کشور را بیمه میکند.
**عدم تسلیم در مقابل
 زورگویان**

دشمنان ما - که
 البته همیشه ملت
 ایران را بد شناختند

یکی باز کرد.
مذاکره یعنی دفع شرّ دشمن،
نه تسلیم

وقتی دشمن نگاه
کرد، دید يك ملتى
عازم است، ایستاده
است، تصمیم دارد کار
خودش را پیش ببرد، آن
دشمن ناچار به
عقبنشینی می‌شود؛ همین
هم هست. این اشتباه
آنها را ملت ایران به
هم خواهند زد؛ اینکه
خیال می‌کنند، می‌گویند
ما تحریم کردیم،
ایران مجبور شد بیاید
پای میز مذاکره، نه،
[این طور نیست]. ما
قبلاً هم اعلان کردیم،
قبل از این حرفها هم
ما گفتیم [که] نظام
جمهوری اسلامی درباره
موضوعات خاصی که
مصلحت بدانند، با این
شیطان برای رفع شرّ او
و برای حلّ مشکل،
مذاکره می‌کند؛ معنای
این آن نیست که این
ملت مستأصل شده است،
ابدأ.

آمریکا، بزرگ ترین
نقض‌کننده حقوق بشر

هر کس دیگری درباره
حقوق بشر حرف بزند،
آمریکایی‌ها حق ندارند
درباره حقوق بشر حرف
بزنند؛ [چون] دولت
آمریکا بزرگ ترین

نقض‌کننده حقوق بشر در
دنیا است؛ نه [فقط]
دیروز، [بلکه] همین
امروز، همین حالا؛
اینها کسانی هستند که
رژیم غاصب صهیونیستی
به پشتوانه آنها و
پشتگرمی آنها است که
دارد این همه شرارت
در این منطقه می‌کند.
فلسطین در چه وضعی
است؟ فلسطینی‌ها در چه
وضعند؟ غزه در چه
حالی است؟ احوال مردم
غزه را مردم دنیا
نمی‌دانند؟ بیمار
محتاج درمان اضطراری
در آن قطعاً مظلوم
زمین، روی زمین مانده
است، داروهای ابتدایی
در اختیار او قرار
نمی‌گیرد! چرا؟ چون
آمریکا پشت سر رژیم
صهیونیستی غاصب است.
يك كشوری را، يك مردم
مظلومی را از اطراف
محاصره کنند، راهی به
بیرون نداشته باشند،
هیچ امکانی نداشته
باشند، مریضشان هم
روی زمین می‌ماند،
گرسنه شان هم گرسنه
می‌ماند، اولیّات زندگی
هم از آنها دریغ
داشته می‌شود؛ اینها
ظلم نیست؟ اینها تخلف
از حقوق بشر نیست؟
آنوقت اینها شرم

**بخواهد از مشکلات
مادّی و معنوی
خود رهایی پیدا
کند، باید به
خود، به فکر
خود، به ارادۀ
خود، به ایمان
خود، به جوانهای
خود، به
شخصیتهای خود
تکیه کند و علاج
کار را از خدای
متعال بداند**

ما مدّعی هستیم، ما
از آنها سؤال می‌کنیم،
ما گریبان آنها را
می‌گیریم در پیشگاه
دادگاه افکار عمومی
دنیا؛ و آنها جوابی
ندارند.
راه علاج مشکلات مادی و
معنوی

ملت ایران اگر
بخواهد از مشکلات مادّی
و معنوی خود - مشکلات
اخلاقی، مشکلات اقتصادی
- رهایی پیدا کند،
باید به خود، به فکر
خود، به ارادۀ خود،
به ایمان خود، به
جوانهای خود، به
شخصیتهای خود تکیه
کند و علاج کار را از

نمی‌کنند اسم حقوق بشر
بر زبان می‌آورند؟
این آقا اولی که
می‌خواست بیاید، در
تبلیغات انتخاباتی
پنج شش سال قبل، یکی
از وعده‌هایی که به
مردم آمریکا داد، این
بود که زندان
گوانتانامو را تعطیل
می‌کند؛ [الان] شش هفت
سال گذشته، آیا زندان
گوانتانامو تعطیل شد؟
اینها این جوری اند.
ظلم به مردم، حمله به
مردم، [آوردن]
هواپیماهای بی‌سرنشین
در افغانستان و
پاکستان، کشتار مردم
بی‌گناه، هزاران گونه
جنایت علیه غیر
نظامیان در مناطق
مختلف، و شیوه‌های
جنایت ناشناخته - که
حالا خیلی از جنایات
اینها شیوه‌هایی است
که برای مردم دنیا
ناشناخته است، بعدها

معلوم خواهد شد -
آنوقت اینها اسم حقوق
بشر را می‌آورند؟ ما
مدّعی نظام ایالات
متّحدۀ آمریکا و
بسیاری از دولتهای
غربی هستیم، به خاطر
نقض حقوق بشری که
آنها انجام می‌دهند.

ملت ایران اگر

خدای متعال بداند.





نداشت، مرزهای عقیدتی و جغرافیایی فراموش می‌شد

آیت الله سید هاشم

حسینی بوشهری ، طی سخنانی با اشاره به جایگاه اراده و اختیار، عقل، انبیا و عالمان دینی در تأثیرگذاری و هدایت جامعه، افزود: اراده و اختیار در زندگی انسان نقش آفرین است و داشتن استعداد و تک بُعدی نبودن انسان، دست به دست هم می‌دهد تا یک سلسله عوامل، مسیر انسان را هموار کرده و او را در مسیر هدایت قرار دهد.

ایشان در ادامه افزودند: خداوند سه هدایتگر و راهنما را بر سر راه انسان قرار داده که یکی از آن‌ها عقل است و آیات متعددی در قرآن در رابطه با عقل و مشتقات آن وجود دارد. دومین عامل که

در هدایت انسان هاست، پیامبران الهی به عنوان حجت ظاهر هستند و سومین عامل در هدایت جامعه و افراد عالمان، فقیهان و معلمان اخلاق هستند که مورد ستایش خداوند قرار گرفته و از درجه و مقام برخوردارند.

ایشان با اشاره به اینکه انسان مسئولیت‌پذیر از مرزهای اعتقادی و جغرافیایی خود دفاع خواهد کرد، افزود: مسئولیت‌پذیر شدن انسان‌ها در گرو راهنمایی و تعلیم تربیتی است که از سوی عالمان انجام می‌شود؛ بنابراین اگر جامعه هدایت‌گر و معلم اخلاق نداشته باشد، مرزهای اخلاقی، عقیدتی و جغرافیایی به فراموشی سپرده می‌شود. مدیر حوزه‌های علمیه

افزودند: ما با تأسیس مدارس سفیران هدایت در حوزه، انقلاب فرهنگی ایجاد کردیم و آن را به تناسب نیازها شکل و توسعه دادیم که اکنون ۸۳ مدرسه سفیران هدایت در ایران مشغول به تربیت مبلغان دینی هستند.

و
حجت الاسلام
المسلمین نبوی تخصصی
شدن رشته های علمی در
حوزه را دستاورد مهمی
دانست و گفت: اکنون
حوزه با ۸۰ سال پیش که
علوم بسیط بودند تفاوت
بسیار دارد.

و
معاون تبلیغ
آموزشهای کاربردی
حوزه های علمی با
اشاره به سختهایی که
طلبه های هجرت بلند مدت
در محرومترین نقاط
کشور با آن مواجه
هستند، افزود: هر کسی
نمی تواند اهل و عیالش
را به محرومترین نقاط
کشور ببرد و با مبلغ
ماهیانه اندکی خدمت
کند. گاه مبلغ مجبور
است بدلیل محروم بودن
روستای محل تبلیغ،
برای تحصیل فرزندش هر
روز کیلومترها مسافت
را طی کند.

ایشان در پایان با
اشاره به نیاز معنوی
طبقات دانشگاهی و غیر
دانشگاهی افزود: این
خلاء معنوی باید با
دعوت از اساتید اخلاق و
عقاید حوزه پر شود و
این خود اقدامی در جهت
وحدت حوزه و دانشگاه

کشور یادآور شد: هر
وقت در این کشور
حادثه ای آمده که مردم
را تهدید کند، با یک
پیام نیم ستری یک عالم
بزرگ، تمام توطئه ها
خنثی شده و این نشان
می دهد عالمان دینی
مرزبانان جامعه هستند
مدیر حوزه های علمی
در ادامه به برخی از
ویژگی های علمای و
فقه های دینی اشاره کرد
و گفت: علما همیشه از
نزدیک شدن به طاغوت های
زمان خود هراس داشتند
و خود را خدمت گذرا
مردم و دین الهی
می دانستند و این سبب
شده بود که پر دل ها
حکومت کنند.

ایجاد انقلاب فرهنگی، با تأسیس حوزه های سفیران هدایت

حجت الاسلام محمدحسن
نبوی، معاون تبلیغ و
آموزشهای کاربردی
حوزه های علمی با اعلام
اینکه عده زیادی از
طلبه ها با
فراوان مالی
روبرو هستند، گفت: ما
از دولت انتظار داریم
حداقل زیرساختهای لازم
جهت گسترش حوزه ها را
فراهم کند، ضمن اینکه
باید توجه داشته باشیم
که حوزه نسبت به
زیرساختها و ظرفیتهای
موجود، بد عمل نکرده
است.

ایشان همچنین

۱. خیرگزاری رسا، کد خبر:
۱۹۲۹۵۷

است که اگر به خلاء
معنوی جوانان توجهی
نشود خطر تفکرات
انحرافی، ایشان را
تهدید می‌کند.

تولید نرم افزار تبدیل متون لاتین به حروف قرآنی

سازمان علوم، فرهنگ
و تربیت اسلامی (آی‌سسکو)
با همکاری دان شگاه
بین‌المللی آفریقا واقع
در «خارطوم»، پایتخت
سودان، به تولید یک
نرم افزار برای تبدیل
متون لاتین به حروف
قرآنی، اقدام نموده
است.

نرم افزار کامپیوتری
تبدیل متون لاتین به
حروف قرآنی، می‌تواند
متونی از جمله
ترجمه های قرآن کریم،
قاموس های لغت و کتب
آموزشی را که با حروف
لاتین تایپ شده اند،
تبدیل به حروف قرآنی
نماید. این نرم افزار
همچنین در تحقق اهداف
قرآنی از جمله احیای
میراث علمی و فرهنگی
نوشته شده به زبان های
محلی در آفریقا و آسیا
و بخشی از اروپا و
همچنین فراهم کردن فرصت
به دانشجویان و
پژوهشگران برای تحقیق
و انتشار این کتاب ها
نقش مهمی ایفا می‌کند.
توسعه روش های
آموزشی در زمینه آموزش

بزرگسالان و از بی‌نبردن
بی‌سوادی و هم چنین
تشویق مردم در عرصه
فرهنگی و تربیتی از
طریق تألیف، ترجمه،
چاپ و نشر آثار، از
دیگر اهداف تولید این
نرم افزار است. این
برنامه کامپیوتری پی‌ش
از تولید انبوه، روی
زبان های شرق و غرب
آفریقا یعنی زبان های
هوسایی، یوروبایی،
سومالیایی، فولانی،
سواحیلی، ماندینگو،
لوگنده، زرم، سوسو و
لولوف آزمایش شده
است.

تولید نرم افزار مجموعه آثار علامه سید جعفر مرتضی عاملی

نرم افزار مجموعه
آثار «علامه سید جعفر
مرتضی عاملی» نویسنده
و مورخ شیعه لبنانی،
به همت محققان و
پژوهشگران مرکز نور
تولید شده است.
در این نرم افزار
متن کامل ۱۷ عنوان
کتاب در ۸۳ جلد از
آثار سید جعفر مرتضی
عاملی در قالب ۱۲
موضوع به جامعه علمی و
پژوهشی عرضه شده است
برخی از موضوعات
این نرم افزار عبارتند
از: «سیره پیامبر - و
امام علی %»، «سیره
حضرت زهرا &»، «سیره
اما رضا %»، «علوم
قرآنی»، «تفسیر»،

۱. پایگاه اطلاع رسانی
معاونت تبلیغ و آموزشهای
کاربردی حوزه های علمیه، کد
خبر: ۳۳۲۷۰۶.

۲. پایگاه اطلاع رسانی افق
حوزه، کد خبر: ۳۳۳۷۸۶.

«غدیر خم»، «مهدویت»،
«اخلاق پزشکی»، «تاریخ
طب» و... .

ما در ولایت شیعه و در دین سنی هستیم

شیخ احمد بدرالدین
حسون، مفتی اعظم سوریه
در بیست و هفتمین
کنفرانس بین المللی
وحدت با تبریک میلاد
پیامبر- و امام صادق %
گفت: مردم ایران
توانستند جهانیان را
به خیزش درآورند و این
امت ارزش تمدن عالی
دارد.

مفتی سوریه اذعان
داشت: ما امروز در

پناه ایران اسلامی
هستیم که وجود خود را
با ریشه، اندیشه،
رسالتش و علم و تمدنش
به جهانیان اثبات کرد.

وی با بیان این که
مقاومت ملت ایران در
برابر استکبار و

استبداد و خودکامگی
باید الگوی همه باشد،
گفت: ما امتی ریشه دار

و واحده هستیم و ایران
اولین کشور اسلامی است
که در تاریخ جهان اسلام
هسته ای شد و ما از

ایران شعله می‌گیریم تا
روشنایی دهیم.

ایشان در ادامه با
تأکید بر این که ما

اعتقادی به هلال شیعی و
ماه سنی نداریم، بلکه
به رسولی که بین همه
رحیم و اسوه است،

معتقدیم، ابراز داشت:

ما کتابی واحد داریم،
ما در ولایت شیعه هستیم
و در دین سنی و هرگز
از همدیگر متفرق

نمی‌شویم. ما باید با
گروه‌های تکفیری و

انهایی که موجب انتحار
می‌شوند، مبارزه کنیم.

اگر توانستیم از طریق

منابر، رس‌انه‌ها،

حوزه‌ها و مساجد، اسلام

ناب را آموزش دهیم،

می‌توانیم در برابر

محور شرارتی که عده ای

قلیلی به راه انداخته

اند، بایستیم.

وحدت، تنها با شعار محقق
نمی‌شود

آیت الله شیخ عیسی

قاسم، رهبر شیعیان
بحرین همواره بر وحدت

اسلامی تأکید کرده است؛
موضوعی که در انقلاب

بحرین نیز به وضوح
دیده شد یعنی اگرچه

اکثریت مردم بحرین جزو
پیروان اهل بیت) بوده

و طبیعتاً اکثریت
معترضین به نظام

ستمکار آل‌خلیفه نیز از
شیعیان هستند، اما

شیعه و اهل سنت دست در
دست هم در برابر

نابرابری‌های رژیم به
پا خاسته‌اند. از سوی

دیگر متأسفانه امروز
شاهد فتنه مذهبی در

کشورهایی چون سوریه و
عراق بوده ایم که

نتیجه ای جز گشتار
بی‌گناهان نداشته است.

در بحرین نیز، رژیم

۲. خیرگزاری حوزه، کد خبر:
۳۳۴۲۷۳.

۱. پایگاه اطلاع رسانی افق
حوزه، کد خبر: ۳۳۳۷۹۰.

شدن به پروژه های وحدت
زا و برداشتن گامهای
عملی برای تحقق وحدت و
لبیک گفتن به ندای
قرآن و سنت پاک
پیامبر.

سفاک آل خلیفه با
پشتیبانی عربستان و
رسانه هایش تلاش می کند
اعتراضات بحرین را
مذهبی قلمداد کند
آی ت الله شیخ عیسی
احمد قاسم درباره وحدت
اسلامی سخنانی را ایراد
کردند، که به گزیده آن
اشاره می شود:

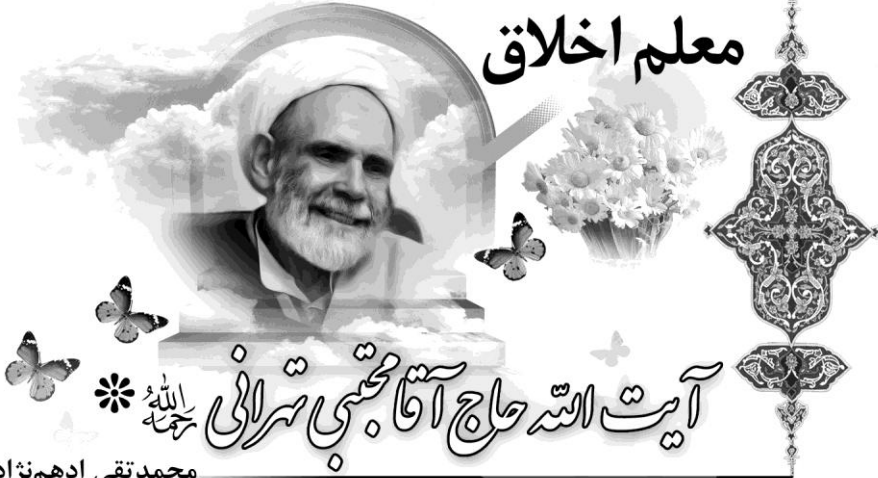
ما کاملاً می دانیم که
این مشکل بسیار بزرگتر
از آن است که بخواهیم
آن را با شعار حل کنیم
و برای حل آن یک شعار
برای مدت یک یا دو سال
در میان مسلمانان مطرح
شود، اما باید کاری
کرد. ما انتظار نداریم
مشکل با این شعار حل
شود، اما می خواهیم در
حل این مشکل به مقدار
توان خود سهم باشیم و
به وظیفه خود در این
زمینه عمل کنیم.

به مناسبت طرح شعار
وحدت از سوی شورای
علما بر این شورا لازم
است که بر نامه عملی
خود برای ایجاد حالت
فکری و روانی و عملی
در راستای تحقق این
شعار را ارائه کند

شورای علما نباید
یک شعار را بدون ارائه
برنامه عملی برای اجرا
کردن آن مطرح کند. و
البته این مسئولیت فقط
به دوش شورای علما
نیست، بلکه یک مسئولیت
همگانی است. این شعار
یک دعوت است از تمام
اهالی کشور و تمام
مؤسسات برای همکاری در
این کار خیر و وارد

۱. خیرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۳۴۲۴۴

معلم اخلاق



محمدتقی ادهم نژاد

میان جوانان و قشر تحصیل کرده دانشگاهی، از چهره‌های اثرگذار و محبوب به حساب می‌آید. در این مقاله به سیرة اخلاقی، تبلیغی و معنوی آن بزرگوار به اجمال اشاره می‌شود تا الگویی خوبی برای همگان، به ویژه برای جامعه روحانیت و مبلغان جوان باشد.

زندگانی استاد

آقای مجتبی شهیدی گلپه‌ری، مشهور به حاج آقا مجتبی تهرانی، دومین فرزند ب رومند آیت الله میرزا عبد العلی تهرانی، در سال ۱۳۱۶ ش در بیت علم و معرفت و شهادت در تهران به دنیا آمد. پدرش از عالمان نامدار تهران و از شاگردان آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، فقیهی مجاهد و

آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی (از زبده‌ترین شاگردان امام خمینی) و از برجستگان علم، اخلاق و معرفت بود که بیش از ۴۰ سال از عمر شریف و گرانقدرش صرف مسائل و مباحث عمیق اخلاقی، تبلیغی و تربیتی نمود و موفق به تربیت انسانهای مؤمن، کارآمد و جهادی گردید و در عرصه سازندگی اخلاق و معرفت تحوّل‌ی شگرف و ابتکاری پدید آورد. او به عنوان معلم و مربی برجسته اخلاق به شمار می‌آید و در هدایت مردم به سمت خدا، دستگیری از مستعدین و گسترش اخلاق

* این مقاله، خلاصه ای از ویژه نامه «نشان» است که در زمستان ۱۳۹۱ ش توسط سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است.

عارفی سترگ بود که در زمان تاریک حکومت رضا خان در امر تربیت نفوس مستعداً اهتمام ویژه داشت . وی فرزند ملاً غلامحسین تهرانی، از عالمان متقی و مجاهد تهران می باشد . ملاً غلامحسین از شهدای والامقام روحانیّت در دوران مشروطیّت است که متأسفانه نامی از آن بزرگوار در کتبی چون «شهداء الفضلیه» به ثبت نرسیده است

حاج آقا مجتبی دوران کودکی خود را در چنین خانواده علمی و معنوی سپری کرد و تحصیلات خویش را در تهران آغاز نمود و با هدایت و ارشاد والد بزرگوارش، به مشهد مقدس عزیمت فرمود و چهار سال از خرمن دانش عالمان خراسانی، خصوصاً «ادیب نیشابوری» خوشه چینی نمود و بعد از اتمام سطح عازم حوزه علمی قم گردید و بعد از پایان سطوح عالیّه، در حالی که نوجوان بود، پای به مکتب علمی بزرگانی چون آیات عظام بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی و علامه طباطبایی نهاد و از محضر علمی و معنوی آن فرزندگان علم و تقوا کسب فیض نمود در زمانی که آیت الله تهرانی مشغول به

فراگیری دروس سطح بودند، موفق شدند دو مرتبه تمام «وسائل الشیعه» را مطالعه نمایند تا برای شرکت در درس خارج آمادگی داشته باشند. پشتکار، نبوغ و جدیّت ایشان باعث شد تا در سنین جوانی به درجه اجتهاد رسیده، از نزدیکان و خصیصین امام خمینی! شوند. با آنکه هنوز مدت زیادی از استفاده این طلبه فاضل و جوان از محضر آیت الله بروجردی نگذشته بود؛ اما با رحلت، این مرجع والامقام بار هدایت امت به دوش خلف صالح ایشان امام خمینی! نهاده شد. چندی بعد حضرت امام به این شاگرد فاضل خویش مأموریت داد تا به کار جمع آوری فتاوا و تنظیم اولین نسخه از رساله عملیه و مناسک حج ایشان بپردازد. حاج آقا مجتبی رساله ای دقیق و علمی آماده کرد که بعدها جزء دقیقترین رساله های منسوب به امام خمینی! مطرح گردید. مقبولیت علمی ایشان نزد امام و تنظیم فتاواي آن بزرگوار زمانی اتفاق افتاد که ایشان فقط ۲۵ سال داشت. ۳ سال بعد از اینکه امام! به نجف تبعید شد، حاج آقا مجتبی به ایشان پیوست

بودن و ابعاد گوناگون این موضوع مهم هنوز هم برای عموم مردم روشن نیست و اغلب آگاهان و متخصصان دینی حاضر نبودند آن را در محافل و مجامع عمومی مطرح نمایند. آیت الله تهرانی به تاسی از حضرت امام! جهت روشن کردن ابعاد مختلف این موضوع و شناساندن آن به عموم طبقات مردم با شیوه علمی و زبان شیرین و بیانی رسا برای اولین بار در تهران به تدریس موضوع اقدام نمود که با استقبال باشکوه مردم ولایتدار تهران، به ویژه مسئولان و مدیران سطوح مختلف نظام مواجه گردید. دکتر اسماعیلی، از شاگردان آن بزرگوار در این باره میگوید: «اولین کسی که بعد از انقلاب برای عموم بحث ولایت فقیه را مطرح کردند، ایشان بودند که نوارهای صوتی آن موجود است و این مبحث بسیار مؤثر واقع شد. جمله معروفی که همه میدانند و میگویند: «ولایت فقیه استمرار حرکت انبیا است» از گفته های حاج آقا مجتبی است. ایشان در این مورد یک درس عمومی داشتند و با زبان عمومی ولایت فقیه را توضیح داده اند. بعد از آن هم دو بار و در

و از محضرش بهره مند شد تا اینکه به امر امام (در سال ۱۳۴۹) به تهران آمد و از آن زمان تا پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اقامه جماعت در مسجد جامع بازار، به تدریس سطوح عالی در مدارس علمیه تهران، به ویژه مدرسه مروی پرداخت و هم چنین با برگزاری کلاسهای تفسیر، اخلاق و... کار تربیت و هدایت مردم و به ویژه جوانان را به دست گرفت.

و نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به سوابق درخشان و نزدیکی و مراوده با حضرت امام (انتظار میرفت ایشان یکی از مسئولین نظام اسلامی شده و گوشه ای از بار این انقلاب را به دوش بکشند؛ اما ایشان از قبول مسئولیتهای آشکار کنار کشیدند و با حضور در صحنه نیروسازی برای انقلاب، همچنان گمنام و مؤثر به کمکهای همه جانبه به امام و انقلاب پرداختند.

ولایت مطلقه فقیه

موضوع و بحث ولایت فقیه از مهم ترین مباحث دینی، اعتقادی، سیاسی و فقه اسلامی از موضوعات تخصصی است و ابعاد آن در محافل علمی خاص مورد بحث قرار میگیرد و تخصصی

طی مقاطع مختلف زمانی که در هر دو بار حضور داشته‌ام، درس خارج فقه را به بحث ولایت فقیه اختصاص دادند و جالب آنکه غیر از مباحث سنتی و فقهی، ایشان به آخرین شبهاتی که به مسئله ولایت فقیه مطرح شده بود، پاسخ می‌دادند و توانستند در این زمینه شاگردان زیادی تربیت نمایند و علاقمند بودن د که مبنای مباحث امام (در بحث ولایت فقیه را توضیح دهند)»^۱

مروّج عملي مکتب امام

حاج آقا مجتبی با اینکه از وجود اساتید مهمی چون آیات بروجردی، خویی و ... بهره‌مند شده بودند؛ ولی در عین حال وابستگی عجیبی به امام و ترویج مکتب فقهی، اصولی، انقلابی، اخلاقی و رفتاری ایشان داشتند و آن را برای خود واجب می‌دانستند و معتقد بودند که بُعد علمی امام! به دلیل مسئله انقلاب و رهبری نظام مهجور مانده و کسی ایشان را به درستی نشناخته است. در کلاس فقه، اصول، اخلاق و ... مقید بودند که مبنای اصول و روشهای امام را

رعایت و مطالب ای شان را القا کنند و به شبهات ایجاد شده پاسخ دهند.

ایشان محور بحثهای فقهی و اصولی خود را کتابهای امام (به ویژه تحریر الوسیله قرار داده بودند و بارها به دوستان و شاگردان خود گفته بود: من هر چه دارم، از امام دارم امام خمینی) حقیقتی

است افسانه نما؛ یعنی اگر شخصیت واقعی امام را برای کسی توضیح دهی، شاید کم تر کسی باور کند. آیت الله آقا مرتضی تهرانی درباره برادرش می‌گوید: «حاج آقا مجتبی تهرانی از خواص شهرمان بودند.

نزد امام (جایگاه ویژه ای داشتند و از شاگردان عاشق امام بودند و مرتب با امام هم‌نشین بودند. انسان وقتی به تک تک رفتارهای ایشان دقت

می‌کرد، چهره و سکنات امام) را در او می‌دید. بعد از امام (به پشتوانه رهبری در آمدند و بیعتشان را با مقام معظم رهبری ادامه دادند.»^۲

حجت الاسلام حاج آقا حسین تهرانی، فرزند آن بزرگوار، در این باره می‌گوید: «آیت الله تهرانی

۱. ویژه‌نامه نشان: سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۸.

ایشان در گرما باشند و من زیر کولر خنک؟ اگر می‌خواهید کولر بخرید، یک کولر هم باید برای آقا مجتبی بخرید»
حجت الاسلام حاج علی اکبری در این باره می‌گوید: «حضرت آیت الله آقا مجتبی تهرانی ذوب بودند در امام خمینی(. همه کسانی که با ایشان آشنا بودند و با ایشان در ارتباط بودند، می‌دانند که آقا مجتبی تهرانی به صورت کامل تحت تأثیر شخصیت امام عزیزمان بوده اند؛ هم از جهت ویژگیهای اخلاقی - اجتماعی و هم از جهت فکری و عمق نگاه ایشان در مباحثی همچون حکومت و انقلاب نیز شباهت بی نظیری به امام) داشتند. از هر جنبه بنگریم، در شخصیت آقا مجتبی روح امام خمینی(دیده می‌شد، و طی همه سالهای زندگی‌شان در مواجهه با مسائل اجتماعی، انقلابی و سیاسی آشکارا امام را سرلوحه عمل خویش قرار می‌دادند.»^۲
خلاصه آنکه، وی از مدافعان سرسخت انقلاب، امام و رهبری و از لحاظ علمی، فقهی و سیاسی سرسپرده امام، و طرفدار قاطع و راسخ ولایت مطلقه فقیه بود و

از خصیصین و حواریون امام) بود. علاقه‌ای که حضرت امام(به فرزندش حاج آقا مصطفی داشت، به ایشان هم داشتند. به عنوان مثال: وقتی امام به نجف تبعید شده بودند، آیت الله تهرانی هم در آن گرما به نجف رفتند. در آن دوران با وجود سختیهای بسیار، حضرت امام اجازه نمی‌دادند برای خانه اش کولر تهیه شود. والدۀ ما تعریف می‌کرد: یک روز قبل از ظهر درب منزل ما را زدند و یک کولری را آوردند و در حیاط گذاشتند. ظهر که حاج آقا مجتبی تشریف آورد، تعجب کرد و از همسرش پرسید: ماجرای این کولر چیست؟ ایشان در جواب حاج آقا گفتند: این کولر را از منزل امام(آورده‌اند. آیت الله تهرانی از حاج آقا مصطفی، فرزند امام جویای موضوع می‌شود. حاج آقا مصطفی در جواب ایشان می‌گویند: در یک سال و نیمی که به نجف آمدم، حضرت امام اجازه خرید کولر نمی‌دادند تا ایشان اجازه دادند؛ اما گفتند: اگر قرار است کولر بخرید، دو تا باید باشد. برای آقا مجتبی هم بخرید. ایشان یک طلبه هستند، من هم یک طلبه هستم. چطور

۱. همان، ص ۱۷.
۲. همان، ص ۲۷.

در مسائل سیاسی و اجتماعی از مواضع محکم، غیر قابل تزلزل و ثابتي برخوردار بود.

بیعت با رهبری

احمد حاجي شريف، معاون نظارت بر چاپ و نشر سازمان دارالقرآن الکریم که بیش از ۳۵ سال از جلسات معنوي و علمي مرحوم تهراني بهره برده است، مي‌گوید: «ایشان از شاگردان خاص امام (بود و امام، مرحوم تهراني را خیلی دوست مي‌داشت، به طوري که بعد از شهادت آقا مصطفي) گفته بودند: آقا مصطفي نداریم، آقا مجتبی که داریم؛ هر چه در مصطفي مي‌دیدم، در این مجتبی هم می‌بینم. این آقا مجتبی ما همان آقا مصطفي ماست...»

یکی از شاگردان ایشان درباره حمایت وي از مقام معظم رهبري > مي‌گوید: «علاقمندی ایشان به امام وصفناشدني است و ایشان همان عشق و علاقه را به مقام معظم رهبري نیز داشتند و همیشه از رهبري و بحث ولایتمداري حمایت می‌کردند.»^۴ رابطه ایشان با مقام

معظم رهبري > رابطه اي کاملاً صمیمي بود و با اینکه ایشان خود در مسائل صاحب‌نظر بودند؛ اما همیشه همگان را توصیه به پیروي از رهبري و ولایت فقیه می‌نمودند و پیوس ته دغدغه ایشان مسائل کلان نظام و انقلاب بود. امام و مقام معظم رهبري از ایشان به عنوان يك مشاور امین و خبیر استفاده می‌کردند و با ایشان رفت و آمد داشتند.

مقام معظم رهبري که در کمتر مراسمي از این نوع شخصاً حضور پیدا می‌کنند؛ اما در مراسم این بزرگوار دي‌دیم که معظم له شخصاً حضور پیدا کردند و بر پیکر ایشان نماز خواندند. این نشان دهنده نوع ارتباط آقا مجتبی با رهبري است. همه ما وظیفه داریم پشتیبان ولایت فقیه باشیم. خط رهبري خط امام زمان (عج) و خط خداست.^۵ او ولایت فقیه را به دور از شعار و به صورت مبنایی قبول داشت.^۶ تربیت نیروهاي کارآمد و

جهادی

آیت الله تهراني با تشکیل کلاسهاي اعتقادي،

۴. همان، ص ۷۵.
۵. همان، ص ۲۶.
۶. همان، ص ۸.
۷. همان، ص ۳۶.

۱. همان، ص ۷۵.
۲. همان، ص ۱۰۲.
۳. همان، ص ۷۹.

انقلاب ما فرهنگی بود، ایشان عمر خودشان را در مسیر فرهنگ اسلامی، اخلاق دینی، استحکام پایه های نظام و پرورش نیروهای انقلابی و جوانان جهادی در ج هت تصدی پستیهای حکومتی صرف کردند.»
آیت الله امامی کاشانی در این باره می گوید: «خدمات ایشان در پیروزی انقلاب، خدمات زیربنایی بود. ایشان نیروهای انقلابی، مجاهد، موحد و شیعه می ساخت. این کار از همه مهم تر بود. ایشان تربیت نفوس می کرد. مدیر تربیت می کرد. اگر نفوس و مدیر تربیت شوند، مملکت آباد می شود و جرم و جنایت به حداقل می رسد و ایشان می دانست که از کجا شروع کند و می دانست که ریشه اصلاحات از همین جا شروع می شود. بقا و تداوم و استمرار انقلاب پس از پیروزی آن، عدم انحرافات در مدیریت آن، و هدر نرفتن زحمات امام، همگی بستگی به تربیت نفوس دارد و ایشان این را متوجه شده بود و در همین راستا اقدام کردند؛ در اوایل انقلاب، برخی برای جذب ایشان

تبلیغی، تفسیری و اخلاقی اهداف و آلائی را دنبال می کرد و به خاطر رسیدن به آن اهداف مقدس و والای خویش از پذیرش مسئولیتهای حکومتی سر باز زدند. وی پس از پیروزی انقلاب همچنان در مسیر امام ماند؛ ولی مسئولیت و منصبی را نپذیرفت. اهداف ایشان را می توان از لابلای سخنان شاگردان و مریدان آن بزرگوار جستجو کرد که به طور فهرستوار عبارتند از:
۱. من نقش مربی و معلم را دارم و این کاری که می کنم، زمین مانده است؛ چون دیگران نمی کنند. من برای خدا انجام می دهم. دلیلی نمی بینم که علنی بشود.
ایشان انجام این کار را وظیفه شرعی خود می دانستند و اعتقادشان این بود که من روحانی در قبال مردم وظیفه دارم و باید در همه حال پاسخگویی مسائل شرعی، اخلاقی و اسلامی ایشان باشم.
۲. حفاظت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب: «پس از انقلاب اسلامی، مهم ترین کاری که باید صورت می گرفت، پرداختن به وجوه فرهنگی انقلاب اسلامی بود که چون

۳. همان، ص ۱۰، با تلخیص
۴. همان، ص ۲۹.

۱. همان، ص ۲۶.
۲. همان، ص ۱۵.

به شوراي عالي قضايي، به ايشان گفتند : پرونده هاي زيادي مانده است و ما به كمك تان احتياج داريم . ايشان ضمن عدم پذيرش آن، فرمودند: من با ارائه كلاسهاي درس اخلاق ميخواهم كاري كنم كه ديگر پرونده اي تشكيل نشود، و لذا به صورت جدي يك شب تفسير ميگفت و يك شب هم اخلاق و مقيد بود كه درس اخلاقي كه مي دهند، اخلاق شان علمي و عملي باشد.

۳. گسترش اخلاق در جامعه تحصيلكرده

به كار بست. وقتي مبحث خشك بودن مباحث اخلاقي و معارف اسلامي در دانشگاه ها و عدم استقبال دانشجويان از اينگونه كلاسها را خدمت ايشان مطرح كردم و در ادامه گفتم : اين در حالي است كه لايبك ترين افراد، وقتي پاي درس و بحث شما مي رسند، يك سري مطالب بسيار مفيد مي آموزند و معترف به اين امر هستند و از نحوه آموزش شما لذت مي برند؛ اما در دانشگاه ها داس تان به صورت ديگري است. ايشان هم كاملاً توضيح دادند كه بدسليقي و كجسليقي وجود دارد . برخي روش درس اخلاق را متوجه نشدند و به نوعي مسير را از ريل خودش خارج کرده اند.

آيت الله استادي ضمن اشاره به امتيازات اخلاقي آيت الله تهراني و احياي مهم ترين كتاب اخلاق «احياء العلوم» خواجه عبد الله انصاري بر مبناي آيات و روايات، درباره ايشان ميگويد: «در جهان شيعه اشتباهي به وجود آمده كه دو را سه کرده؛ يعني پيغمبر- فرمودند «كتاب» و «سنت» و كساني كه ميخواهند بحث اخلاقي انجام دهند، بايد به

آيت الله تهراني در مدرسه اخلاق خود كارخانه انسان سازي را راه اندازي كردند و موفق شدند نيروهاي صالح، سالم و مخلص بسياري را به انقلاب و ملت متدين ايران تحويل دهند. او تلاش كرد كه نسل جوان و افرا دي كه در مجامع مختلف علمي تحصيل ميكنند، در اين مسير اصول اخلاقي را نيز بشناسند و بر آن پايبند باشند. معتقدم امام(چهره اي را تربيت كرد كه در نظام اسلامي جزء خواص به شمار مي آيد؛ چرا كه تمام توان خود را براي پاسداري از آرمانهاي انقلاب و ارزشهاي اسلامي

پدرانه و زندگی ساده و بی آرایش آن بزرگوار موجب جذب مردم، به ویژه جوانان شده بود و همگان بهشت گمشده خود را در محافل آیت الله تهرانی می‌دیدند. حجت الاسلام آقا تهرانی در این باره می‌گوید: «بنده از مجالس ایشان شخصاً استفاده می‌کردم و می‌دیدم که ایشان، به ویژه بین جوانها بسیار محبوب بود و به خوبی در همین سن هم با همه اقشار جامعه صحبت می‌کنند و به لطف خدا برنامه‌هایی که داشتند، برای همه مفید بود. این بزرگوار در تهران به خوبی جا افتاده بودند. در بین مردم، به ویژه جوانان شناخته شده بودند.»^۱

دکتر اسماعیلی می‌گوید: «ایشان به جوانه ا و دانشجویان بسیار علاقه و اعتماد داشتند و حتی ناراحت می‌شدند که جوانها را در بعضی مواقع کسانی بی دین می‌خواندند و می‌گفتند «نگویی جوانها بی دین شدند. حداقل اینکه سهل انگار شدند در بعضی احکام شرعی. سهل انگاری با بی دین بودن فرق می‌کند.» و همین علاقه به جوانان موجب شده بود که عمده

آیات قرآن و روایات اهل بیت) استناد کنند و از دیگر نقل قولها اجتناب کنند. دیگر علما در این باره اشتباهاتی صورت دادند؛ اما امتیاز اخلاقی آقا مجتبی تهرانی این است که در طرح مسائل بر مبنای همان کتاب و سنت عمل نمودند. در فهرست اعلام، ده جلد از کتابهای ایشان را که مورد بررسی قرار دادم، جز نام حضرت امام خمینی (نام کسی نبود و این توفیقی است که خداوند متعال به ایشان داده است. اجزای دین باید با هم ارتباط داشته باشد و هم دارای احکام است و هم دارای اخلاق و چون دین واقعی ما دین اهل بیت) است، احکام و عقاید و اخلاقمان باید از اهل بیت) باشد. مباحث اخلاقی ایشان این ویژگیها را دارا بودند.»^۲

پناهگاه معنوی جوانان

آیت الله تهرانی از عالمان باعمل بود. بیشترین جمعیت پای منابر وی را جوانان تشکیل می‌دادند. او پناهگاه واقعی جوانان و تکیه‌گاه حقیقی آنان به شمار می‌آمد. نگاه واقع‌بینانه و رفتار

۱. همان، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۳۱.

از ۳۵ سال به طور منظم از درس آیت الله تهران بهره‌مند بوده است، و از آن بزرگوار خاطرات فراوانی دارد. وی در ضمن خاطراتش می‌گوید: «آیت الله تهران معتقد بودند اگر در تهران بتوان زمین‌ه ای برای دینداری و رشد اعتقادی مردم به وجود آورد، هنر کرده ایم، وگرنه شهرهای مذهبی که حداقل در ظاهر این زمین‌ه ها فراوان دارند. به یاد دارم در یکی از جلسات اخلاق، فردی حضور داشت که موهای بسیار بلندی داشت. تقریباً موهای او تا کمرش می‌رسید. یکی از دوستان قصد داشت برود و صحبتی با این فرد داشته باشد. به او گفتم: اندکی صبر کن! یا او مثل ما می‌شود یا ما مثل او می‌شویم. تحمل کن! حاج آقا کارش را خوب بلد است. پس از چندین جلسه دیدیم که فرد شبیه دیگران شد و از افرادی شد که هر هفته خودش را به جلسات می‌رساند و از منبر و کلاس استفاده می‌کرد. حاج آقا مجتبی جذب این افراد را هنر می‌دانست و برای جذب این افراد هم عمر شریفشان را خرج کردند.»

جلسات ایشان را جوانها تشکیل دهند و با اینکه يك روحاني سنتي به تمام معنا بودند و كاملاً سنتي رفتار مي‌کردند؛ اما با دانشگاه و اساتید رابطه نزدیکی داشتند و خیلی از اساتید و رؤسای دانشگاه برای صحبت با ایشان وقت ملاقات می‌گرفتند.»^۱
آقا اصغر قربانی، از شاگردان ایشان در این باره می‌گوید: «حاج آقا با مردم بسیار راحت بود، به خصوص که ایشان با نسل جوان با زبان خودشان سخن می‌گفت که شاید در ادبیات يك مرجع و عالم ربانی و روحانی رایج نباشد. این اتفاق می‌افتاد تا این فضا شکسته شود و جوان با ایشان احساس راحتی داشته باشد. وقتی دو تا جوان در خیابان به یکدیگر می‌رسند، چه نوع ادبیات استفاده می‌کنند؟ آیت الله تهران در مواجهه با جوانان از این ادبیات محاوره ای شاد و خلاق استفاده می‌کردند، حتی دیدم که بسیاری از افراد را به اسم کوچک صدا می‌کردند. حاج آقا با جوانان این گونه بود.»^۲
آقای علی کریمی بیش

۱. همان، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۱۲۷.

متقی، خود را به تهران و جلسات پرفیض ایشان می‌رسانند. ایشان هیچ‌گاه حاضر نبودند. کلاس درسشان تعطیل شود. «آخرین جلسه اخلاقی را که قبل از محرم تشریف بردند، ایشان با چند مسکن و با وجود تب بالا، رفتند و درسشان را تدریس کردند، در صورتی که هفته قبل ایشان در بیمارستان بستری بود. هر چه دکترها گفتند: برای ادامه درمان بمانید! ایشان حاضر نشدند و گفتند: درس در ایام محرم را می‌خواهم خودم شروع کنم. یادم هست آن سه شب ما زیر بغل ایشان را گرفتیم تا به مجلس برسد. ایشان در مباحث اخلاقی یک سبک جدیدی را آوردند که یک سبک تخصصی و دید مجتهدانه به مباحث اخلاقی بود. در مباحث اخلاقی یک موضوع را با تمام زوایا به صورت تخصصی بحث می‌کرد و تمام آیات و روایات را بررسی می‌کردند. ایشان بحث دعا را در ۶ ماه رمضان متوالی در ۱۸۰ جلسه مطرح کردند. آن هم دعاهای غیرمأثوره، نه دعاهایی که از ائمه (هدی) آمده. ۲۶۰ جلسه فقط پیرامون تقوا بحث می‌کردند. درباره مرگ ۱۰۰ جلسه بحث کردند و

مجالس پرفیض و سازنده آیت الله تهرانی در اواخر سال ۱۳۴۹ ش به دستور امام (از نجف به تهران آمد و در حالی که بیش از ۳۵ سال بیشتر نداشت، اقدام به تشکیل و برگزاري کلاس‌های تفسیری و اخلاقی کرد که بیش از ۴۰ سال؛ یعنی تا محرم ۱۳۹۱ ش (چهل روز قبل از وفات ایشان) تداوم داشت این مجالس که به صورت هفتگی در شبهای چهارشنبه برگزار می‌شد و نیز ایام ماه مبارک رمضان و دهه‌های محرم و فاطمیة نیز استمرار داشت. از آنجایی که وی فقیه، فیلسوف، عارف و معلم اخلاق بود و در اغلب رشته‌ها و علوم دینی تخصص داشت، مشتاقان و طالبان زیادی جذب مجالس و منابر سازنده این مربی اخلاق و مبلغ بااخلاص گردیدند. بنا به نقل برخی از نزدیکان، جلسات آیت الله تهرانی با ۳۰ نفر شرکت‌کننده آغاز شد که این تعداد در رمضان سال ۱۳۹۱ ش به بیش از ۳۰ هزار نفر رسید. افراد زیادی از شهرهای مختلف گرج، قم، کاشان، چالوس، زنجان و ... جهت کسب فیض و بهره‌مندی از علوم و انفاس قدسی آن بزرگمرد

دبیر مجمع تشخیص مصلحت
نظام در این باره
می‌گوید: «بسیاری از
شهادی ما، مخصوصاً
شهادی سپاه تهران،
افرادی بودند که پا
منبری آقا مجتبی
تهرانی بودند و از
فیوضات ایشان بهره‌مند
می‌شدند و با گوش دل
درسهای اخلاق آقا مجتبی
تهرانی را می‌شنیدند و
بر آنها تأثیرگذار
بود، همچنان که این
تأثیر با شهادتشان
هویدا می‌گشت. از طرفی
ایشان از حامیان دفاع
مقدس بودند و جزء
علمایی بودند که هیچ
تردیدی در دفاع از
کشور و انقلاب نداشتند
و همواره راه امام (را
ادامه می‌دادند.»^۲
آقای حداد عادل نیز
می‌گوید: «حاج آقا
مجتبی در برهوت
بی‌اخلاقیها، جان
شهروندان و مرهم
شفای ناراحتی و
ناامیدیهایشان بود.
جلوة رحمت الهی بر روی
زمین و همگان بود. در
زندگی ایشان غضب بر
مردم معنا نداشت. چنین
بود که اگر کسی با
کوهی از غصه حتی اولین
بار پای منبر ایشان
می‌نشست، پایان جلسه
سبکبال، آرام و
امیدوار خارج می‌شد.

یا بحثهای عاشورایی که
در ۱۰ سال گذشته
پیرامون قیام امام
حسین % داشتند، تحت
عنوان «سلوک عاشورایی»
منتشر شده است که هر
سال ایشان یک موضوع از
ابعاد قیام امام (را
بحث کرده، مانند هجرت
و غیرت دینی در ده
موضوع.^۱

آیت الله تهرانی مقید
بود در پایان هر جلسه
روضه بخواند و با
اینکه سخنور و مداح
نبود؛ اما صدای ایشان
دارای یک لحن و حزنی
خاص بود و با یک بیت
شعر کاری می‌کرد که
صدها مداح نمی‌توانستند
این‌گونه شور به پا
کنند.^۲ او مقتل جوانی
می‌کرد و نیز این شیوة
را به مداحان آموزش
می‌داد و به آنان سفارش
می‌کرد که جهت خواندن
اشعار، به دیوانهای
وزین و سنگینی همانند:
نیر یزدی، محتشم
کاشانی و ... مراجعه
کنند. جمع کثیری از
مجاهدان مسیر امام و
شهادی که در طی انقلاب
و جنگ به شهادت
رسیدند، از
تربیت یافتگان منابر
سازنده آن بزرگوار
بودند.
دکتر محسن رضایی،

۱. همان، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. همان، ص ۴۶.

گذاشته بودند که بدون تشریفات حضور یابند تا برای مردم هیچ گونه مزاحمتی ایجاد نشود و می‌فرمودند: پای درس من آمدن واجب نیست؛ ولی اذیت کردن مردم حرام است. وی خارج از وقت اداری برای علمایی که در نظام شاغل بودند، درس خارج فقه تشکیل می‌داد تا آنها بتوانند حرکت علمی شان را استمرار دهند. او فقیهی وارسته و مردمی بود و تا آخر عمرش مردم را رها نکرد. خطابه داشت، درس اخلاق داشت و مهذب النفوس بود. آقا مجتبی تهرانی به زی طلبگی آراسته بود. با وجود اینکه امکانات بسیاری برای زندگی مرفه داشت، هیچ‌گاه رسالت طلبگی و زهد و زندگی متناسب با این لباس را فراموش نکرد و در اوج سادگی، قناعت و خلوص نیت به زندگی خویش ادامه داد. و همین ویژگی بود که کلام ایشان را نافذ و قابل پذیرش برای آحاد جامعه و مردم تهران کرده بود. مجلس و منبر ایشان شهید پرور و بسیجی‌پرور بود. تقوای ایشان تقوایی انزواگرا و درویش‌پرور نبود. ایشان آموزگار تقوای جهادی و بسیجی بود. هیچ‌گاه بدون

برای هر کس که یکبار در جلسه حاج آقا حاضر می‌شد، دل‌کنند از ایشان مجال بود. چه بسیار جویندگان معرفتی که رمضان هر سال فقط به عشق شبهای احیای حاج آقا مجتبی از گوشه گوشه عالم خود را به مسجد جامعه بازار تهران می‌رساندند.

ویژگیهای علمی، اخلاقی و کمالات

در این مختصر به برخی از ویژگیهای آن بزرگوار می‌پردازیم:

حاج آقا مجتبی به حرفه‌ایی که می‌زد، عمل می‌کرد، حرفه‌ایش جاذبه داشت و تأثیرگذار بود. رفتار ایشان در بیرون و داخل خانه یکی بود. بسیار خودمانی و بپریا بود. وکیل یا وزیر و دوره‌گرد را به یک چشم نگاه می‌کرد. اهل عکس، مصاحبه و معرو فیت نبود. ایشان شأن روحانی بودن را بر هر شأن دیگری ترجیح می‌داد. بعد از پایان نماز جماعت، با تواضع می‌نشستند و به مسائل شرعی و سؤالات مردم پاسخ می‌داد. از تشریفات به شدت پرهیز می‌کرد و حتی برای مسئولینی که مایل بودند در جلسات عمومی ایشان شرکت کنند، شرط

خدمات سیاسی

وقتی که به اسناد انقلاب اسلامی و فعالیت‌های روحانیون در طول نهضت مقدس امام خمینی (مراجعه کردم، نام و امضای آیت الله تهران را فقط در پای چند اعلامیه و بیانیه مهم و خاص دیدم که نسبت به فعالیت سایر شاگردان امام بسیار اندک و ناچیز به شمار می‌آمد؛ اما نقش و جایگاه ایشان در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار ممتاز و ویژه و موقعیت سیاسی ایشان نزد امام راحل (منحصر به فرد بود که در اینجا به شمه ای از خدمات سیاسی ایشان اشاره می‌شود: آیت الله سید جعفر شبیری زنجانی در این باره می‌گوید: «ایشان قبل از انقلاب در فعالیت‌های سیاسی دارای یک نفوذ خاصی بودند. یک روز روحانیون در منزل آقای مروارید جمع بودند که از این میان حجت الاسلام ایروانی نیز در این جمع حضور داشتند. بعد از ظهر خدمت ایشان بودم که آیت الله تهران با تبریز تماس گرفتند و به دوستان در این شهر اطلاع دادند که ایروانی را دستگیر کردند. مردم هم با شنیدن این خبر

مطالعات عمیق و وسیع قبلی و بدون آمادگی، در درس حاضر نمی‌شد. مطلب تکراری نداشت و از تتبع آرای بزرگان کم نمی‌گذاشت. در کلاس‌های عمومی بیش از ۴ ساعت مطالعه داشت. قبل از منبر، مطالب را م‌رور می‌کرد. عامل به علم دینی خود و شهرت گریز بود. نحوه صحبت کردن تا رفتار و گفتار و عبا انداختن و نشستن و برخاستن ایشان انسان را یاد حضرت امام (می‌انداخت. نظم ایشان به گونه ای بود که همیشه در جلساتشان حضور داشتند و هیچ‌گاه نشد که مردم غیبت و یا تأخیر ایشان را ببینند. وقتی از ایشان راجع به مسائل استفتا می‌کردند، می‌فرمود: اول ببینید رهبر نظام در این مسئله فتوایی داده است یا نه! اگر فتوایی داده است، فتوای مرا نقل نکنید. زیارت اول هر ماه ایشان از حرم حضرت عبد العظیم % ترك نمی‌شد و نیز در توسلات، بسیار قوی و مدام اهل ذکر و راز و نیاز بود و به اهل بیت) به خصوص امام حسین% ارادت خاصی داشت.

۱. در این باره به سایت اینترنتی آیت الله مجتبی تهران مراجعه فرمایید

از نوارهای سوره حمد ایشان که در اواخر سال ۱۳۵۵ ش ایراد شده بود، توسط ساواک ضبط شد. و خلاصه آنکه آن مرحوم در سال ۱۳۳۷ ش کتاب «مکاسب» و «رسائل» امام راحل را به چاپ رساندند. پس از تبعید امام (به نجف و ترکیه، کتاب «تحریر الوسيله» امام (را به ایران آوردند و موجبات چاپ آن را فراهم کردند و مسئول کتابخانه امام) در قم بودند.^۳
رحلت غم‌انگیز

آیت الله تهرانی بعد از عمری خدمت به اسلام و تربیت نفوس و خدمت به مکتب نورانی تشیع و پرورش شاگردان و شایستگان فراوان برای نظام مقدس اسلامی، سرانجام در آستانه اربعین حسینی% به سال ۱۳۹۱ (۱۳ دی سال ۱۳۹۱) به سرای باقی و لقای محبوب شتافت. پیکر پاکش با حضور میلیونی مردم شهیدپرور تهران تشییع و بعد از اقامه نماز توسط ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای> با شکوه خاصی در جوار حرم حضرت عبدالعظیم حسینی% به خاک سپرده شد. عاش سعیداً و مات سعیداً.
رهبر فرزانه انقلاب

جلوی فرمانداری تجمع کردند، به صورتی که وحشت فرمانداری را گرفته بود. بعد از نماز منزل ایشان بودم. در حال صحبت ك ردن بودیم که تلفن زنگ زد و ایشان گوشی را برداشتند. آن طرف خط، آقای ایروانی بودند. ایشان به آیت الله تهرانی گفتند که نمی دانم چه شد که يك مرتبه ساواکیها آمدند و همه را آزاد کردند؟! هیچ وقت هم مطلع نشدند که جریان آزادی آنان از طریق يك تلفن آیت الله تهرانی حل و فصل شد.^۱
حجت الاسلام سید محمود دعایی در این باره می‌گوید: «ایشان یکی از پیشکسوتان نهضت امام) بودند و از جمله کسانی بودند که برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی تلاشهای ویژه ای را داشتند.»

ایشان در پیروزی انقلاب نقش بسیار مهمی داشتند و يك نیروی محوری و بسیار فعال بودند. در آن زمان ساواک خیلی روی ایشان حساس بود؛ ولی آیت الله تهرانی به قدری زرنگ بودند که کم تر گیر مأموران ساواک می‌افتادند؛ ولی بخشی

۱. ویژه‌نامه نشان، سازمان تبلیغات اسلامی، ش ۴، زمستان ۹۱، ص ۱۱.
۲. همان، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۳۳.

اسلامى با صدور پیام
تسلیتی، این ضایعه
مؤلمه را به همگان
تسلیت گفت که متن آن
بدین شرح است
«بسم الله الرحمن
الرحیم، با تأسف و
تأثر فراوان، خبر
درگذشت عالم عامل
ربّانی مرحوم آیت الله
آقای حاج آقا مجتبی
تهرانى (را دریافت
کردم . این حادثه
ناگوار ضایعه ای برای
حوزه علمیه و روحانیت
و جامعه مذهبی تهران و
به ویژه به ارادتمندان
و شاگردان ایشان و
جوانانی است که از
مجالس پرفیض و درسهایی
سازنده این معلم اخلاق
بهره میبردند. اینجانب
تسلیت صمیمانه خود را
به آن بیت شریف و
بازماندگان، به ویژه
اخوی بزرگوار و نیز به
همسر مکرم و آقازادگان
ارجمند و دیگر
بازماندگان این بیت
شریف تقدیم داشته، علو
درجات آن فقیه سعید را
از خداوند متعال مسئلت
مینمایم.
سید علی خامنه ای،
۱۳ دی ماه ۱۳۹۱ ش.»



(۱۹)

آشنایی با منابع معتبر شیعه

مجمع البحرين

و

مطالع النیرین

دائرة المعارف قرآن و حدیث



ی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

مقدمه

آشنای ی و بهره گیری از کتاب «مجمع البحرين و مطلع النیرین» برای هر محقق و مبلغی ضروری است. این موسوعه، یکی از مهم ترین کلیدهای لغات قرآن و حدیث بوده، منبع مفس رین و محققین علوم قرآنی و از منابع متقن فقه شیعه است که قرن یازدهم نگاشته شده و محل رجوع فقهای بزرگ و محدثین در این سه قرن اخیر می باشد. مؤلف آن «فخر الدین طریحی» پیشوا و عارف عصر و از پارساترین مردم روزگار خویش بود. وی استاد راوی ان و عالمان برجسته و معروفی همچون: شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و سید هاشم بحرانی (صاحب تفسیر ارزشمند البرهان) بوده

است.

علامه طریحی، در این کتاب دربار ة ضرورت تألیف آن چنین می گوید: «چون در شرح روایات و احادیث منسوب به غیر معصومین و اهل بیت رسول خدا- کتابهای متعددی نگاشته شده است و از میان اصحاب و علمای بزرگ نیز کتابی مستقل و گویا در شرح اخبار و روایات معصومین (نگاشته نشده است... بر آن شدم تا در شرح سخنان و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت) این کتاب را به نگارش درآورم و واژه های غریب و ناآشنای قرآنی را نیز بر آن افزودم تا از کتاب و سنّت، با هم بهره برده شود.» این کتاب مجموعه ای از لغات مهم و الفاظ

قرار گرفته است
 «مجمع البحرين» از
 زمان تألیف تا کنون با
 تحقیقاتی از سوی
 محققان در شهرهای
 مختلف و توسط ناشرین
 متفاوت منتشر شده است.
 از جمله چاپ تهران در
 سال ۱۲۶۶ق، و نجف در
 سال ۱۳۸۶ق، و بیروت
 چاپ مؤسسه البعثة
 ۱۴۱۴ق در ۳ جلد .
 معروفترین چاپ «مجمع
 البحرين» توسط «احمد
 حسینی اشکوری» تصحیح
 شده و در سال ۱۳۷۵ش در
 شش جلد توسط «نشر
 مرتضوی» در تهران
 بارها تجدید چاپ شده
 که جدیدترین چاپ آن در
 سال ۱۳۹۰ش توسط مؤسسه
 البعثة، یا مرکز
 الطباعة و النشر در
 تهران بوده است
 آغاز کتاب

خطبة آغازین کتاب
 این گونه است : «بِسْمِ
 اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِه
 نَسْتَعِينُ، الْحَمْدُ لِمَنْ خَلَقَ
 الْإِنْسَانَ، وَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ
 وَ التَّبْيَانَ، وَ أَوْضَحَ لَهُ
 الْهُدَى وَ الْإِيمَانَ، وَ
 الصَّلَاةَ عَلَى مَنْ حَمَى
 بِالْفُرْقَانِ، وَ الْآثَارِ
 الْمَحْمُودَةِ الْجَسَانَ، وَ
 إِلَيْهِ حُجُجُ الرَّحْمَنِ، وَ
 الْمُطَهَّرِينَ عَنِ الرَّجَسِ بِنَمِّ
 الْقُرْآنِ أَمَّا بَعْدُ : فَلَمَّا
 كَانَ الْعِلْمُ بِاللُّغَةِ
 الْعَرَبِيَّةِ مِنَ الْوَاجِبَاتِ
 الْعَقْلِيَّةِ، لِتَوْقُفِ الْعُلُومِ
 الدِّينِيَّةِ عَلَيْهِ، وَجَبَ عَلَى

ناآشنایی است که در
 قرآن و روایات به کار
 رفته و از مشهورترین
 آثار مؤلف به شمار
 می آید. علاوه بر این،
 وی در این کتاب به
 لغات دیگر نیز پرداخته
 است و اساساً «مجمع
 البحرين» را باید از
 دو زاویه نگاه کرد :
 یکی از بعد لغوی، که
 در میان اکثر
 پژوهشگران به این
 موضوع شهرت دارد ، و
 دوم از زاویه جامعیت
 معارف و اطلاعات مهم که
 جنبه دایرة المعارفی
 بودن دارد.

فخرالدین طریحی
 «مجمع البحرين» را بعد
 از نگارش کتاب «غریب
 القرآن» و «غریب
 الحدیث» در روز سه
 شنبه، ششم رجب سال
 ۱۰۷۹ق به سامان رسانده
 است.

مؤلف، کتاب خود را
 به سبک «صحاح اللغة»
 جوهری مرتب کرده است .
 با این فرق که در
 «مجمع البحرين» به
 خاطر سهل بودن، برای
 الف و همزه، ابوابی
 جداگانه اختصاص داده
 است و در ترتیب مواد
 حروف کتاب، به جای در
 نظر گرفتن حرف اول،
 آخر کلمات مورد توجه

۱. مجمع البحرين فخر الدین
 بن محمد طریحی، دفتر فرهنگ
 اسلامی، تهران، چاپ سوم،
 ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۳۶۸.

المُكَلِّفِينَ مَعْرِفَتَهُ وَ

الإلتفاتِ إِلَيْهِ...»

جمع میان لغات مهم در کنار الفاظ و واژه‌های غریب^۱ که در قرآن و سنت طاهره و روایات اهل بیت (وارد شده، از امتیازات مهم این کتاب است و این نکته در درک صحیح معانی آیات و تفسیر آن بسیار سودمند و مفید است و در مباحث تفسیری بسیار مورد توجه و استفادۀ مفسرین و

محققین قرآنی می‌باشد. علاوه بر آنکه «مجمع البحرين» کتابی لغوی است، کتاب «غریب قرآن» و کتاب «غریب حدیث» نیز به شمار می‌آید.

قطراتی از دریا

این کتاب در درک صحیح معانی روایات اعتقادی، فقهی، اخلاقی، رجالی، تاریخی و... به مبلغان و محققان کمک شایان توجهی می‌کند. در این کتاب به اسامی بسیاری از پیامبران الهی، راویان احادیث، علما، دانشمندان اسلامی، پادشاهان و شخصیت‌های بزرگ پرداخته شده است. همچنین علاوه بر معانی واژه‌ها، شامل آیات قرآن کریم، روایات، احادیث، بحث‌های تفسیری و معجزات قرآن، سخنان بزرگان و مطالب فراوان دیگری نیز هست مثلاً در ماده «مَثَم»

به معرفی شخصیت یار وفادار امام علی % می‌پردازد و می‌نویسد: «بَاب مَا أَوْلِيَهِ الْمِثْمُ : (مَثَم) : مِثْمُ التَّمَارُ . صَاحِبٌ عَلِيٌّ % قَالَ : أَتَيْتُ بَابَ عَلِيٍّ % فَقِيلَ لِي : نَائِمٌ ، فَتَأَدَيْتُ : انْتَبَهَ

۱. واژه‌های «غریب» به الفاظ ناآشنای به کار رفته در احادیث گفته می‌شود؛ واژه‌های نامفهومی که گاه در جای حساس و اصلی حدیث قرار می‌گیرند و تمام سخن را گنگ می‌سازند و تا درک نشوند، حدیث فهمیده نمی‌شود. غریب الحدیث نگاران، با مطالعه هزاران حدیث توانسته‌اند با فرهنگ سخنان گویندگان حدیث آشنا شوند و با سود جستن از منابعی مانند احادیث مشابه، کتاب‌های لغت و تفاسیر رسیده از استادان خود، به معانی این واژه‌های دیرپاب و نامأنوس برسند. غریب الحدیث‌ها فراوان اند و بهترین و کاراترین آنها، در میان اهل سنت، النهایة ابن‌اثیر (م ۶۰۶ ق) می‌باشد. ابن‌اثیر، افزون بر شرح مختصر واژه‌ها و آوردن معانی هیئت‌های گوناگون آنها، بخشی از متن حدیث را که مشتمل بر آن واژه است ذکر می‌کند تا خواننده بتواند گزینش و قضاوت کند. و در میان شیعه همین کتاب مجمع البحرين و مطلع النیرین فخرالدین طریحی، بهترین اثر در زمینه غریب الحدیث است. (درسنامه فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، سازمان چاپ و نشر دارالحیث، قم، ص ۸۳).

۲. غریب الحدیث با حدیث غریب تفاوت دارد؛ غریب الحدیث واژه‌های ناآشنای حدیث هستند و حدیث غریب یعنی حدیث شاذ و نامأنوس که تنها یک طریق نقل دارد

منبع متفکران اسلامي فقيه و محدث کم نظير؛ شيخ يوسف بحراني)
 ايشان در جاي جاي موسوعه عظيم فقهی اش «الحدائق الناضرة» به اين دائره المعارف اسلامي استناد کرده است. به عنوان مثال او در معنای "معاون" ميگويد: «و قال تعالى: [وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ]» در مجمع ال بحرين آمده : معاون اسم جامعي است براي تمام اساس منزل كه به نوعي اهل خانه از آن بهره مي برند . مانند: ديگ، سطل، نمك، آب، چراغ، ظروف مختلف و شبيه اينها كه طبيعتاً مي توان عاريه و براي استفاده به ديگري داد.»
 مورخ و شخصيت نگار نامدار؛ علامه سيد محسن امين عملي) علامه سيد محسن امين در كتاب «اعيان الشيعه» از اين منبع علمي فراوان بهره مي گيرد . از جمله مي توان به اين سخن اشاره كرد كه در مورد جناب ام كلثوم ، دختر گرامي پيامبر - آورده است: «أم كلثوم، دختر

أَيُّهَا النَّائِمُ فَوَاللَّهِ لَتَحْضَبَنَّ لِحَيْتِكَ مِنْ رَأْسِكَ، فَقَالَ : صَدَقْتَ وَ اللَّهُ، لَتَقْطَعَنَّ يَدَاكَ وَ رِجْلَاكَ وَ لِسَانَكَ، وَ لَتُصَلِّبَنَّ، فَقُلْتُ : وَ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ : لِيَأْخُذَنَّ الْعُتْلُ الزَّيْمُ ابْنَ الْأَمَةِ الْفَاجِرَةَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ. وَ كَانَ الْأَمْرُ كَمَا قَالَ%؛ ميثم تمار يار وفادار حضرت علي % گفت : به منزل اميرالمؤمنين% آمد م . گفته شد به من : ايشان خواب است . با صدای بلند فریاد برآورد م : ای خفته! برخیز که به خدا سوگند ریش تو از خون سرت خضاب خواهد شد. [امير المؤمنين % بیدار شد و [فرمود : آری، راست می گویی و به خدا [سوگند که دستها و پاها و زبان تو نیز بریده و بر این درخت خرمایی که در کناسه کوفه است، [آویخته خواهی شد . گفتم : یا اميرالمؤمنين! چه کسی این کار را نسبت به من انجام می دهد؟ فرمود : مرد شکمبارة فرومایه و پسر کنیزك بدکاره ، عبیدالله بن زیاد(لعنة الله) تو را خواهد گرفت . و دقیقاً شهادت میثم ، همانطور كه ه علي % فرموده بود، اتفاق افتاد.»

۱. الماعون/ ۷.
 ۲. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن احمد بن ابراهيم ال عصفور بحراني (۲۵ جلدی)، دفتر انتشارات اسلامي، قم، اول، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، ص ۴۷۷.

می نویسد: «و فی المجمع: أنه السیل الذي یعم بتغریقه الأرض و هو ماخوذ من الطوف فیها: و در مجمع البحرین می گوید: این کلمه به معنای سیلی است که زمین را در خود غرق کند، و اصل آن، ماده "طوف" است که به معنای طواف و دور زدن می باشد.»
متفکر شهیر، استاد شهید مرتضی مطهری)

استاد شهید مطهری (همواره از این مجموعه علمی - معنوی در تحقیقات و بررسیهای خود بهره برده است. ایشان در مورد و اژه «حسبه» می نویسد: «این کلمه در اجتماع اسلامی برای خود جا پیدا کرد. تدریجاً در اصطلاح فقها و علما هم راه پیدا کرد و بعضی باب امر به معروف و نهی از منکر را «باب الحسبه» نامیدند. صاحب «مجمع البحرین» هم با اینکه تنها در صدد تفسیر و شرح لغاتی است که در قرآن کریم یا احادیث آمده است و همان طوری که عرض کردم، در قرآن

رسول گرامی اسلام - است که در شعبان سال نهم هجرت وفات یافت. مادرش خدیجه، دختر خویلد، ام المؤمنین است. ام کلثوم مسلمانی است که در این راه مشقت هجرت را هم متحمل گردید. او با عثمان بن عفان ازدواج کرد و در خانه او (با آزار و اذیت فراوان روحی و جسمی) وفات یافت. در برخی دعاها ماه رمضان آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي رُقِيَّةٍ وَ أُمِّ كَلْثُومٍ بِنْتِي نَبِيِّكَ وَ الْعَنِّ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهِمَا»

در «مجمع البحرین» می خوانیم: «از ثمرات ازدواج رسول خدا - با حضرت خدیجه و چهار دختر به نامهای زینب، فاطمه، رقیه و ام کلثوم بود که همگی اسلام را درک کرده و با آن گرامی به مدینه هجرت کردند.»
مفسر برجسته؛ علامه طباطبایی)

ایشان در تفسیر آیه شریفه [فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ] از این کتاب بهره گرفته است و

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، نشر دفتر انتشارات اسلامی (۲۰ جلدی)، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۷۷.
۴. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۹۱، ماده طوف

۱. المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ابراهيم بن علي عاملي كفعمي، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق، ص ۶۳۰.
۲. أعيان الشيعة، سید محسن امین عاملي، نشر دار المعارف للمطبوعات (۱۱ جلدی)، بیروت، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۴۸۷.

حواشی خود را بر این کتاب به عنوان «مستدرک مجمع البحرين» پدید آورده و لغاتی جدید بر این کتاب افزوده است.
۲. میرزا لطف علی

شیرازی، ملقب به صدر الأفاضل، حکیم و عارف قرن ۱۳ و متولد ۱۲۶۸ق، تعلیقه ای به نام «رسالة أواسط القلائد» در تاریخ ۱۲۹۹ق بر این کتاب نگاشته است.

۳. نجم الممالک، میرزا اسماعیل بن زین العابدین تهرانی، ستاره شناس مشهور به مصباح، متولد ۱۳۰۰ق و معاصر با «آغ ابزرگ تهرانی» که «مجمع البحرين» را به فارسی ترجمه کرده و با افزودن لغات فراوان دیگر به نام «ترجمه مجمع البحرين» منتشر نموده است.

علاوه بر دانشمندان فوق، علمای دیگری از جمله سید میرزا محمد بن میرزا علی اصغر طباطبایی تبریزی بر این کتاب حاشیه نوشته اند.

دیدگاه علامه آغ ابزرگ

۲. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، شیخ آغ ابزرگ تهرانی، نشر اسماعیلیان، قم و کتابخانه اسلامیة تهران، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۵ و ج ۲۲، ص ۲۰۰.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

کریم و حدیث این ماده به معنی امر به معروف و نهی از منکر نیامده، در عین حال به ملاحظه اینکه در عصر صاحب مجمع البحرين این ماده به این معنی استعمال می شده، می گوید:

«الجسنة بالمعروف و النهی عن المنکر»

آثاری پیرامون مجمع البحرين

از آنجایی که این اثر ارزشمند از همان زمان انتشار مورد توجه مشتاقان علم و معارف اهل بیت قرار گرفته، عالمان متعددی بر آن حاشیه، تعلیقه، مستدرک و توضیحات نوشته اند که حاکی از نفوذ این کتاب در محافل علمی و فرهنگی است. برخی از آنان عبارتند از:

۱. فرزندی دانشمند مؤلف، شیخ صفی الدین بن شیخ فخرالدین طریحی نجفی (متوفای ۱۱۰۰ق) مجموعة تعلیقات و

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرتضی مطهری، نشر صدرا، تهران، ج ۲۰، ص ۱۹۴؛ مجمع البحرين، ج ۲، ص ۴۱. محتسب هم که مشتق از این واژه است، به مأمور حکومت که وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است، گفته می شود. سعیدی در گلستان قاضی اربابا ما نشیند برفشان دست را محتسب گر می خورد، معذور دارد مست را

معرفی فخر الدین طریحی ولادت و تحصیلات

فقیه اصولی، عارف، لغت شناس برجسته، شخصیت نگار، نکته سنج، قرآن پژوه، مفسر، خطیب و ادیب سرشناس شیعه در قرن یازدهم، فخر الدین بن محمد بن یعقوب طریحی اسدی رمّاحی^۳، در سال ۹۷۹ هجری قمری در شهر نجف اشرف، در خانواده ای اهل علم و دانش پرور به دنیا آمد. او از همان کودکی در محضر پدر دانشمندش، محمدعلی طریحی و عموی فاضل خود، شیخ محمدحسین طریحی به فراگیری علوم و سیرة محمد- و آل محمد) پرداخت و به مراتب عالی علم و فضیلت و صفات پاک نفسانی و ملکات شریفه نایل آمد.

خاندان

«آل طریحی» از خاندان های ریشه دار و اصیل نجف اشرف می باشند. این خاندان منسوب به طایفه «حبیب

تهرانی)

دانشمند سخت کوش و کتابشناس نامدار شیعه، علامه شیخ آغابزرگ تهرانی (مؤلف «الذریعة») می گوید: «کتاب مجمع البحرین و مطلع النیرین فی غریب القرآن و الحدیث، اثر بزرگ دانشور شیعه، جناب فخر الدین بن طریحی نجفی است که ماده تاریخ وفاتش (۱۰۸۵) را این آیه

[يَطُوفُ عَلٰى هِمِّمْ وَلِدَانٌ

مُخَلَّدُونَ] قرار داده اند. وی این کتاب را بعد از کتاب «غریب القرآن» و «غریب الحدیث» به رشته تحریر کشیده است. وی در آن دو کتاب قبلی، لغات قرآن و حدیث را به طور کامل نیاورده بود؛ ولی در این مجموعه همه را گرد آورده است. غالب آنها راه م از کتابهای «صحاح» اسماعیل جوهری و «قاموس اللغه» فیروز آبادی و «نهاية» ابن اثیر و «المجمل من اجناس اللغه» و «المغ رب الغریب» و أمثال آن استخراج کرده است.^۲

۳. او را «طریحی» گویند؛ چراکه منسوب به شیخ طریح بن خفاجی است و او را «اسدی» گویند؛ زیرا منسوب به «اسد بن ربیعة بن نزار»، بزرگ قبیله «ربیع» می باشد و او را «رمّاحی» گویند؛ چون که منسوب به شهر «رمّاحیه» از شهرهای نزدیک به رودخانه فرات است که در حوالی شهر نجف اشرف می باشد.

۱. واقعه / ۱۷. همان، ج ۲۰، ص ۲۳.

برای زیارت امام رضا % داشته و مدتی نیز در آن دیار اقامت گزیده است. طریحی طی سفری به اصفهان، با علمای بزرگ آن سامان دیدار داشته و مدتی نیز در آن شهر ساکن شد . وی در مسافرتهاى خود، پیوسته مشغول به کارهای علمی و دیدار با دانشمندان و اهل علم بوده است . او هم واره این کلام امام صادق % را نصب العین خود ساخته بود که : **«لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ : أَمَّا غَايِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا»**^۱؛ هیچ وقت دوست ندارم یکی از جوانان شما (شیعه) را ببینم ، مگر اینکه در یکی از دو حال شب و روز خود را سپری کند : یا دانا باشد، یا یاد گیرنده.»

همچنین او در این ایام دست از نگارش و تألیفات علمی خود نکشید و برخی از تألیفات خود را در همین سفرها نگاشت که در آخر برخی از کتابهای خود به آن اشاره دارد.^۲

بن مظاهر»، یار وفادار امام حسین % است. آنان در نیمه های قرن ششم هجری به نجف اشرف آمدند و در برخی از زمانها ، تولیت حرم امیر مؤمنان علی % را عهده دار گشته و گاهی نیز حکومت و ولایت شهر بر عهده آنان بوده است.

از میان خاندان طریحی، جمع فراوانی از دانشمندان، شاعران، ادیبان و نویسندگان برخاستند که آثار ارزشمندی از آنان بر جای مانده و این دلیلی بزرگ بر سعی و تلاش فراوان علمی این خاندان در ادوار مختلف تاریخی است و آثار بر جای مانده از آنان، شاهی بر فعالیت های فرهنگی و مشارکت فعال در رونق علم و دانش و نشر آن است. پدرش، شیخ محمدعلی طریحی و عمویش، شیخ محمدحسین طریحی از آن جمله اند.

سفرهای نتیجه بخش

فخر الدین طریحی در راه رسیدن به کمال و تحقیقات علمی مسافرتهاى متعددی داشت. او در سال ۱۰۶۴ق برای زیارت خانه خدا و انجام فریضة حج به مکه مکرمه مشرف شد . وی سفری نی ز به خراسان

۱. أمالي ، محمد بن حسن طوسی، نشر دار الثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۳.
۲. موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی ، نشر مؤسسه

طریحی در عرصه شعر و ادب و مرثیه

طریحی سه نوع دیوان شعر پدید آورد که اکثر آنها در مدح و مرثی (اهلبیت) است.

اساتید و مشایخ طریحی

او در راه رسیدن به کمالات علمی و معنوی از هیچ کوششی فروگذاشت و نکرد و از اساتید و مشایخ زده بهره برد که از میان آنها می‌توان به این افراد اشاره نمود:

۱. محمد علی طریحی ؛

پدرش گرامی ایشان که بیشتر تحصیلات علمی خود را نزد او فراگرفته و از ایشان اجازه روایت نیز دارد.

۲. محمد حسین

طریحی؛ عموی ایشان که از عمویش نیز اجازه روایت دارد.

۳. محمد بن جابر بن

عباس نجفی ؛ اجازه روای ایشان از این استاد تا سید محمد عاملی ، صاحب «مدارک» چند واسطه دارد که عبارتند از: طریحی از محمد و او از جابر بن عباس نجفی و او از شیخ

عبدالنبی جزایری و او نیز از سید محمد عاملی (صاحب مدارک) اجازه

روایت دارد.

۴. سید امین شرف

الدین علی شولستانی؛

طریحی از طریق ایشان از میرزا محمد رجالی ، از شیخ ابراهیم میسی ، از پدرش نور الدین علی بن عبد العالی عام لی میسی نیز اجازه روایت اخذ کرده است

۵. شیخ محمود بن

حسام جزایری؛ طریحی از

طریق ایشان از شیخ

بهاء الدین عاملی نیز

اجازه روایت دارد.^۲

شاگردان و روایتگران مکتب^۳

شیخ فخر الدین

طریحی شاگردان فراوانی

را تربیت نمود که هر

یک از آنان در رتبه خاصی

قرار گرفته ، به نوبت خود خدمات

ارزنده‌ای به جامعه علم

و دانش و فرهنگ ارائه

کرده اند . از جمله

شاگردان و راویان او

می‌توان به دانشمندان

زیر اشاره کرد:

۱. ملا محمدباقر بن

محمدتقی مجلسی (متوفای

۱۱۱۱ق).

۲. سید هاشم بن

سلیمان بحرانی (متوفای

۱۱۰۷ق) صاحب تفسیر

۱. شیخ علی بن عبد العالی

العاملی المیسی معروف به

«محقق میسی صاحب الرسالة

المیسیة فی الفقه» شهرت

دارد.

۲. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵.

۳. همان.

امام صادق (ع)، قم، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۲۱ - ۲۲۳.

- «البرهان في تفسير القرآن» که چندی در نجف اشرف به سر برده و در همین زمان است که از شیخ فخر الدین طریحی روایت نموده است.
۳. فرزندان ، صفی الدین طریحی (متوفای بعد از سال ۱۱۰۰ق).
۴. پسر برادرش ، حسام الدین بن جمال الدین طریحی که در سال ۱۰۹۵ق در گذشت.
۵. محمد بن حسن حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ق)، صاحب کتاب ارزشمند «وسائل الشیعة».
۶. سید نعمت الله موسوی جزایری (متوفای ۱۱۱۲ق) مؤلف کتاب «انوار نعمانیه».
۷. سید محمد بن اسماعیل بن محمد حسینی نجفی؛ وی کتاب «جامع المقال» را نزد طریحی خوانده و در تاریخ ربیع الأول سال ۱۰۵۹ق نیز از ایشان اجازه روایتی دریافت کرده است.
- تألیفات گرانسنگ**
این محقق بزرگ و دانشمند نام آور شیعه، به غیر از «مجمع البحرين» آثار گرانبها و تألیفات ارزشمند دیگری در موضوعات: فقه، اصول، اخلاق، لغت، رجال، ادبیات، حدیث،
- ریاضیات، کلام، دعا، عرفان، شعر، مرثیه، خطابه و تفسیر به نگارش درآورده است که حاکی از جامعیت و احاطة این دانشور تلاشگر در ابعاد مختلف علمی دارد و برخی از آنان در مجامع علمی مورد توجه ویژه قرار دارند، از جمله:
۱. الأدلة الدالة علی مشروعیة العمل بالظن المستفاد من الكتاب و السنة؛ در اصول فقه.
 ۲. الأربعون حديثاً (چهل حدیث)؛
 ۳. إيضاح الأحباب في شرح خلاصة الحساب؛ در ریاضیات است. وی در ۹ رجب سال ۱۰۷۱ق در اصفهان نگارش این کتاب را به پایان برده است.
 ۴. ترتیب خلاصة الأقوال علامة حلی؛ در رجال.
 ۵. ترتیب مشیخة من لا يحضره الفقيه شیخ صدوق؛ در رجال.
 ۶. تحفة الوارد و عقال الشارد؛ در علم لغت.
 ۷. تحفة الإخوان في تقوية الإيمان؛ در اخلاق.
 ۸. تقلید المیت؛ این کتاب رساله ای



- دربارة مسائل تقليد ميّت است . وي در اين كتاب به طرح ٧ دليل از برخي معاصرين خود و ردّ آنها پرداخته است.
١٤. ديوان شعر؛ سه ديوان.
١٥. شرح مبادى الوصول للعلامة الحلي؛ در اصول فقه.
١٦. شفاء السائل في مستطرفات المسائل؛ اين كتاب در علم مواقيت الصلاة و در فقه است.
١٧. اللمعة الوافية في أصول الفقه؛ نام ديگر اين كتاب «فوائد الأصول» است كه در سال ١٠٥٧ق از نگارش آن فارغ گشته است . آغابزرگ تهراني در «الذريعة» نام اين كتاب را «الاثنى عشر» آورده است.
١٨. غريب أحاديث الخاصة؛ در لغت كه قبل از «مجمع البحرين» تأليف کرده است.
١٩. غريب القرآن؛ در لغت كه اين كتاب در سال ١٣٧٢ق در نجف اشرف به چاپ رسیده است.
٢٠. الفخرية الكبرى؛ در علم فقه.
٢١. الفخرية الصغرى؛ كه مختصر كتاب «الفخرية
٩. التكملة و الذيل و الصلة للصحاح؛ در علم لغت كه در تكميل كتاب «ص حاح» جوهرى است.
١٠. جامع المقال فيما يتعلق بأحوال الدراية و الرجال؛ در رجال كه نام ديگر اين كتاب «تمميز المشتركات من الرجال» است و علامه آغابزرگ تهراني نام آن را در كتاب ارزشمند «الذريعة» خود «تمميز المتشابه من الرجال» آورده است.
١١. جامعة الفوائد؛ در ردّ اخبارى مشهور، ميرزا محمدامين استرآبادى است . دو نسخه خطى از اين كتاب در كتابخانه آيت الله مرعشى (به شماره ٣٠٢٨ و كتابخانه دانشكده ادبيات تهران به شماره ٣٨٣/٣ موجود است.
١٢. جواهر المطالب في فضائل الإمام علي بن أبي طالب%؛ در امامت.
١٣. حاشية المعتبر في شرح المختصر للمحقق الحلي؛ در فقه.

١. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آغابزرگ تهراني، ج ١٦، ص ٤٦.

- کتاب - که معروف به «منتخب طریحی» است - سه دوره است . بزرگ، متوسط و کوچک که دوره متوسط آن بارها در تهران، بمبئی، نجف اشرف و بیروت به چاپ رسیده است.^۳
۳۱. مقدمه النکت الفخریة ؛ در اصول فقه .
۳۲. النکت اللطیفة فی شرح الصحیفة ؛ در دعا و عرفان . این کتاب شرحی است بر کتاب «صحیفة سجادیة» .
۳۳. نزہة الناظر فی تفسیر القرآن الکریم ؛ در تفسیر.^۴
- طریحی از منظر اهل نظر تمام علمای علم رجال بر دانش سرشار، زهد، تقوا و پایبندی علامه طریحی به دستورات دین و پرهیز از زخارف دنیوی و روی آوردن به مکارم اخلاق و فضایل
۳. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، آغابزرگ تهرانی، ج ۲۲، ص ۴۲ .
۴. در تهیه فهرست تألیفات ایشان، علاوه بر «الذریعة» از این منابع استفاده شده است: ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۳۲؛ تعلیقة أمل الآمل، ص ۲۲۵؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۱۵؛ الکنی و الألقاب، چاپ مکتبه صدر، ج ۲، ص ۴۴۸؛ الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، ج ۱، ص ۵۷۱؛ أعیان الشیعة، سید محسن امین، ج ۸، ص ۳۹۵ .
- الکبری» است .
۲۲. الفوائد من کتاب الضیاء اللامع .
۲۳. کشف غوامض القرآن؛ که فهرستی از آیات قرآن است
۲۴. کنز الفوائد فی تلخیص الشواهد؛ این کتاب خلاصه کتاب «معاهد التنصیص ع لی شواهد التلخیص» است .
۲۵. الكنز المذخور فی عمل الساعات و الأيام و الیالی و الشهور ؛ در دعا و عرفان .
۲۶. مجمع الشتات فی النوادر و المتفرقات
۲۷. المستطرفات فی شرح نهج الهداة ؛ این کتاب در شرح «نهج البلاغة» است .
۲۸. مشارق النور للکتاب المشهور؛ که نام دیگر آن «المشارق الطریحیة» است .
۲۹. مقتل أبي عبدالله الحسين %؛ که در کتابخانه ملا محمدعلی خوانساری در نجف موجود است و غیر از «منتخب طریحی» است .
۳۰. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب؛^۲ در مرثیه و خطابه . این
۱. همان، ج ۲۲، ص ۲۷ .
۲. برخی از عالمان نقدهایی بر این منبع عاشورایی مطرح کرده اند .

می‌فرماید: «الشیخ فخر الدین بن محمد بن علی بن احمد بن طریح النجفی، فاضل زاهد ورع عابد فقیه شاعر جلیل القدر . او دانشمندی فاضل و شخصیتی زاهد، با تقوا، عابد، فقیه، شاعر و جلیل القدر بود.»^۲

(ج) شیخ حسن بلاغی نجفی:
شیخ حسن بلاغی نجفی^۳ دربار ایشان می‌فرماید: «او ادیبی بزرگ، فقیهی نام‌آور و محدثی عظیم‌الشان، جلیل القدر و از مقام و منزلتی بس رفیع برخوردار بود . طریحی با تقواترین، عابدترین و پرهیزگارترین اهل زمان خود بود.»

(د) شیخ عباس قمی:
محدث جلیل القدر، شیخ عباس قمی (در تجلیل از مقام علمی و معنوی طریحی می‌فرماید: «ایشان دانشمند فاضل و محدث با تقوا، زاهد، عابد، فقیه، شاعر و شخصیت برجسته جهان تشیع است . او روایات اهل‌بیت) را به واسطه

نفسانی ایشان اتفاق نظر دارند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:
(الف) میرزا عبدالله افندی اصفهانی؛ مؤلف «ریاض العلماء»:

ملا عبدالله افندی، در کتاب ارزشمند «ریاض العلماء» درباره ایشان می‌فرماید: «شیخ فخر الدین طریحی - که رضای خدا بر او باد - عابدترین و با تقواترین اهل زمان خود بود و از آثار زهد و تقوای او ساده زیستی اش بود . او هیچ‌گاه لباس ابریشم نپوشید و پیوسته از لباس پنبه‌ای استفاده می‌کرد.»

ایشان اضافه می‌کند: «من در نوجوانی، در سال حدود ۱۰۸۰ق او (شیخ فخرالدین طریحی) را برای نخستین بار در مسجد کوفه دیدم. او در ماه مبارک رمضان در آنجا معتکف شده بود»^۱
(ب) شیخ حر عاملی؛ مؤلف «أمل الآمل»:

محدث بزرگ عالم تشیع، شیخ حر عاملی، در کتاب «أمل الآمل» درباره ایشان

۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله بن عیسی بیگ افندی، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۳۳۲؛ تعلیقه أمل الآمل، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ق، ص ۲۲۵.
۲. أمل الآمل، شیخ حر عاملی، جلدی، نشر مکتبه الاندلس، بغداد، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۱۵.
۳. او پدر شیخ محمد جواد بلاغی، مؤلف تفسیر «آلاء الرحمن» است.
۴. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴.

عزم رحیل
 سرانجام شیخ فخر
 الدین طریحی، بزرگ
 پرچمدار دانش و معرفت
 و عمل در قرن یازدهم،
 پس از عمری خدمت به
 علوم و معارف اهل بیت (ع)
 در سال ۱۰۸۷ق در منطقه
 «رماحیه» در سن ۱۰۶
 سالگی عزم رحیل کرد و
 دیده از این جهان فانی
 فرو بست . جمعیت
 فراوانی از مردم -
 شیعه و سنی - که تا آن
 زمان مانند آن ک م تر
 دیده شده بود ، در
 تشییع جنازه او شرکت
 کردند . بدن مطهرش را
 از رماحیه تا نجف اشرف
 با اشک و گریه تشییع
 کردند و در آن شهر
 مقدس به خاک سپردند^۱

استادش «محمد بن حسام
 مشرقی» از شیخ بها ی
 نقل می کند . شیخ فخر
 الدین طریحی عابدترین
 و پرهیزگارترین اهل
 زمان خود بود.»
 ایشان در «فوائد
 الرضویه» نیز آورده
 است : «کتاب جامع
 المقال فی تمیز
 المشتركة من الرجال از
 آثار اوست. او اول کسی
 است که در تمیز
 مشترکات کتاب تألیف
 کرده است.»^۲
**ه) شیخ جعفر سبحانی
 تبریزی:**

فخر الدین بن محمد
 که در نجف به دنیا
 آمد ، اصالتاً اهل
 رماحیه و دانشمندی
 پرواپیشه ، امامی،
 دارای فنون مختلف
 علمی، و مشهور به
 طریحی است. او در همان
 زادگاهش نجف اشرف
 تحصیلاتش را ادامه داد
 و در عرصه فقه و حدیث
 و ادبیات و تفسیر
 سر آمد اقران در عصر
 خود گردید.^۳

۱. الکنی و الالقاب، حاج شیخ
 عباس قمی، نشر مکتبه صدر،
 تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ش، ج
 ۲، ص ۴۴۸.

۲. الفوائد الرضویه فی
 احوال علماء المذهب
 الجعفریه، حاج شیخ عباس
 قمی، نشر بوستان کتاب، قم،
 چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص
 ۵۷۱.

۳. موسوعة طبقات الفقهاء، ج
 ۱۱، ص ۲۲۱ - ۲۲۳.

۴. الفوائد الرضویه فی
 احوال علماء المذهب
 الجعفریه، ج ۱، ص ۵۷۱.



گلشن احکام

احکام مراسم عروسی

سید جعفر ربّانی

عروس صورت گیرد.
۲. تنها سبب محرمیت
 آنچه سبب حلال شدن زن و مرد بر یکدیگر می‌شود، فقط اجرای عقد شرعی می‌باشد که مقصود از آن، خواندن صیغه خاص عربی (جمله آنکحْتُ و قیلْتُ و مانند آن که باید با تمام شرایط همراه باشد) است و باید به طور صحیح خوانده شود. بنابراین، غیر از عقد شرعی، چیز دیگری سبب محرمیت نمی‌شود، پس:
 خواستگاری، ثبت محضری، قرار ازدواج گذاشتن، شیرینی خوردن، نشان ه گذاشتن، صحبت‌های مقدماتی عروس و داماد برای آشنایی بیش تر، قوم و خویش بودن خانواده عروس و داماد، راضی بودن دختر و پسر و... سبب محرمیت نمی‌شوند و تنها سبب

عزاداری‌های محرم و صفر، کم کم مجالس جشن و سرور بر پا می‌شوند. یکی از این مجالس، «جشن عروسی» است که در این زمینه تذکرات و احکامی قابل طرح و یادآوری است:

۱. مراسم «بله برون»

در این مراسم که برای برخی توافقات ابتدایی و نیز «نشان ه گذاشتن» برگ زار می‌گردد، باید به دو مطلب توجه شود:

الف) مهریه و نیز شرایط ضمن عقد به طور کامل مشخص گردد تا در آینده سوء تفاهمی به وجود نیاید و اختلافی واقع نشود؛

ب) نباید داماد خود انگشتر را در انگشت عروس قرار دهد؛ زیرا این دو هنوز با هم نامحرم هستند؛ بلکه این کار باید از جانب

در خوشحالی ما خوشحال و در حزن ما اندوهناک‌اند، و اموال و جانهای خود را در راه ما بذل می‌نمایند. ایشان از ما هستند و بسوی ما می‌آیند.»
۴. استحباب ولیمه

استحباب ولیمه دادن هنگام جشن عروسی، مورد تأیید تمام فقهاست
 «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 الرَّضَاءِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ
 النَّجَاشِيِّ لَمَّا خَطَبَ لِرَسُولِ
 اللَّهِ - أُمَّ حَبِيبَةَ أَمِيَّةَ بِنْتِ
 أَبِي سَفِيَّانٍ فَرَوَّجَهُ دَعَا
 بِطَعَامٍ وَقَالَ : إِنَّ مِنْ
 سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْإِطْعَامُ
 عِنْدَ التَّزْوِيجِ ؛ از امام
 رضا% نقل شده است :
 وقتی نجاشی، ام حبیبه
 را برای پیامبر -
 خواستگاری و تزویج
 نمود، آن حضرت ولیمه
 دادند و فرمودند : از
 روش پیامبران، اطعام
 هنگام ازدواج است»
 مرحوم امام خمینی!
 در مورد استحباب ولیمه
 دادن هنگام ازدواج،
 می‌نویسند:

«يستحب أن يكون
 الزفاف ليلاً و الوليمة
 في ليلة أو نهاره ؛
 فإنها من سنن المرسلين
 و عن النبي - " لا وليمة
 إلا في خمس في عرس أو
 عرس أو عذار أو وگار

محرمیت، اجرای صیغه
 عقد شرعی بین زوجین
 است؛ اعم از اینکه
 خودشان بالمباشره صیغه
 را بخوانند، یا کسی را
 در این امر وکیل کنند.
**۳. احترام به ایام حزن
 م‌عصومین)**

نکته دیگری که باید
 در برپایی مجالس جشن
 عروسی توجه شود،
 همزمان نشدن این مراسم
 با ایام حزن اه‌لبیت)
 است. بر این اساس،
 مناسب است روزی که
 بناست در آن روز مجلس
 جشن واقع شود، در
 تقویم دیده شود تا با
 ایام شهادت یا سوگواری
 رسول خدا - و خاندان
 پاک ایشان (م‌ق‌ارن
 نشود.

«قَالَ
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ % : إِنَّ
 اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اطَّلَعَ
 إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَ
 اخْتَارَ لَنَا شَيْعَةَ
 يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ
 لِفَرْحِنَا وَ يَحْزِنُونَ
 لِحَزْنِنَا وَ يَبْذِلُونَ
 أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا
 أَوْلِيكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا ؛
 امیرالمؤمنین علی %
 فرمودند: خدا توجهی به
 زمین نمود، آنگاه ما
 را برگزید و نیز
 شیعیان ما که ما را
 یاری می‌کنند. آنان که

۱. بحار الانوار الجامعة
 لدرر اخبار الائمة الاطهار،
 علامه محمدباقر مجلسی (م)
 ۱۱۱ق) انتشارات اسلامیه،
 تهران، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

۲. المحاسن، ابو جعفر احمد
 بن محمد بن خالد برقی (م)
 ۲۷۴ق)، دارالکتب الاسلامیه،
 ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۱۸.

پیامبر- نقل شده، که ایشان فرمودند: ولیمه دادن روز اول، حق، روز دوم، کرامت و روز سوم ریا و شهرت طلبی است... و نیز سزاوار است که دعوت عمومی باشد و شامل اغنیا و فقرا شود و تنها ثروتمندان دعوت نشوند، زیرا پیامبر- فرمودند: بدترین ولیمه ها این است که اغنیاء دعوت و فقرا رها شوند.»

۵. روزه مستحبی و دعوت چنانچه بناست مراسم ولیمه در روز انجام شود و شخصی که دعوت شده است، روزه مستحبی گرفته، مستحب است دعوت مؤمن را اجابت نموده، در مراسم ولیمه شرکت کند و روزه خود را باز نماید.

امام خمینی! و بلکه همه فقها در این مورد می نویسند:

«و ینبغی أن یدعی لها المؤمنون، و یتحجب لهم الإجابة و الأکل و ان کان المدعو صائماً نفلاً؛ . سزاوار است برای ولیمه، مؤمنان دعوت شوند و برای مؤمنان نیز مستحب است اجابت نمایند و از آن چه به عنوان ولیمه تهیه شده بخورند؛ اگر چه روزه مستحبی گرفته باشند.»

۴. تحریر الوسيلة، روح الله الموسوی الخمينی (امام خمینی!)، ج ۲، ص ۲۳۸

أَوْ رِكَازٍ ؛ یعنی
لِلتَّزْوِیجِ أَوْ وِلَادَةِ الْوَلَدِ
أَوْ الْخَتَانِ أَوْ شَرَاءِ
الْبَارِ أَوْ الْقَدُومِ مِنْ
مَكَّةَ، وَ أَنْمَا تَسْتَحِبُّ
یَوْمًا أَوْ یَوْمَیْنِ لِأَزِيدَ
لِلنَّبَوِيِّ "الْوَلِیْمَةُ فِی
الْأَوَّلِ حَقٌّ وَ یَوْمَانِ مَكْرَمَةٌ
وَ ثَلَاثَةٌ أیَّامٌ رِیَاءٌ وَ
سُنَّةٌ" ... وَ ینبغی أن
یعزم صاحب الدعوة
الأغنیاء و الفقراء، و
أن لا یخصها بالأغنیاء،
فیعن النبی- "شَرُّ الْوَلَائِمِ
أَنْ یُدْعَى لَهَا الْأَغْنِیَاءُ وَ
یُتْرَكَ الْفُقَرَاءُ؛" مستحب

است زفاف و عروسی در شب صورت گیرد و ولیمه در همان شب یا روز آن باشد، چرا که ولیمه دادن از روش پیامبران است. از پیامبر خدا - نقل شده که فرمودند: ولیمه منحصر در پنج مورد است: عروسی، ولادت فرزندان، ختنه، خرید منزل و برگشت از مکه. البته مستحب است ولیمه یک یا دو روز باشد نه بیش تر، به خاطر روایتی که از

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰۶.

۲. تفصیل وسائل الشیعه الی مسائل الشریعة، شیخ حر عاملی (محم د بن حسن بن علی)، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۴.

۳. تحریر الوسيلة، روح الله الموسوی الخمينی (امام خمینی!)، مؤسسه دارالعلم، قم، بیا، ج ۲، ص ۲۳۸.

۶. نثار عروسی

در مورد مجالس می‌همانی به طور عام و مجلس عروسی به طور خاص، دعوت شدگان چه مقدار و به چه کیفیتی می‌توانند از پذیرای‌های موجود استفاده نمایند؟

پاسخ: این امر به قرائن، شواهد و رسمها بر حسب زمان و مکان بستگی دارد. به عبارت دیگر، از قرائن و شواهد و نیز آنچه که مرسوم و متعارف است، می‌توان میزان و محدودیتها را به دست آورد و نباید از آن حدود تجاوز نمود. شهید ثانی (می‌نویسد: «و یجوز اکل نثار العروس و اخذه بشاهد الحال ای مع شهادة الحال بالاذن فیأخذه، لأن الحال یشهد بأخذه دائماً؛^۱ جایز است تناول نمودن از آنچه در مجالس عروسی نثار و پخش می‌شود به شاهد حال؛ زیرا قرائن گواهی می‌دهد که برداشتن و گرفتن آنچه را حاضر نموده اند، جایز است.»

۷. غیر مدعوین

نکته بعد در زمینة مجالس فوق‌الذکر این است که آیا افراد دعوت نشده می‌توانند در این مجالس شرکت کنند؟

پاسخ: این مس‌ئله دارای سه صورت است:
اول: ب دانیم که میزبان فقط افراد خاصی را دعوت نموده است؛ در این صورت شرکت غیر دعوت شدگان جایز نیست.
دوم: ب دانیم که میزبان همگان را دعوت نموده و یا راضی به شرکت عم و می‌است؛ در این صورت شرکت ایشان جایز است.

سوم: معلوم نیست که میزبان افراد خاصی را دعوت نموده است یا همگان را؛ در این صورت نیز مانند صورت اول فقط افرادی که دعوت شده‌اند، می‌توانند شرکت نمایند و دیگران حق حضور ندارند.

دلیل صور فوق این است که فقها فرموده‌اند: «الاصل عدم جواز اکل مال الغير الا بطیب نفسه؛ اصل اولی، عدم جواز خوردن مال دیگری است، مگر با رضایت وی.»

۸. تعداد ولیمه

در عروسی، چند مرتبه ولیمه دادن شایسته است؟

پاسخ: طبق نقل صاحب وسائل (م ۱۱۰۴ق) از رسول خدا- که فقها نیز بر طبق همین حدیث شریف فتوا داده‌اند: «عَنْ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ % قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْوَلِيمَةُ أَوْلَى يَوْمٍ حَقِّ وَالثَّانِي مَعْرُوفٌ

۱. الروضة البهیة، شهید ثانی، ج ۵، ص ۹۳.

و مَزَادَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ؛
امام صادق% فرمودند :
رسول خدا - فرمودند :
ولیمه دادن، اولین روز
حق است و دومین روز
پسندیده؛ ولی بیشتر از
آن ریا و شهرت طلبی
می باشد. « بنابراین
شایسته است تعداد
ولیمه از دو روز بیشتر
نشود.

۹. هدیه طلا

یکی از مراسمات جشن
عروسی هدیه دادن اقوام
عروس و داماد به
هم دیگر است. این امر
فی نفسه امری پسندیده
است، به خصوص که آن
هدایا در راستای رفع
هرچه بیش تر نیازهای
عروس و داماد باشد؛
ولی می دانیم که پوشیدن
طلا بر مردان حرام است؛
به هر رنگ و به هر
کیفیت، اعم از انگشتر،
ساعت، گردن بند و یا هر
چیزی که پوشش به شمار
رود. بر این اساس،
نباید اقوام عروس و
داماد و ی ا هر کسی که
می خواهد به آن دو هدیه
بدهد، داماد را تشویق
به پوشیدن طلا نم ای د و
زمینة معصیت را برای
وی فراهم آورد؛ بلکه
اگر تصمیم دارند به
داماد طلا هدیه دهند
«سکه» یا «شمش» و
امثال این گونه طلاها

را هدیه نمایند که
پوشیدنی نباشد.
۱۰. محرم و نامحرم
یکی از نکاتی که
باید به طور جدی در
تم ام مراسمات، و به
خصوص در عروسی ها مورد
توجه واقع شود، عدم
اختلاط زن و مرد است.
در این زمینه باید به
نکاتی توجه شود:

الف) از حضور مردان
نامحرم در جمع زنان و
بالعکس جلوگیری به عمل
آید، تا ابتدای زندگی
مشترک ایشان با معصیت
پروردگار آغاز نشود.
ب) حتی المقذور
داماد در جمع زنان
نامحرم حاضر نشود،
وگرنه همراه با پوشش
کامل بانوان باشد
ج) گرچه فقها
فرموده اند: زنها
می توانند وجه (صورت) و
کفین (دستها تا مچ) را
نپوشانند؛ ولی این حکم
شامل مجالس عروسی
نمی شود؛ زیرا نوعاً در
مجالس عروسی صورت ها و
دستها همراه با آرایش
است و فقها فرموده اند:
جواز نپوشاندن وجه و
کفین مقید به دو شرط
است:

اول: صورت دارای
آرایش نباشد؛ دوم:
احساس نشود مردها به
چهره او نگاه می کنند.
پس هر کدام از این دو
شرط نباشد، زن باید
(واجب است) چهره خود
را بپوشاند.

۱. تفصیل وسائل الشیعة الی
تحصیل مسائل الشریعة، شیخ
حز غاملی (محمد بن حسن بن
علی)، ج ۲۰، ص ۹۵.

۱۱. اسراف

نکته دیگر، پرهیز از اسراف است. قرآن در مورد اسراف کنندگان می‌فرماید: **إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا**؛ «بی‌تردی اسراف کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین‌اند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بی‌وفایار و ناسپاس بوده است.» و نیز می‌فرماید: **وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ**؛ «اسرافکنندگان اصحاب آتش می‌باشند.» شاید به سبب حرمت اسراف است که پرداخت اموال سفیهان به آنان منع شده است؛ چراکه آن‌ها اموال خود را بیهوده مصرف می‌نمایند و در مقابل آنچه مصرف می‌کنند، عایداتی ندارند. از این رو، باید از اسرافها و ولخرجیهایی که در برخی از مجالس عروسی شاهد هستیم، اجتناب شود تا مشمول کفران نعمتهای الهی نشویم.

۱۲. کاروانهای خیابانی

متأسفانه رسم شده است هنگام بردن عروس به منزل شوهر، کاروانی متشکل از اقوام عروس و داماد و دوستان، سوار بر اتومبیل، با تجلیل

و احترام، عروس و داماد را تا منزلشان بدرقه می‌نمایند. این کار فی‌نفسه بی‌اشکال است؛ لکن در بعضی موارد مشاهده می‌شود که افراد با زدن بوقهای ممتد، ایجاد سد معبر، شوخی‌های نابجا و سر و صداها، آنچنانی، برای دیگران ایجاد مزاحمت می‌نمایند که این امر ناشایست؛ بلکه حرام است.

لقمان حکیم % به فرزند خود سفارش می‌کند: **وَاقْصِدْ فِي مَشِيكِ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ**؛ «(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن! از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها، صدای خران است.»

۱۳. قربانی کردن

بعضی‌ها رسم دارند جلوی عروس و داماد قربانی کنند. در این مورد به چند مطلب توجه شود:

الف) در این گونه قربانی کردن هیچ‌گونه وجه حرمتی مشاهده نمی‌شود؛ زیرا تمام شرایط ذبح (همچون بردن نام خدا هنگام ذبح، رو به قبله بودن حیوان، مسلمان بودن ذابح و...) در آن وجود دارد و فقط مکان ذبح جلوی

۱. اسراء / ۲۷.

۲. غافر / ۴۳.

۳. لقمان / ۱۹.

الف) نواختن موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب، به طور قطع و به اتفاق تمام فقها حرام است.

ب) اختلاط زن مرد و نگاه نامحرمان با قصد لذت شهوانی به یکدیگر، از محرمات مسلم است (ج) از آنجا که در مورد رقص مردان برای مردان و زنان برای زنان و نیز به کار بردن ابزارهای همچون «دایره» فتاوی فقها مختلف می‌باشد، لازم است در این زمینه به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنی و تا وظایف شرعیة مربوطه مشخص گردد.

پای عروس و داماد می‌باشد. بر این اساس، این گونه قربانیها به آنچه در زمان جاهلیت انجام می‌شد - که مشرکین برای بت‌های خود قربانی می‌کردند - هیچ ربطی ندارد و ادعاهای وهابیون در این زمینه، ناشی از جهل آنان است (ب) حیواناتی که خون جهنده دارند، خونشان نجس است و به هر جا برسد، آنجا را نجس می‌کند، پس اگر به بدن و لباس برسد، قبل از نماز باید تطهیر شود، مگر اینکه به مقدار بند انگشت (کم‌تر از درهم) باشد که در این صورت نجس هست؛ ولی برای نماز اشکالی ندارد.

ج) شایسته است بخشی از گوشت قربانی صدقه داده شود تا سبب دفع آفات و بلیات گردد و زندگی موفقیت‌آمیز عروس و داماد و خانواده‌های آنان را به ارمغان آورد.

۱۴. به کار بردن حرام

واجب است در مجلس عروسی از افعال حرام خودداری گردد تا شرکت در آن مجلس برای میهمانان حرام و نیز شروع زندگی مشترک عروس و داماد همراه با گناه نباشد. برخی از مطالبی که در این زمینه باید اشاره شوند، عبارتند از:

همراه با شاعران ولایی



گردآورنده: احمد رضانی

«میلاد امام عسکری 70»

مبشر پیام حق

رضا مؤید

باز بر آن سرم که رو

به قبله دعا کنم

ز درگه خدا طلب طواف

کربلا کنم

که چون فرشتگان حق دهم سلام

عسکری %

به درگه کریم او جبهه

نهاده در زخم

گهی بشوق بوسه ها به

قبر آن پسر زخم

دو آفتاب جلوه گر در

آسمان ر هبری

مدینه را نظر کن و

جلوه ذوالکرام بین

باب امام عصر (عج) را،

فراز دست مام بین

چشم علی % منور از،

جمال ماهپاره اش

نور ولایتش به رخ، ردای

خلتش به بر

سید

رهی ز توبه و دعا به

درگه خدا کنم

پس از طواف کربلا روی

به سامرا کنم

دست زخم به دامن لطف

امام عسکری %

به خلوت حریم او که

خلوت است پر زخم

گهی گلاب اشک بر مزار

این پدر زخم

یکی علی النقی % یکی

امام عسکری %

قرآن مهر و ماه را، در

این خجسته شام بین

دهم امام % را ببر،

یازدهم امام % بین

فاطمه کو؟ که بنگرد، بر

حسن % دوباره اش

لوای عصمتش به کف، تاج

شفاعتش به سر

امام هادیش% پدر، حضرت مه‌دیش (عج) پسر هیچ کسی نمی رود، به نامیدی از درش درس هدایت بشر، زمزمه سروش او حصار ظلم ظالمان، شکسته از خروش او به هم درید سعی او، پرده اختناق را اهل کمال خوشه چین، زگوشه های خرمنش امام عصر (عج) تربیت، یافته روی دامنش درود ما بر آن پدر، سلام ما بر این پسر که دیده بس شکنجه تا، زنده شود مرام حق داده به دست مه‌دیش (عج)، رسالت قیام حق	بر همه هستیش نظر، در همه عالمش گذر خلائقند چاکرش، ملائکند عسکرش رسالت پیمبران-، تکیه زده بدوش او وضع جهان و چشم او، راز نهان و گوش او به دوره ای که معتمد کرد فزون نفاق را بهشت علم پرورد، آب و هوای گلشنش کلیم% مانده از سخن، به وقت درس گفتنش نهال عصمتی چنان، برآورد چنین ثمر سلاحه پیمبر - و، مبشر پیام حق مبین اصول دین، مفسر کلام حق
--	---

مهدی (عج) منتقم تویی، امام منتظر تویی کتاب تفسیر تو خود، آیتی از کمال تو امید رحمتم بود، زلف بی زوال تو امید آن که خوانیم زدوستان مهدیت (عج)	که بعد من، امام بر جوامع بشر تویی ای جلوات کبریا، جلوه گر از جمال تو منکه زیبا نشسته ام، به درگه جلال تو «مؤیدم» گدای تو بر آستان مهدیت (عج)
---	---

سید در پیشگاه حکم تو ذرات در سجود آن را که نیست مهر تو	آفتاب مهر عسکری% رضامؤید ای آفتاب مهر تو روشنگر وجود ای میر عسکری% لقب ای
---	---

از زندگی چه سود	فاطمی نسب
فیضت نصیب، بر همه در	علمت محیط بر همه ذرات
غیب و در شهود	کاینات
بر دفتر مفاخر	تاریخ تابناک حیاتت،
اسلامیان فزود	گر اندک است
زنگار کفر از دل	عیسی% دمی و پرتو رأی
نصرانیان زدود	منیر تو
در خانه تو مصلح ك ل	این افتخار گشته نصیبت
دیده برگشود	که از شرف
شیران به پیش پای تو	ای قبله مراد که در
آرند سر فرود	بركة السَّبَاع
جای قدوم عیسی و موس ی و	قربان دیده ای که به
شیث و هود (بزم تو فاش دید
الحق مفسری، ز تو	قرآن ناطقی تو و قرآن
شایسته تر نبود	پاک ر
در روزگار، چون تو به فضل	دشمن بدین کلام ستاید
و کمال و جود	ترا که نیست
جانها فدای لعل لب	شادی به نزد مردم
کاین سخن سرود	غمدیده نارواست
ای خاندان پاک که	مدح شما، ز عهده مردم
یزدانتان ستود	برون بود
منت نهاد بر همگان،	از نعمت ولای شما
خالق و دود	خاندان وحی
بپذیر، از «مؤید»	ای پورهادی %، ای حسن
دلخسته این درود	العسکری % ز لطف
سید حمید رضا	«به یاد مهدی موعود(عج)
ناخودآگاه به سمت تو	احساس تغزل
تمایل دارد	برقعی
مانده ام بی تو چرا	جمع ه ها طبع من احساس
باغچه ام گل دارد	تغزل دارد
فرش گسترده و در دست	بی تو چندیست که در
گلایل دارد	کار زمین حیرانم
ماه مخفی شدنش نیز	شاید این باغچه ده قرن
تعادل دارد	به استقبالت
	تا به کی یکسره یکریز
	نباشی شب و روز

می‌خرم از پسرک هر چه تفال دارد	کودکی فال فروش است و به عشقت هر روز
یک قدم مانده ز مین شوق تکامل دارد	یازده پله زمین رفت به سمت ملکوت
تکیه بر کعبه بزن ، کعبه تحمل دارد	هیچ سنگی نشود سنگ صورت ، تنها
حبیب الله	«در رحلت حضرت معصومه &» باغ بهشت چایچیان
فروغ عترت و قرآن توان دید	به دیوار و در این بیت توحید
حریم دخت هفتم خسرو دین	بود این بارگاه خلد آذین
رضا% را خواهر مظلومه اینجاست	م زار حضرت معصومه & اینجاست
به دلها این حرم شد پرتو افکن	چو اینجا شد چراغ عشق روشن
در باغی است از باغ جنت	بُود این درگه از ابواب رحمت
نمی‌گردد خزان هرگز بهارش	که اشک عاشقان شد جویبارش
ببوس این درگه پر نور و طاهر	تو ای زائر به تعظیم شعائر
بیا جان خود اینجا شست و شو کن	بیا اینجا به اشک خود وضو کن
اجازت از خداگیر و رسولش	بپا خیز و بخوان اذن دُخولش
به اذن یازده معصوم () دیگر	به اذن حیدر و زهرای اطهر
بگو بسم الله و الله اکبر	قدم چون می‌نهی داخل از این در
به گوش جان او آید ندائی	زند چون حلقه بر این در گدائی
محبت آل عصمت () ، کامیاب است	که : ای سائل ! دعایت مستجاب است

که بی حدّ است الطاف
الهی
در باغ بهشت اندر
زمین است

بخواه از رحمت حق هر
چه خواهی
«حسان ا»، قم که
دارالمؤمنین است

استاد

و لیکن درد عشقش هم همه
با آه سرد آید
تو دریا دل نهنگی باش
گو دریا نورد آید
که چون نوروز هر سالش نبرد
آیین سالگرد آید
که شمع جمع ما و رهبر
هر فرد فرد آید
که پیری هست و از در چو
خزان زار زرد آید
کجا نامرد را دیدی که
جانبدار مرد آید

بازگشت امام خمینی)
شهریار
دلی دارم چو برگ گل که
از آهی به درد آید
فضای آفرینش با تو
دریایی است بی پایان
چه نیکو سنتی تجلیل
جمهوری اسلامی
خدا پس داده در روزی
چنین با ما امام ما
بهاری سبز داری چون
جوانی قدر اگر دانی
جهان از ناجوانمردان
نگهدارد همه جانب



پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردتر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

۱. این روایت از کیست؟ «أَقْبَحُ أَفْعَالِ الْمُؤْتَدِرِ
الْإِنْتِقَامِ»

الف. امام علی%

ب. امام حسین%

ج. امام عسکری%

2. خواندن حمد و سوره در نمازهای واجب، بر اساس همه قرائت‌های مشهور

الف. جایز نیست

ب. جایز است

ج. به نظر برخی از فقها جایز نیست

3. گروهی از قریشیان به حضرت ابوطالب% می‌گفتند :

- «مُحَمَّدٌ وَ سَبَّ آلِهِنَا وَ أَفْسَدَ شُبَّانَنَا» که حکایت از دارد.
- الف. نفوذ و تأثیر پیامبر- در گستره مکان
ب. نفوذ و تأثیر پیامبر- در گستره زمان
ج. نفوذ و تأثیر پیامبر- در روحها و دلها
4. اعدام «شیخ فضل الله نوری» توسط انگلیس، چه تأثیری بر نهضت روحانیون انقلابی گذاشت؟
الف. عده زیادی از آنها را به قیام علیه حکومت وا داشت.
ب. عده زیادی از آنها را به انزوا برد.
ج. روحیه انقلابی آنان را متزلزل ساخت و برخی را تسلیم خواسته‌های حکومت کرد.
5. جمله زیر از کیست؟
«اساساً دینی که منطقتش بر اساس فکر و عقل و فلسفه و بر اساس یک سلسله مصالح است در این جهت نگرانی ندارد.»
الف. امام خمینی)
ب. شهید بهشتی)
ج. شهید مطهری)
6. «قصر» به معنی است و منظور از «قصر الصلاة» می‌باشد.
الف. کوتاه کردن - تبدیل نماز طولانی به نماز کوتاه
ب. اختصار - حذف برخی از ارکان نماز
ج. کوتاه کردن - کم کردن برخی از اجزا و شرایط نماز
7. امام حسن عسکری % می فرماید : «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَمْتَحِنُ عِبَادَهُ فَيُثِيبُهُمْ عَلَى ذَلِكَ ثَوَابَ الصَّالِحِينَ.»
الف. لِيَخْتِيرَ صَبْرَهُمْ
ب. لِيَخْتِيرَ إِيمَانَهُمْ
ج. لِيَخْتِيرَ عَمَلَهُمْ
8. تقسیم «ارتباط پسر و دختر» به «درست» و «نادرست» مورد تأیید دین مبین اسلام
الف. مطلقاً - نمی‌باشد
ب. در بعضی موارد - می‌باشد
ج. مطلقاً - می‌باشد
9. معاویه به سمره بن جندب صد هزار درهم پیشنهاد کرد تا بگوید که آیه [وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ

بسمه تعالی

اطلاعیه پذیرش

با یاری خداوند متعال و در ظل توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ از میان داوطلبان واجد شرایط برای سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳
در حوزه های علمیه سفیران هدایت ثبت نام می نماید.

الف) شرایط عمومی داوطلبان:

- ۱- برخورداری از صلاحیت های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی.
- ۲- اعتقاد و التزام به ولایت فقیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- تابعیت جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- برخورداری از صلاحیت جسمی و روحی.
- ۵- موفقیت در آزمون ورودی و مصاحبه.
- ۶- نداشتن منع قانونی از نظر نظام وظیفه.

ب) شرایط اختصاصی حوزه های علمیه سفیران هدایت:

- ۱- داشتن حداقل مدرک دیپلم با حداکثر سن ۲۲ سال.
- * سنوات تحصیلی بالاتر از دیپلم به حد اکثر سن اضافه می شود *
- ۲- تعهد خدمت تبلیغی (پنج سال) در مناطق مورد نیاز.

د) اولویت ها:

فرزندان آزادگان، جانبازان، خانواده های محترم شهداء، حافظان حداقل یک ششم قرآن کریم یا نهج البلاغه و
داوطلبان مناطق محروم از اولویت برخوردار خواهند بود.

ه) ثبت نام:

۱- زمان ثبت نام از تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۰۱ تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ می باشد.
داوطلبان برای اطلاعات بیشتر به سایت معاونت آموزش حوزه به آدرس: (www.howzeh-qom.com)
مراجعه کنند.

* حافظان حد اقل یک ششم قرآن کریم و یا نهج البلاغه، خانواده های محترم شهداء، فرزندان جانبازان،
آزادگان، از امتیاز برخوردار خواهند بود.

* حافظان کل قرآن کریم، آزمون کتبی ندارند و قبولی آنان بر اساس معدل کل آخرین مدرک تحصیلی و قبولی
در مصاحبه خواهد بود.

و) تاریخ آزمون: روز جمعه مورخه: ۱۳۹۳/۰۱/۲۹ راس ساعت ۹ صبح.

مکان ثبت نام: حوزه های علمیه سفیران هدایت و سایت معاونت آموزش حوزه های علمیه

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۲۹۱۴۹۷۱
۰۲۵-۳۲۹۲۲۰۵۱ (داخلی ۲۸۶۹)

مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ
گزینش حوزه های علمیه سفیران

بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان) مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۳۶/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۱۸/۰۰۰ تومان می باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.

نشانی فرستنده:

.....
.....
.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:
اینجانب: مبلغ: ریال
طی فیش شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای
دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتیم.

از این قسمت تا بزنید

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸
معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه
ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید

لطفاً با چسب بچسبانید